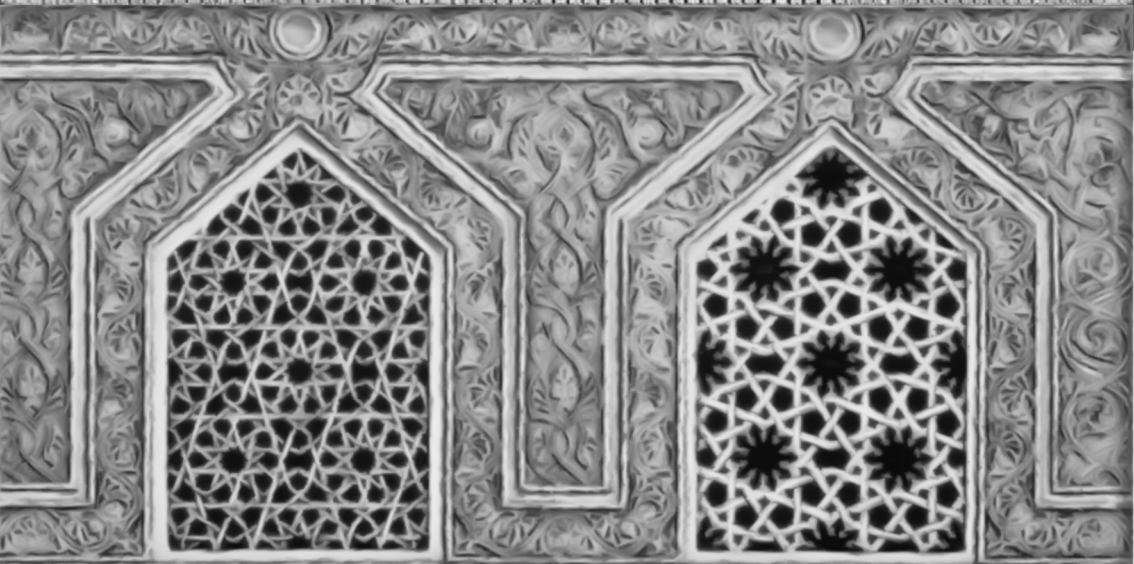


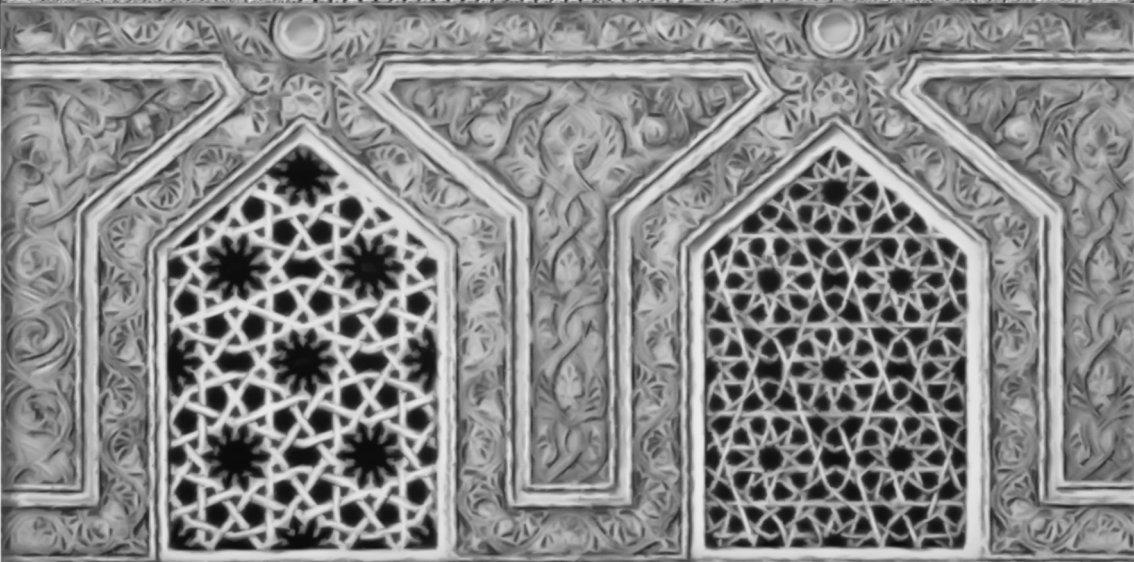


سرشناسه: طباطبائی پور، مهدی، ۱۳۳۰-  
عنوان و نام پدیدآور: مقام علی علیه السلام در کلام نبی صلی الله علیه و آله / مهدی  
طباطبائی پور.  
مشخصات نشر: اصفهان: نقش نگین: کهن دژ، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص. / شابک: 978-600-329-146-1  
وضعیت فهرست نویسی: فیا.  
موضوع: ؟؟؟؟  
موضوع: ؟؟؟؟  
رده بندی کنگره: ؟؟؟؟  
رده بندی دیویی: ؟؟؟؟؟  
شماره کتابشناسی ملی: ؟؟؟؟



در مقام علی  
علیہ السلام  
فلاہ وسکون  
صلی اللہ علیہ وسلم

جمع آوری  
سید مہدی طباطبائی



## تقدیم به

پیشگاه دُرْدانه صدف آفرینش یگانه همه زمان ها و مکان ها علی علیه السلام که زبان و بیان و کلام و اقلام از توصیف فضائلش عاجزند!

هر روز و به هر مناسبت خود و خانواده و دوستان و آشنایان خویش را با فضیلتی از فضائل بی شمایی علی علیه السلام از زبان گهربار پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آشنا کنیم.

مقام علی علیه السلام  
در کلام ابن عربی

جمع آوری  
سید مهدی طباطبائی

ناشر: نقش نگین / ناشر همکار: کمن دژ  
مدیر تولید: مهدی نقش / صفحه آرا: مهدی نحوی  
طرح جلد: مهدی رسول جبار  
ویراستار: عذرا دینانی / نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه / چاپ: حافظ ۲  
صحافی: سپاهان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۹-۱۴۷-۸  
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان  
کلیه حقوق محفوظ است.

اصفهان / خیابان حکیم / ساختمان دقیق / پلاک ۱۱۶  
تلفن: ۰۶۱-۳۲۲۳۶۲۶۰-۳۲۲۰۴۹۳۳ نمابر: ۳۲۲۰۴۹۳۳  
Email: Info@naghshnegin.com  
www.naghshnegin.com

# مقدمه

بحمدالله و المنة بیش از هفده سال است که عصرهای شنبه هر هفته در خانه‌ای که منور به نور نهج البلاغه مولای متقیان حضرت علی علیه السلام است، در محضر پیر مراد خود حضرت استاد محمد فولادگر «روحی فدا» با جمعی از دوستان همدل و یاران همزبان با اشتیاق وصف ناپذیر گردهم می‌آئیم تا از خرمن معارف علوی خوشه‌ای و از گلستان پر گل آن شاخه‌ای و از دریای بی‌منتهای آن گوهری با خود ببریم و در دل‌های مشتاق خویش بسپاریم.

در هر جلسه استاد کلامی از حضرت مولا را چون جرعه‌ای از چشمه آب حیات بر کام تشنه ما می‌نشاند و قلب ما را سرشار از معنویت و روحانیت می‌نماید.

در شبی از شب‌های انس با نهج البلاغه استاد فرمودند:  
ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید:

اگر تمام علمای بلاد با علم فصاحت و بلاغت خود در محفلی جمع شوند و زبان علی را هم برای بیان فضائل علی علیه السلام از وی به عاریت بگیرند، هرگز نمی‌توانند یک دهم آنچه را پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام فرموده، بیان کنند. سپس تأکید می‌کند؛ بلکه آن را نیز نتوانند.



این جمله ابن ابی الحدید معتزلی (که سنی مذهب است) مرا به فکر فرو برد که راستی مگر پیامبر اکرم ﷺ درباره علی علیه السلام چه فرموده اند، که اگر همه علما جمع شوند یک بیستم آن را نخواهند توانست به زبان آورند. به دنبال این فکر بر آن شدم که تا آنجا که توان دارم و فرصت پیدا می کنم و طائر توفیق همراهی می نماید، فرمایشات پیامبر عظیم الشان را در مورد مولای متقیان جمع آوری و در مجلداتی منتشر نمایم و نام آن را «مقام علی علیه السلام در کلام نبی ﷺ» اختیار نمودم.

بدیهی است فردی چون من که از نظر بضاعت علمی فقیر و ناچیز و از منظر کارهای اجتماعی با گرفتاری های زیاد و اشتغالات فراوان می باشد، جمع آوری این مجموعه کلام گهربار کاری بس دشوار و دور از توان می نمود ولی با استعانت از درگاه خداوند متعال کار را شروع کردم و از روح بلند پیامبر اکرم ﷺ مدد خواستم که بتوانم با بضاعت مزجاة خود چون موری ران ملخی را به پیشگاه سلیمان دو جهان تقدیم کنم. با شروع کار اشتیاقم دو چندان شد و با ادامه آن دریافتم که با اقیانوس وسیع و عمیقی روبرو شده ام که تنها می توانم سیوئی از آن برداشته و ارائه کنم.

چرا که خود پیامبر ﷺ فرمودند:

«اگر همه اشجار قلم شوند و دریاها مرکب و جن و ملک نویسنده نمی توانند فضائل علی ابن ابی طالب را بنویسند.»

مع الوصف کار را شروع نمودم و اینک اولین جلد آن که شامل ۵۰۰ حدیث شریف می باشد را تقدیم می کنم و امیدوارم مورد قبول درگاه حق تعالی و پیامبر خاتم ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام قرار گیرد.

بنده کمترین در نگارش این کتاب مخاطب خود را عامه مردم



فارسی زبان و به خصوص جوانان قرار دادم و لذا از آوردن متن عربی کلام پیامبر اکرم ﷺ خودداری نمودم ولی در هر مورد آدرس حدیث را ذکر کردم که علاقمندان بتوانند به آسانی به متن عربی آن مراجعه نمایند. لازم است از سرکار خانم «شقایق باخویش» (محمدی) که در آماده شدن این اثر تلاش فراوانی نمودند تقدیر و تشکر نمایم.

سید محمدی طباطبائی  
رمضان ۱۴۳۸  
خرداد ماه ۱۳۹۵



بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

۱۱. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

دوستی علی گناهان را فرو می خورد همچنان که آتش هیزم را.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

سرلوحه کارنامه مؤمن، دوستی علی بن ابی طالب است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

۱۲. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هرگاه خداوند عشق و دوستی علی را در دل مؤمنی استوار سازد و با این حال قدمش بلغزد (خطایی از او سرزند) در روز قیامت قدمش را برصراط استوار نگه دارد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

۱۳. پیامبر خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمودند:

تورا جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمن ندارد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

۱۴. امام علی علیه السلام فرمودند:

اگر با این شمشیرم بربینی مرد با ایمان زنم که مرا دشمن گیرد، هرگز با من دشمنی نکند و اگر همه دنیا را به منافق دهم تا مرا دوست دارد،



هیچگاه دوستم ندارد. و این از آن روست که قضا جاری گشت و بر زبان پیامبرائی گذشت که فرمود: ای علی! مؤمن تورا دشمن ندارد و منافق دل به دوستی تونسپارد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

[۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی پیشوای نیکوکاران است و کُشنده بدکاران، هر که او را یاری کند یاری شود و هر که از یاری او دست شوید، بی یار ماند.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

[۶]. پیامبر خدا ﷺ به علی (ع) فرمودند:

آفرین و مرحبا به سرور مسلمانان و پیشوای پرهیزگاران.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

[۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

ای علی! خداوند... دوست داشتن مستمندان را به تو بخشیده است؛ از این روانان به پیشوایی تو خرسندند و توبه داشتن پیروانی چون ایشان.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

[۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

درباره علی به من وحی شده که او سرور مسلمانان، پیشوای پرهیزگاران و رهبر و سپیدان است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۳)

[۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

آیا شما را به چیزی رهنمون شوم که تا هرگاه بر آن توافق کنید، به هلاکت در نیفتید؟! همانا ولی شما خداوند و امامتان علی بن ابی طالب است. پس، خیرخواه و مخلص او باشید و تصدیقش کنید. همانا این



مطلب را جبرئیل به من خبر داد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

همانا خداوند عزوجل درباره علی بن ابی طالب بمن سفارشی فرمود. گفتم: بار پروردگارا، آن را برایم روشن فرما. فرمود: بشنوا! عرض کردم: گوش به فرمانم. فرمود: همانان علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی (راه) کسانی است که مرا اطاعت کنند. او کلمه ای است که با پرهیزگاران همراهش کردم. هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که از او اطاعت کند از من اطاعت کرده است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

خداوند درباره علی به من سفارشی فرمود. عرض کردم: بار خدایا! آن را برایم توضیح بده. فرمود: گوش کن! عرض کردم: گوش می کنم. فرمود: همانا علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است. این را به او بشارت ده. پس علی آمد و من به او بشارت دادم.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

ای بنی هاشم! همانا برادر من، وصی من و وزیر من و جانشین من در میان خانواده ام علی بن ابی طالب است. او دین مرا می پردازد و وعده ام را به کار می بندد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۳]. جبرئیل نزد من آمد و گفت:

ای محمد! پروردگارت { به تو درود می فرستد و } می گوید: همانا



علی بن ابی طالب وصی و جانشین تو در میان خانواده و امت تومی باشد.  
(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۴]. پیامبر خدا ﷺ اشاره به علی علیه السلام:

این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست. فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

همانا وصی من، راز دار من و بهترین بازماندگانم و کسی که وعده ام را به کار می بندد و دینم را ادا می کند علی بن ابی طالب است.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

هر پیامبری، وصی و وارثی دارد و علی وصی و وارث من است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵)

[۱۶]. ابن ابی الحدید می نویسد:

بعد از رحلت پیامبر خدا ﷺ حضرت علی به نام وصی رسول الله خوانده می شد چون پیامبر مطالب و خواسته های خود را به او وصیت کرده بود. اصحاب و هم باوران ما این مطلب را انکار نمی کنند اما می گویند: این وصیت در زمینه خلافت نبوده بلکه درباره بسیاری از امور و مسائل نوظهور پس از ایشان بوده است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۵ و ۲۵۷)

[۱۷]. ابن ابی الحدید می نویسد:

اشعار فراوانی را از شاعران صدر اسلام زیر عنوان « اشعاری که درباره وصایت علی سروده شده » بازگو کرده است. او در توضیح این جمله امام که: « وصیت و وراثت در میان ایشان است » می گوید: ما شك نداریم که

علی علیه السلام وصی پیامبر خدا بوده است؛ گوا این که افرادی که از نظر ما کینه توزند، این نکته را قبول ندارند. البته به عقیده ما مقصود از وصیت نص و خلافت نیست بلکه مسائل دیگری است که - اگر روشن شوند - شاید برتر و مهمتر از موضوع خلافت باشند.

(میزان الحکمة ص ۲۵۷)

[۱۸]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر که من مولای اویم علی نیز مولای اوست.

(میزان الحکمة ص ۲۵۷)

[۱۹]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای بریده! آیا من به مؤمنان از خود ایشان سزاوارتر نیستم؟ عرض کردم: البته، ای پیامبر خدا. فرمود: هر که من مولای اویم علی هم مولای اوست.

(میزان الحکمة ص ۲۵۷)

[۲۰]. عبدالرحمن بن ابی لیلی می گوید:

علی را دیدم که در رحبة (کوفه) مردم را سوگند می دهد: شما را به خدا سوگند می دهم اگر کسی از شما هست که شنیده باشد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم می فرمود: « هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست » برخیزد و گواهی دهد عبدالرحمن می گوید: دوازده تن از بدریان که گویی هم اکنون یکایک آنان را می نگرم، برخاستند و گفتند: گواهی می دهیم که شنیدیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر می فرمود: آیا من به مؤمنان سزاوارتر نیستم...؟ عرض کردیم: البته، ای پیامبر خدا. پیامبر فرمود: هر که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار هر که را دوستدار علی باشد و دشمن بدار هر که را با او دشمنی ورزد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۷)



[۲۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی از من است و من از او. او ولیّ هر مؤمنی است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۷)

[۲۲]. عمران بن حصین می گوید:

پیامبر خدا ﷺ سپاهی را به فرماندهی علی بن ابی طالب گسیل داشت. او در این سفر کاری کرد... ما هرگاه از سفر برمی گشتیم ابتدا خدمت پیامبر خدا ﷺ می رسیدیم. پس، بر آن حضرت سلام کردیم... مردی از آن میان برخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا، علی چنین و چنان کرد. پیامبر از او روی گرداند. مرد دیگری برخاست و همان گفت که آن اولی گفته بود. تا آن که چهارمی برخاست و سخنان همان نفر اول را به زبان آورد. پیامبر خدا ﷺ در حالی که چهره اش متغیّر شده بود رو به او کرده فرمود: رها کنید علی را، رها کنید علی را، رها کنید علی را؛ همانا علی از من است و من از او. او پس از من ولیّ هر مؤمنی است.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۳]. وهب بن حمزة می گوید:

با علی بن ابی طالب از مدینه به مکه سفر کردم. در راه از او اندکی تندی دیدم. با خود گفتم: وقتی برگشتم و پیامبر خدا ﷺ را دیدم از او بد خواهم گفت. او می گوید: وقتی برگشتم و به دیدار پیامبر خدا ﷺ رفتم از علی بدگویی کردم. پیامبر خدا ﷺ به من فرمود: این حرفها را درباره علی مگو. همانا علی بعد از من ولیّ شماست.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۴]. نرینه اسلمی می گوید:

پیامبر خدا به ما دستور داد به علی به عنوان امیر مؤمنان سلام کنیم. در

آن روز ما هفت نفر بودیم و من از همه کوچکتر بودم.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی با حق است و حق با علی و بر محور او می گردد.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۶]. ابن ابی الحدید می نویسد:

در اخبار صحیحی از قول پیامبر آمده است که فرمود: علی با حق است ...

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۷]. ابن ابی الحدید می نویسد:

حق با این است، حق با این است - یعنی علی علیه السلام

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

حق با علی است هر جا که رو کند.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۲۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

بار خدایا! هر طور که علی گردید حق را با او بگردان.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۳۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی با حق است و حق با علی. آن دو هرگز از هم جدا نشوند، تا آنگاه که در روز قیامت بر لب حوض نزد من آیند.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۳۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی با قرآن و قرآن با علی است و هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار



حوض (کوثر) نزد من آیند.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۳۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی با حق و قرآن است و حق و قرآن با علی و از هم جدا نشوند تا کنار حوض نزد من آیند.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۳۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

این علی با قرآن است و قرآن با علی. از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. پس آنچه را در این دو بر جای نهادم از آنها بپرسید.

(میزان الحکمة ص ۲۵۹)

[۳۴]. انس در خدمت پیامبر نشسته بود که علی علیه السلام وارد شد. پیامبر ﷺ فرمود:

ای انس! من و این حجت خدا بر بندگان او هستیم.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۳۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من شهر علم هستم و علی دروازه آن، پس هر که علم خواهد باید از در بیاید.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۳۶]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی درگاه دانش من است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۳۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من سرای حکمت و علی در آن.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)



[۳۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی دروازه دانش من است و پس از من رسالت مرا برای اتم تبیین می کند.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۳۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

پس از من علی بن ابی طالب داناترین فرد امت من است.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی بن ابی طالب خداشناس ترین مردمان است و بیش از همه اهل  
«لا اله الا الله» را دوست دارد و بزرگشان می دارد.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

پس از من، علی آگاه ترین فرد است به کار قضاوت و داناترین  
آنهاست.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

ای علی! تو... وارث دانش منی.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من و علی از يك درختیم و دیگر مردمان از درخت های گوناگون.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۴]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

ای علی! مردم از درختهای گونه گونند و من و تواز يك درخت.  
(میزان الحکمة ص ۲۶۱)



عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

[۴۵]. جابر می گوید:

پیامبر ﷺ در عرفه بود و علی رو به روی آن حضرت قرار داشت. پیامبر فرمود: ای علی! نزدیک من آی و پنجه ات را در پنجه من گذار. ای علی! من و توازیک درخت آفریده شده ایم. من ریشه آن درختم و توتنه آن و حسن و حسین شاخه هایش. هر که به شاخه ای از آن بیاویزد خداوند او را به بهشت درآورد.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۶]. پیامبر خدا ﷺ - به علی -:

تو در دنیا و آخرت برادر من هستی.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

من همان می گویم که برادرم موسی گفت:

« پروردگارا، سینه ام را فراخ گردان و کارم را آسان کن و از خانواده ام برای من وزیر و پشتیبانی قرار ده »، برادرم علی را، « پشتم را به او قوی دار... »

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)

[۴۸]. امام علی علیه السلام خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید:

آن گاه که میان اصحابش پیوند برادری ساخت عرض می کند :-  
هرآینه جان از تنم برفت و پشتم شکست آن گاه که دیدم با اصحاب خود چنان کردی و با من نه. اگر این رفتار شما از سرخشم بر من است بخشش و بزرگواری از شماست! پیامبر خدا ﷺ فرمود: قسم به آنکه مرا به حق برانگیخت تو را آخرین نفر قرار ندادم مگر آن که برای خودم می خواستم. تو برای من همچون هارونی برای موسی با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست. تو برادر و وارث من هستی.

(میزان الحکمة ص ۲۶۱)



[۴۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی از من است و من از اویم.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند به علی (ع):

تواز من هستی و من از توام.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی برای من مانند سر من است برای پیکرم.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

همانا گوشت علی از گوشت من است و خون او از خون من.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند - به علی -:

ای علی! تواز من هستی و من از تو. تو برادر و یار منی.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۴]. انس بن مالک می گوید:

پیامبر ﷺ سوره براءت را (برای خواندن بر مشرکان) به دست علی داد و فرمود: (این سوره را) نمی رساند مگر من یا مردی از خاندان من.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۵]. پیامبر خدا ﷺ می فرمایند:

علی از من است و من از علی. از سوی من نمی رساند و ادا نمی کند مگر خودم یا علی.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)



[۵۶]. پیامبر خدا ﷺ: به علی علیه السلام می فرمایند:

تو نسبت به من همچون هارونی نسبت به موسی جز آن که پس از من پیامبری نیست

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۷]. پیامبر خدا ﷺ: به علی - می فرمایند:

آیا نمی پسندی که نزد من همان جایگاهی را داشته باشی که هارون نزد موسی داشت؛ با این تفاوت که تو پیامبر نیستی؟ مرا نشاید که بروم مگر آن که تو جانشین من باشی.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۸]. امام علی علیه السلام می فرماید:

پیامبر خدا ﷺ فرمود؛ تو را جا گذاشتم که جانشین من باشی. عرض کردم: ای پیامبر خدا! آیا از تو باز مانم؟ فرمود: آیا نمی پسندی که برای من چنان باشی که هارون برای موسی بود جز این که بعد از من پیامبری نیست.

(میزان الحکمة ص ۲۶۳)

[۵۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

اگر علی را به ولایت و سرپرستی گیرید خواهید دید که رهنما و رهیافته است و شما را به راه راست می برد.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

اگر علی را به خلافت برگزینید - که فکر نمی کنم چنین کنید- او را رهنما و رهیافته خواهید دید.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)



[۶۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

آن گاه که از موضوع فرمانروایی یا خلافت نزد آن حضرت سخن به میان آمد -پیامبر فرمود: اگر آن را به علی بسپارید خواهید دید که رهنما و رهیافته است و شما را در راه راست می برد.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۲]. پیامبر ﷺ فرمودند:

هر که می خواهد دانش آدم را ببیند و بینش نوح را و بردباری ابراهیم را و پارسایی یحیی بن زکریا را و خشم موسی بن عمران را، به علی بن ابی طالب بنگرد.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۳]. پیامبر ﷺ فرمودند:

علی سرور مؤمنان است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۴]. پیامبر ﷺ فرمودند:

علی ستون دین است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۵]. پیامبر ﷺ فرمودند:

این مرد همان کسی است که پس از من برای حق، مردم را به شمشیر می زند.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۶]. پیامبر ﷺ فرمودند:

ای علی! توبه، قل هو الله احد می مانی. هر که قلباً تو را دوست داشته باشد چنان است که يك سوم قرآن را خوانده باشد. و هر که تو را در دل



دوست بدارد و به زبان یاریت رساند گویا دوسوم قرآن را خوانده باشد. و هر که تورا در دل دوست دارد و به زبان کمکت کند و با عمل یاریت رساند چنان است که همه قرآن را خوانده باشد.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۷]. پیامبر ﷺ فرمودند:

ای مردم! از علی گله و شکایت نکنید که به خدا سوگند او برای خدا یا در راه خدا - قاطع است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۸]. پیامبر ﷺ فرمودند:

هر که علی را بیازارد به یقین مرا آزار داده است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۶۹]. پیامبر ﷺ فرمودند:

علی مهتر مؤمنان است و مال و ثروت مهتر منافقین.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۷۰]. پیامبر ﷺ فرمودند:

حق علی بر این امت، همچون حق پدر است بر فرزندش.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۷۱]. پیامبر ﷺ فرمودند:

علی بن ابی طالب راز دار من است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۷۲]. پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمودند:

تو و پیروانت در بهشت هستید.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)



[۷۳]. پیامبر ﷺ فرمودند:

علی و پیروان او همان رستگاران در روز رستاخیزند.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۷۴]. پیامبر ﷺ فرمودند:

یاد علی عبادت است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۷۵]. پیامبر ﷺ فرمودند:

دست عدالت من و علی یکسان است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۵)

[۷۶]. پیامبر ﷺ فرمودند:

هر که نگفت علی بهترین مردمان است کافر شده است.

(میزان الحکمة ص ۲۶۷)

[۷۷]. ابو هریره گفت:

هر که روز (هجدهم) ذیحجه را روزه بگیرد، خداوند برایش ثواب روزه شصت ماه را بنویسد و آن روز غدیر خم است که رسول خدا ﷺ دست علی بن ابیطالب را گرفت و فرمود آیا من از مؤمنان بخودشان اولی نیستم؟ گفتند چرا یا رسول الله؟ فرمود هر که را من مولای اویم، علی مولای اوست. عمر به او گفت: به به ای پسر ابوطالب مولای من و مولای هر مسلمان گردیدی. خدای عزوجل هم این آیه را فرستاد که امروز دین را برای شما کامل کردم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲)

[۷۸]. ابن عباس گوید:

رسول خدا ﷺ فرمود علی ولی هر مؤمنی است پس از من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲)



[۷۹]. جابر بن عبدالله انصاری گوید رسول خدا ﷺ فرمود:

علی بن ابی طالب پیشگام امت من است در اسلام و پیشتر از آنها است در دانش و دینش از همه درست تر و یقینش برتر و در حلم تواناتر و از همه دست بازتر و دلدار تر است و او است امام و خلیفه پس از من.  
(امالی شیخ صدوق صفحه ۸)

[۸۰]. ۸۲- رسول خدا ﷺ فرمود:

علی در آسمان هفتم چون خورشید درخشان روز است در زمین و در آسمان دنیا چون ماه تابان شب است در زمین خدا به علی سهمی از فضیلت داده که اگر بر اهل زمین پخش شود همه را فرا گیرد و سهمی از فهم داده که اگر بر اهل زمین پخش شود همه را فرا گیرد.  
علی علیه السلام نرمش لوط دارد و خلق یحیی و زهد ایوب و در سخاوت به ابراهیم می ماند. خرمی او چون خرمی سلیمان بن داود است و توانائی او چون توان داود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۱]. رسول خدا ﷺ فرمود:

نام علی بر همه پرده های بهشت نگاشته است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۲]. رسول خدا ﷺ فرمود:

پروردگارم مرا به وجود علی مژده داد، این مژده از آن رو بود در نزد من، که علی نزد حق ستوده است و نزد فرشتگان ترکیه شده خاص من است و اعلان من و چراغ من است و بهشت من و یاورم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۳]. رسول خدا ﷺ فرمود:

پروردگارم مرا با علی مانوس کرد و از خدا درخواست کردم که پیش



از من جانش نستاند و درخواست کردم که پس از من وی را به فیض شهادت برساند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۴]. رسول خدا ﷺ فرمود:

من به بهشت درآمدم و دیدم حوریان علی بیش از برگ درختان و کاخ های علی به شماره افراد انسان است.

علی از من است و من از علی هر که او را دوست دارد مرا دوست داشته!

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۵]. رسول خدا ﷺ فرمود:

دوستی علی نعمت است و پیروی از او فضیلتی است که فرشتگان بدان معتقدند و جنیان صالح گرد آورند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۶]. رسول خدا ﷺ فرمود:

پس از من کسی بر زمین گام ننهاده جز آنکه علی بهتر از او است. علی عزت است و افتخار و دلیل راه. علی نه سخت است و نه شتابکار و نه سهل انگار. علی نه برتابی است و نه عناد ورز، زمین او را برداشته و گرامی داشته.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۷]. رسول خدا ﷺ فرمود:

پس از من گرامی تراز علی (علیه السلام) از شکم مادر زائیده نشده. به هر جا فرود آمده است میمنت داشته.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۸۸]. رسول خدا ﷺ فرمود:

خدا بر علی حکمت فرو فرستاده و فهمش نموده است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)



[۸۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

فرشتگان با علی همنشین باشند و آنها را ببینند و اگر پس از من به کسی وحی می رسید به او وحی می رسید.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۹۰]. رسول خدا ﷺ فرمود:

خدا به وجود علی محفل ها را زیور کرده و قشون ها را گرامی داشته و بلاد را ارزانی عطا کرده و لشکرها را عزیز ساخته.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۹۱]. رسول خدا ﷺ فرمود:

مثل علی مثل خانه محترم خداست به دیدنش روند و بدیدن کسی نرود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۹۲]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی همانند ماه است که چون برآید بر هر تاریکی پرتوافکند و چون خورشید که چون طلوع کند روشن سازد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۹۳]. رسول خدا ﷺ فرمود:

خداوند، علی را در کتاب خود ستوده و به آیات خویش مدح نموده و وصف آثارش کرده و در منازلش روان ساخته.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)

[۹۴]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی تا زنده است گرامی است و در مردن به شهادت سعادت مند است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸ و ۹)



[۹۵]. ابن عباس گوید رسول خدا ﷺ فرمود:

مخالف علی بن ابیطالب پس از من کافر است و مشرک به وی مشرک است. دوست علی مؤمن است و دشمنش منافق و پیروش بحق رسد و محارب او از دین بیرون است و رد کننده او نابود است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱)

[۹۶]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی نور خداست در بلاد خدا و حجت او است بر بندگانش.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱)

[۹۷]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی شمشیر خداست بر دشمنانش و وارث علم پیغمبران او است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱)

[۹۸]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی کلمه برتر خداست و کلمه دشمنانش فروتر است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱)

[۹۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی سید وصیان و وصی سید پیغمبران است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱)

[۱۰۰]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی، امیر مؤمنان و جلودار دست و روسفیدان و امام مسلمانان است پذیرفته نیست ایمان جز به ولایت و طاعت او.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱)

[۱۰۱]. يك روز رسول خدا ﷺ به یکی از اصحابش فرمود:

ای بنده خدا دوست بدار در راه خدا و دشمنی کن در راه خدا و مهر



ورز باش در راه خدا و خصومت کن در راه خدا، که به ولایت خدا نرسی  
جز بدان و نیابد مردی مزه ایمان را هرچه نماز و روزه اش بسیار باشد تا چنین  
باشد.

و به تحقیق بیشتر برادری مردم در این روزگار شما در راه دنیا است، بر  
سر آن با هم دوستی کنند و بر سر آن با هم دشمنی ورزند و این نزد خدا برای  
آنها هیچ فایده ندارد.

به آن حضرت عرض کرد: چطور بدانم که در راه خدای عزوجل  
دوستی و دشمنی کردم دوست خدا کیست تا با او دوستی کنم و دشمنش  
کیست تا دشمن او باشم؟

رسول خدا ﷺ اشاره به علی علیه السلام کرد و فرمود: این مرد را می  
بینی؟ عرض کرد آری فرمود: دوست او دوست خداست او را دوست بدار،  
دشمن او دشمن خداست او را دشمن بدار؛ دوستش را دوست بدار گرچه  
کشنده پدرت باشد و دشمنش را دشمن دار گرچه پدر یا فرزندت باشد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۰۱)

#### [۱۰۲]. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب گفت:

شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود: ای علی سوگند به آنکه دانه را  
شکافت و جاندار آفرید براستی تو بهترین خلیفه ای بعد از من. ای علی تو  
وصی من و امام امت منی هر که تورا فرمان برد مرا فرمان برده و هر که تورا  
نافرمانی کرد مرا نافرمانی کرده است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲)

#### [۱۰۳]. سلمان فارسی (ره) گوید:

از رسول خدا ﷺ پرسیدم وصی تو از امت کیست؟ زیرا پیغمبری  
مبعوث نشده جز آنکه از امت خود وصی داشته رسول خدا ﷺ فرمود:



هنوز برای من بیان نشده من تا مدتی که خدا خواست درنگ کردم و سپس روزی به مسجد در آمدم، رسول خدا ﷺ مرا آواز داد و فرمود: ای سلمان مرا از وصی خودم که از اتمم باشد پرسیدی بگو وصی موسی از اتمم وی چه کسی بود؟

گفتم وصیش یوشع بن نون بود. پیغمبر تأملی کرد و فرمود میدانی چرا به او وصیت کرد؟ گفتم خدا و رسولش داناترند؛ فرمود به او وصیت کرد زیرا پس از وی اعلم امتش بود، وصی من و اعلم اتمم پس از من علی بن ابیطالب است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳)

[۱۰۴]. لیث بن ابی سلیم گوید:

علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) همگی خدمت پیامبر رسیدند هر يك گفتند من محبوبترم در نزد رسول خدا ﷺ آن حضرت فاطمه را در آغوش گرفت و علی را به دوش و حسن را در سمت راست و حسین را بر سمت چپ خود سپس فرمود شما از من هستید و من از شما.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳)

[۱۰۵]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

براستی خدای تبارك و تعالی طاعت مرا بر شما فرض کرده و نافرمانی مرا بر شما غدقن نموده است و پیروی از امر مرا بر شما واجب ساخته است و پس از من بر شما فرض کرده است، اطاعت از علی (علیه السلام) را چنانچه فرض کرده اطاعت از مرا و بر شما قدغن کرده نافرمانی علی را چنانچه غدقن کرده نافرمانی مرا. خداوند علی را برادر و وزیر و وصی و وارث من نموده او از من است و من از او.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۴)



[۱۰۶]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

دوستی علی ایمانست و دشمنیش کفر دوستدارش دوستدار منست و دشمنش دشمن من و او مولا و آقای هرکس است که من مولا و آقای اویم و من مولای هر زن و مرد مسلمانم. من و علی دو پدرا این امت هستیم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۴ و ۱۵)

[۱۰۷]. رسول خدا ﷺ به علی (علیه السلام) فرمود:

ای علی شیعیانت روز قیامت می آیند هرکس به یکی از آنها اهانت کند تو را اهانت کرده و هر که تو را اهانت کند مرا اهانت کرده و هر که مرا اهانت کند خدا او را به آتش دوزخ افکند و جاویدان در آن بماند و چه بد سرانجامی است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۶)

[۱۰۸]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

ای علی تواز منی و من از تو روح تواز روح من است و گل تواز گل من و شیعیانت آفریده شدند از فزونی گل ما، هر که دوستشان دارد ما را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد ما را دشمن داشته و هر که مهر به آنها ورزد با ما مهر ورزیده است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۶)

[۱۰۹]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

ای علی به راستی هر عیب و گناهی که در شیعیانت باشد برای آنها آمرزیده شده. ای علی من شفیع شیعیان توام فردا که به پایگاه محمود بایستم ای علی این مژده را به آنها بده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۶)

[۱۱۰]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

ای علی شیعیان تو شیعیان خدایند و یارانت یاران خدا، اولیائت

اولیاء خدا حزبت حزب خدا.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۶)

[۱۱۱]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

ای علی سعادتمند است هر که دوست دارد و بدبخت است هر که دشمنت دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۶)

[۱۱۲]. از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود:

ای علی تو را در بهشت گنجی است و تو بر هر دو طرف تسلط داری، حمد خدای جهانیان راست و رحمت بر بهترین خلقش محمد و خاندان پاک و نیک و نجیب و خوش رفتارش.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۵ و ۱۶)

[۱۱۳]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که خواهد بر کشتی نجات سوار شود و به حلقه محکم بچسبد و به رشته خدا در آویزد باید پس از من دوستدار علی باشد و با دشمن او دشمن باشد و باید اقتدا کند به امامان رهبر از فرزندان او، زیرا آنها خلفا و اوصیاء منند و حجت های خدا بر خلق او پس از من و سروران امت من و پیشوایان با تقوا، حزبشان حزب من است و حزب من حزب خداست و حزب دشمنانشان حزب شیطان است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۸ و ۱۹)

[۱۱۴]. پیغمبر فرمود:

به راستی خداوند تبارک و تعالی مرا برگزید و اختیار کرد و رسول گردانید و سید کتاب ها را به من نازل کرد. من عرض کردم؛ سید! معبودا تو موسی را به فرعون فرستادی و از تو خواست که برادرش هارون را



با او همراه کنی و وزیرش باشد و بازویش قوی دارد و گفتار او را تصدیق کند، من هم سیدا، معبودا، از تو خواهش دارم از خاندانم وزیری برایم مقرر داری که بازویم را به او قوی داری، خدا علی علیه السلام را وزیر و برادرم ساخت و او را دلدار ساخت و هیبت او را به دل دشمنش انداخت و او اول کسی است که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد و اول کسی است که همراهم یگانه پرستی کرد. من او را از خدا خواستم و خداوند او را به من عطا کرد او سید اوصیا است و رسیدن به او سعادت و مرگ در طاعتش شهادت است. نامش در تورات مقرون نام من است و همسرش صدیقه کبری دختر من است و دو پسرش دو آقای اهل بهشتند و دو پسر منند و او و آنها و امامان پس از آنها حجت های خداوند بر خلقش پس از پیغمبرانند، آنان دریای علمند در اتمم. هر که پیروی آنها کند نجات یافته از دوزخ و هر که به آنها اقتدا کند به صراط مستقیم راه یافته. نبخشیده است خدای عزوجل دوستی آنها را به بنده ای جز آنکه او را در بهشت در آورده است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۲)

**[۱۱۵]. امیر المؤمنین (علیه السلام) یک روز در بالای منبر کوفه فرمود:**

منم سید اوصیاء، وصی سید انبیاء منم امام مسلمانان و پیشوای متقیان و ولی مؤمنان و شوهر سیده زنان جهانیان، منم که انگشتر به دست راست کنم و پیشانی به خاک نهم، منم که دو هجرت کردم و دو بیعت نمودم منم صاحب بدر و حنین و زننده با دو تیغ و جنگنده بر دو اسب، منم وارث علم اولین و حجت خدا بر جهانیان، پس از پیغمبران و محمد بن عبدالله خاتم انبیاء، دوستدارانم مورد رحمت خدا و دشمنانم ملعونند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۵)



[۱۱۶]. بسیار می شد که حبیبم رسول خدا ﷺ می فرمود:

ای علی دوستی توتقوی است و ایمان، دشمنی با تو کفر است و نفاق.  
(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۵)

[۱۱۷]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای علی منم خانه حکمت و توئی کلیدش، دروغگو است آنکه  
گمان برد مرا دوست دارد و دشمن توست.  
(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۵)

[۱۱۸]. عبدالرحمن بن سمره گوید:

به پیامبر ﷺ عرض کردم یا رسول الله مرا به نجات رهبری کن فرمود؛  
ای پسر سمره گاهی که هواها مختلف و رأی ها متفرق شد ملازم علی بن  
ابی طالب باش که او امام است و خلیفه بر شما است.  
(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶)

[۱۱۹]. پیغمبر ﷺ فرمود:

پس از من علی است فاروق که تشخیص دهد میان حق و باطل را هر  
که از او پرسد پاسخ گوید و هر که ره جوید راه نشانش دهد. هر که حق  
را نزد او طلبد بیابد و هر که هدایت پیش او جوید برخوردار گردد. هر که  
به علی پناه برد آسوده اش سازد و هر که به او متمسک شود نجاتش دهد.  
هر که به او اقتدا کند رهبریش کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶)

[۱۲۰]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای پسر سمره سالم ماند هر که تسلیم علی گردد و دوستش دارد. نابود  
است هر که علی را رد کند و دشمنش دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶)



[۱۳۱]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای پسر سمره بر راستی علی از من است و روحش از روح من است و گلش از گل من، او برادر من و من برادر اویم او شوهر دختر من فاطمه بهترین زنان جهان است از اولین تا آخرین.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶)

[۱۳۲]. پیغمبر ﷺ فرمود:

دو پسر علی، امام امت منند و دو سید جوانان اهل بهشت که حسن و حسین باشند. با نه امام از فرزندان حسین که نهم آنها قائم آن هاست در امتم و پر کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده از ظلم و بیداد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶)

[۱۳۳]. ابن عباس گوید:

رسول خدا ﷺ فرمود؛ ای مردم کیست که از خدا راست گفتارتر و راست حدیث تر باشد. گروه مردم بر راستی پروردگار شما جل جلاله به من دستور داده، علی را علم و امام شما نمایم و خلیفه و وصی سازم و او را برادر و وزیر گیرم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۳۴]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم علی باب هدایت است پس از من وداعی به پروردگار منست و اوست صالح مؤمنان، کیست گفتارش بهتر باشد از کسیکه بسوی خدا دعوت کند و کار شایسته کند و گوید که من از مسلمانانم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۳۵]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم، به راستی علی از من است فرزندش فرزند من است و شوهر



حبیه من است فرمانش فرمان من است ونهیش نهی اش.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۳۶]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم، بر شما باد فرمان علی را اطاعت کنید و از نافرمانیش دوری کنید زیرا طاعتش طاعت من است و معصیت او معصیت من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۳۷]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم، به راستی علی علیه السلام صدیق این امت است و فاروق و محدث آن، او هارون و آصف و شمعون آن است و باب حظه و او کشتی نجات آن طالوت و ذوالقرین آن.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۳۸]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم، علی وسیله آزمایش بشر و حجت عظمی و آیت کبری و امام اهل دنیا و عروة الوثقی است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۳۹]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم علی با حق است و حق با او و برزباننش.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

[۱۴۰]. پیغمبر ﷺ فرمود:

ای مردم، علی قسیم دوزخ است دوست او وارد آن نشود و دشمنش از آن نجات نیابد او قسیم بهشت است دشمنش وارد آن نگردد و دوستش از آن منصرف نشود.

ای اصحاب من، شما را اندرز دادم و رسالت پروردگارم را به شما



رساندم ولی شما ناصحان را دوست ندارید این را بگویم و برای خود و شما  
آمزش جویم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱)

**[۱۳۱]. رسول خدا ﷺ فرمود:**

ولایت علی بن ابیطالب ولایت خداست و دوستیش دوستی خدا و  
پیریش فریضه خدا و اولیائش اولیاء خدا، و دشمنانش دشمنان خدا، نبرد  
با او نبرد با خدا و سازش با او سازش با خدای عزوجل است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۲)

**[۱۳۲]. روزی رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود:**

کدام شما همه عمر روزه می دارد؟

سلمان عرض کرد: من یا رسول الله،

رسول خدا فرمود: کدام شما همه وقت شب زنده دار است؟

سلمان گفت: من یا رسول الله

فرمود کدام شما هر شب قرآن را ختم می کند؟

سلمان گفت: من یا رسول الله.

یکی از اصحاب آن حضرت خشم کرد و گفت: یا رسول الله سلمان

مردی عجمی است و می خواهد به ما قریش بیالد.

فرمودی: کدام شما همه عمرش روزه می دارد گفت من با اینکه بیشتر

روزها را غذا می خورد.

و فرمودی: کدام شما همه شب بیدار است گفت من با اینکه بیشتر

شب ها خواب است.

و فرمودی: کدام شما هر روز يك ختم قرآن می خواند گفت من، با

اینکه بیشتر روزها خاموش است.



پیغمبر فرمود: خاموش باش ای فلانی تو کجا و لقمان حکیم کجا؟ از او پرس تا به تو خبر دهد. آن مرد به سلمان گفت: ای اباعبدالله تو نگفتی همه روز روزه ای؟

گفت: چرا.

گفت: من دیدم بیشتر روزها غذا می خوری؟

گفت: چنان هست که تو گمان بردی، من در هر ماه سه روز روزه می دارم و خدای عزوجل فرماید هر که یک حسنه آرد ده برابر آن دارد و روزه شعبان را بماء رمضان وصل می کنم و این روزه عمرانه می شود.

گفت: تو گمان نکردی که همه شب بیداری؟

گفت: چرا.

گفت تو بیشتر شبها در خوابی.

گفت: چنان نیست که گمان بردی ولی من از دوستم رسول خدا ﷺ شنیدم می فرمود: هر که با وضو بخوابد گویا همه شب را احیا کرده است و من همیشه با وضو می خوابم.

گفت: گمان نکردی که هر روز همه قرآن را می خوانی؟

گفت: چرا.

گفت: تو بیشتر روز خاموشی.

گفت: چنان نیست که تو فهمیدی ولی من از دوستم رسول خدا شنیدم به علی علیه السلام می فرمود: ای ابوالحسن مثل تو در اتم مثل قل هو الله است هر که یکبارش بخواند ثلث قرآن را خوانده و هر که دوبارش بخواند دو ثلث قرآن را خوانده و هر که سه بارش بخواند همه قرآن را خوانده (ای علی) هر که تو را بزبانش دوست دارد ثلث ایمان را دارد و هر که بزبان و دلش دوست دارد دو ثلث ایمان دارد و هر که بزبان و دل دوست دارد



و با دست خود یاریت کند ایمانش کامل است سوگند بدانکه مرا به حق فرستاده، ای علی اگر همه اهل زمین تورا دوست داشتند چنانکه اهل آسمان دوست دارند خدا احدی را بدوزخ عذاب نمی کرد من هرروزه بارقل هو الله احد می خوانم.

آن مرد معترض برخاست و گویا سنگی در دهانش افکنده بود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳ و ۳۴)

[۱۳۳]. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

در قبا حضور پیغمبر رسیدم و چند تن از اصحابش شرف حضور داشتند چون مرا دید چهره اش شاد شد و لبخند زد، سپیدی دندانهایش را مانند برق دیدم سپس فرمود نزد من بیا ای علی نزد من بیا و مرا به خود نزدیک کرد تا رانم به رانش چسبید سپس رو به اصحابش کرد و فرمود؛ ای گروه اصحاب من، با آمدن برادرم علی بسوی اصحاب من، رحمت به شما رو آورد و به راستی علی از من است و من از علی جانم از جان منست و گلش از گلم او برادرم و وصی و خلیفه برائت من است در زندگی من و پس از مرگم. هر که فرمانش برد فرمانم برده و هر که موافقت او کند موافق من است و مخالفش مخالف من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۵)

[۱۳۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که می خواهد شاد باشد، به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و در جنت عدن به منزل من در آید و به نهالی که خدایش کاشته در آویزد و به او بگوید باش تا باشد باید دوستدار علی بن ابیطالب باشد و اوصیا از فرزندان او را پیروی کند زیرا آنان عترت منند و از گل من آفریده شده اند و از دشمنانشان بخدا شکوه کنم که منکر فضل آنها نباشد و قطع

صله آن ها کنند و بخدا که پس از من فرزندم حسین کشته شود و خدا شفاعتم را از آنها دریغ دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶)

[۱۳۵]. رسول خدا ﷺ فرمود:

جبرئیل از طرف خدای جلیل جل جلاله نزد من آمد و گفت ای محمد خدای جل جلاله بتو سلام می رساند و می فرماید برادرت علی را مژده بده که هر که دوستش دارد من عذابش نکنم و هر که دشمنش دارد ترحم نکنم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۹)

[۱۳۶]. عایشه گوید:

حضور رسول خدا ﷺ بودم که علی بن ابیطالب علیه السلام آمد و آن حضرت فرمود: این سید عرب است گفتم یا رسول الله تو سید عرب نیستی؟ فرمود: من سید اولاد آدمم و علی سید عرب، گفتم سید یعنی چه؟ گفت کسی که طاعتش فرض است چون طاعت من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۰)

[۱۳۷]. رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی تو نسبت به من به منزله هبة الله هستی از آدم و به منزله سام از نوح و به منزله اسحق از ابراهیم و به منزله هرون از موسی و به منزله شمعون از عیسی جز آنکه پیغمبری پس از من نیست.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۶)

[۱۳۸]. رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی تو وصی و خلیفه منی هر که وصایت و خلافت تو را منکر شود از من نیست و من از او نیستم و من روز قیامت دشمن اویم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۶)



[۱۳۹]. رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی تو افضل اُمّتی در فضل و پیشتر همه در اسلام و بیشتر همه در علم و حلیم تر و دلدار تر و سخاوتمند تر از همه. (امالی شیخ صدوق صفحه ۴۶)

[۱۴۰]. رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی پس از من تو امام و امیری و تو صاحب و سروری و وزیری و در اُمّت من مانند نداری.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۶)

[۱۴۱]. رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی تو قسمت کننده بهشت و دوزخی به دوستی تو ابرار از فُجار شناخته شوند و بدها از نیکان تمیز یابند و مؤمنان از کافران جدا گردند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۶)

[۱۴۲]. ابوذر (جندب بن جنادة) گفت:

شنیدم رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام سه جمله فرمود که اگر یکی از آنها از من بود دوست داشتنی تر بود برای من از دنیا و مافیها، شنیدم می فرمود؛ بارخدا یا کمکش کن و به کمکش خواه. خدایا یاریش کن و یاریش خواه. زیرا او بنده تو و رسول تو است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۳)

[۱۴۳]. پیغمبر ﷺ فرمود:

علی علیه السلام وصی و خلیفه من و شوهر فاطمه بانوی زنان جهانیان است. حسن و حسین دو سیّد جوانان اهل بهشتند و دو فرزند منند، هر که دوستانشان دارد مرا دوست داشته و هر که دشمنشان دارد مرا دشمن داشته و هر که از آنها دوری کند از من دوری کرده و هر که با آنها جفا کند به من جفا



کرده و هر که با آنها خوشرفتاری کند با من خوشرفتاری کرده، پیوند کند خدا با کسی که با آنها بپیوندد و پُرد از کسی که از آنها پُرد و یاری کند هر که به آنها کمک کند و واگذارد هر که آنها را وا گذارد.

خدایا هر که از پیغمبران و رسولانت خاندانی دارد و علی و فاطمه و حسن و حسین خاندان منند برطرف کن از آنها پلیدی را و بخوبی پاکشان کن.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۷)

[۱۴۴]. حسن بن علی (علیهما السلام) به رسول خدا ﷺ گفت:

پدرجان جزای کسی که تو را زیارت کند چیست؟ فرمود هر که مرا یا پدرت را یا برادرت را زیارت کند بر من حق دارد که روز قیامت او را زیارت کنم تا از گناهانش رها کنم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۹)

[۱۴۵]. رسول خدا فرمود:

ای علی تو برادر، وزیر و پرچمدار منی در دنیا و آخرت و تو صاحب حوضی هر که دوست دارد، دوستم دارد و هر که دشمنت دارد، دشمن من باشد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۱)

[۱۴۶]. ابن عباس گوید:

رسول خدا ﷺ بالای منبر رفت و خطبه خواند و مردم گرد او جمع شدند فرمود؛ ای گروه مردم مؤمن، براستی خدا به من وحی کرده است که من جان می دهم و پسرعمم علی کشته می شود من به شما خبری می دهم که اگر بدان عمل کنید سالم مانید و اگر آن را وا نهید هلاک شوید. براستی پسرعمم علی (علیه السلام) برادر و وزیر و خلیفه من است و او از طرف



من تبلیغ کند و او است امام متقیان و پیشوای دست و رو سفیدان. اگر از او طلب ارشاد کنید شما را ارشاد کند و اگر پیرو او شوید شما را نجات دهد و اگر مخالفت او کنید گمراه شوید و اگر اطاعت او کنید خدا را اطاعت کردید و اگر نافرمانی او کنید خدا را نافرمانی کردید و اگر با او بیعت کنید با خدا بیعت کردید و اگر بیعت او بشکنید بیعت خدا را شکستید. براستی خدای عزوجل فرو فرستاده قرآن را بر من و آنست که هر که مخالفتش کند گمراه است و هر که علم خود را نزد جز علی جوید هلاک است ای مردم گفتار مرا بشنوید و حق اندرز مرا بشناسید و پس از من با خاندانم جز آنکه دستور حفظ آنها را دادم عمل نکنید زیرا آنها حوزه من و خویشان و برادران و فرزندان منند و شما گرد هم آئید و از ثقلین بازپرسی شوید. بنگرید چگونه درباره آنها پس از من بوده باشید براستی آنها خاندان منند و هر که آزارشان کند مرا آزرده و هر که ستمشان کند مرا ستم کرده و هر که خوارشان کند مرا خوار کرده و هر که عزیزشان دارد مرا عزیز داشته و هر که گرامیشان دارد مرا گرامی داشته و هر که یاریشان کند مرا یاری کرده و هر که دست از آنها بردارد دست از من برداشته و هر که از غیر آنها هدایت جوید مرا تکذیب کرده.

ای مردم از خدا بپرهیزید و بنگرید چه خواهید گفت گاهی که او را ملاقات کنید من دشمن هر کسم که آزارشان کند و هر که من دشمنش باشم مغلوبش سازم این گفتار خود را می گویم و از خدا برای خود و شما آمرزش می جویم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۴ و ۶۵)

[۱۴۷]. امام پنجم حضرت محمد باقر علیه السلام فرمود:

نام رسول خدا صلی الله علیه و آله در صحف ابراهیم «ماحی» است و در تورات »

الحاد» و در انجیل عیسی «احمد» و در فرقان «محمد» ﷺ است.

عرض شد ماحی یعنی چه؟

فرمود؛ نابود کننده بت ها و وثن ها و قمار ها و هر معبودی جز خدای رحمن.

عرض شد: معنی الحاد چیست؟

فرمود: مبارزه کننده با هر که با خدا و دینش بستیزد خویش باشد یا بیگانه.

عرض شد احمد یعنی چه؟

فرمود خدای عزوجل در کتب خود او را نیک ستوده.

عرض شد محمد یعنی چه؟

فرمود؛ براستی خدا و فرشتگانش و همه پیغمبرانش و رسولانش و همه ائمت هایش او را تمجید کنند و بر او رحمت فرستند، نامش بر عرش نوشته است «محمد رسول الله» و آن حضرت را شیوه (عادت) بود از کلاه های یمنی می پوشید و در جنگ از کلاه های دو گوش مضری، عصای پیکان داری داشت که بر آن تکیه می کرد و آن را در عیدها با خود بیرون می آورد و با آن خطبه می خواند. عصای دستی داشت به نام «ممشوق»، چادری به نام «کن» کاسه ای به نام «منبعه»، قدحی به نام «ری». دو اسب داشت یکی را «مرتجز» گفته و دیگری را «سکب»، دو استر داشت به نام «دلدل» و «شهباء»، دو ناقه داشت به نام «غضاء» و «جذعا» و دو شمشیر داشت به نام «ذوالفقار» و «عون» و دو شمشیر دیگر به نام «مخذم» و «رسوم»، الاغی داشت به نام «یعفور». نام عمامه اش «صحاب» و زره اش «ذات الفضول» بود که سه حلقه نقره داشت. یکی پیش و دو تا از پشت. نام علمش «عقاب» بود و شتر حملش «دیباج» و پرچمش «معلام» و خودش «اسعد»،



همه اینها را وقت وفاتش به علی علیه السلام داد خاتم خود را از انگشتش درآورد و به انگشت او کرد. علی علیه السلام فرمود در دسته یکی از شمشیرهایش سه جمله نقش (بسته) است پیوست کن با کسی که از تومی برد. حق بگو گرچه بر ضررت باشد، به هر که با توبد کند خوبی کن...

(امالی شیخ صدوق صفحه ۷۱ و ۷۲)

**[۱۴۸]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:**

نوشته بوده است بر در بهشت «لا اله الا الله محمد رسول الله» علی برادر رسول الله است پیش از آنکه آفریده شوند آسمان ها و زمین ها بدو هزار سال.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۷۵)

**[۱۴۹]. ابن عباس گوید:**

پرسیدم از پیغمبر کلماتی را که آدم دریافت از پروردگار خود و توبه او را پذیرفت. فرمود بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) جز آنکه توبه ام بپذیری و توبه اش پذیرفت.

(امالی شیخ صدوق صفح ۷۶)

**[۱۵۰]. عطاء گوید:**

از عایشه پرسیدم راجع به علی بن ابیطالب علیه السلام گفت آن حضرت خیر البشر است و شك نکند در آن جز کافر.

(امالی شیخ صدوق ۷۶)

**[۱۵۱]. حذیفه می گوید:**

از حذیفه سؤال شد راجع به علی علیه السلام گفت آن حضرت خیر البشر است و شك ندارد در آن جز منافق. (امالی شیخ صدوق صفحه ۷۶)  
حذیفه بن یمان از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

علی بن ابیطالب علیه السلام خیر البشر است و هر که ابا کند کافراست.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۷۶)

[۱۵۲]. ابوزبیر مکی گوید:

من جابر را دیدم که عصا کشان در کوچه و محافل انصار می گردید و می گفت؛ علی خیر البشر است هر که ابا کند کافرست، ای گروه انصار فرزندان خود را به دوستی علی بن ابیطالب پرورش دهید و هر که ابا کرد از مادرش وارسید.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۷۶)

[۱۵۳]. به روایت امام هشتم از جدش علی بن ابی طالب علیهم السلام فرمود:

که پیغمبر به من فرموده توئی خیر البشر و شك نکند درباره تو جز کافر.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۷۷)

[۱۵۴]. علی علیه السلام فرمود:

از طرف رسول خدا ده چیز به من داده شد که به کسی پیش از من داده نشده و به کسی پس از من هم داده نشود. پیامبر به من فرمود: ای علی تو برادر منی در دین و تو برادر منی در آخرت، جایگاه تو در روز قیامت از همه به من نزدیکتر است، منزل من و تو در بهشت برابر همنند چون منزل دو برادر، توئی حق، توئی ولی، توئی وزیر، دشمنت دشمن منست و دشمن من دشمن خدا، دوست تو دوست منست و دوست من دوست خداست.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۷۷)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود؛ به راستی در علی علیه السلام چند خصلت است که اگر یکی از آنها در همه مردم بود در فضل آنها بس بود.

اول: هر که من مولای اویم علی مولای او است

دوم: علی از من چون هارونست از موسی



سوم: علی از منست و من از او  
 چهارم: علی نسبت به من چون خود من است  
 پنجم: طاعتش طاعت من است و نافرمانیش نافرمانی من  
 ششم: جنگ با علی جنگ با خداست و سازش با علی سازش با خداست

هفتم: دوست علی دوست خداست و دشمن او دشمن خدا  
 هشتم: علی حجت خدا و خلیفه او است بر بندگانش  
 نهم: دوستی علی ایمانست و بغض او کفر است  
 دهم: حزب علی حزب خداست و حزب دشمنانش حزب شیطان  
 یازدهم: علی با حق است و حق با او است از هم جدا نشوند تا سر حوض بر من در آیند

دوازدهم: علی تقسیم کننده بهشت و دوزخ است  
 سیزدهم: هر که از علی جدا شود از من جدا شده و هر که از من جدا شود از خدای عزوجل جدا شده است  
 چهاردهم: شیعیان علی همان کامجویان روز قیامتند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۸۹)

**[۱۵۱]. جابر بن عبدالله گوید:**

چون علی علیه السلام مژده فتح خیبر را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود اگر جماعتی از اقامت درباره تو نمی گفتند آنچه نصاری درباره عیسی بن مریم گفتند امروز درباره تو چیزی می گفتم که به هر جمعی گذر کنی خاک زیر پایت و اضافه آب وضویت را برای شفا ببرند، و همین بس که؛

تو از منی و من از تو

توارث از من بری و من از توارث برم  
تونسبت به من چون هارون باشی نسبت به موسی جز اینکه پس از من  
پیغمبری نباشد

تو ذمه مرا بری کنی  
توبه روش من جنگ می کنی  
فردا بر سر حوض خلیفه من باشی  
تو اول کسی باشی که سر حوض بر من وارد شوی  
تو اول کسی باشی که با من جامه در بر کنی  
اول کس از امت من هستی که در بهشت در آئی  
شیعیان بر سر منبرهای نور با روی سفید گرد منند و از آنها شفاعت  
کنم و فردا در بهشت همسایه های منند

به راستی نبرد با تو نبرد با من است و سازش با تو سازش با من  
سرتوسر من است و آشکار تو آشکار من و راز سینه تو چون راز سینه من  
است

فرزندانت فرزندان منند  
تو وعده های مرا عمل کنی  
حق با تو است و حق بر زبان تو است و بردلت و میان دو دیده ات  
ایمان با گوشت و خونت آمیخته چنانچه با گوشت و خون من آمیخته  
است

دشمن تو سر حوض بر من وارد نشود و دوست تو پنهان نگردد تا به همراه  
تو سر حوض آید.

جابر گوید علی علیه السلام بر خاک افتاد و سجده کرد و گفت حمد خدا را  
که به من نعمت مسلمانی داد و به من قرآن آموخت و مرا محبوب خیر البریه



نمود که خاتم پیغمبران و رسولانست از احسان و تفضل خودش بر من.

سپس پیغمبر ﷺ فرمود:

علی جان، اگر تونبودی مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۹۶)

[۱۵۶]. از ابن عباس:

ابن عباس به یکی از مجالس قریش می گذشت که به علی علیه السلام دشنام

می دادند به قائد (راهنما)ی خود گفت آنان چه می گویند؟

گفت به علی دشنام می دهند

گفت مرا نزد آنها ببر چون به نزد آنها ایستاد گفت؛

کدام شما به خدا دشنام می دهد؟

گفتند سبحان الله هر که به خدا دشنام دهد شرک به خدا آورده.

گفت: کدام شما به رسول خدا ﷺ دشنام می دهد؟

گفتند هر که به رسول خدا دشنام دهد کافراست.

گفت: کدام شما به علی بن ابیطالب دشنام می دهد.

گفتند بسیار شود.

ابن عباس گفت؛

خدا را گواه می گیرم و برای او ادای شهادت می کنم که محققاً از

رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: هر که علی را دشنام دهد مرا دشنام

داده و هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده سپس از قائد خود پرسید

وقتی به آنها چنین گفتم چیزی گفتند؟

گفت: چیزی نگفتند.

گفت: چهره آنها را چگونه دیدی؟

گفت به چشمانی سرخ به تونگاه کردند چون نظریزهای نر به کار



قصاب.

گفت: دیگر بگو،

گفت: ابرو در هم کردند و گردن بزیر انداختند چون نگاه فرد خوار و  
ذلیل به عزیز قاهر.

گفت: پدرم قربانت باز هم بگو

گفت: جز این چیزی ندارم گفت ولی من خود می گویم که زنده  
های آنان ننگ مرده هاشان باشند و مرده هاشان رسوائی بازماندگان نشان.  
(امالی شیخ صدوق صفحه ۹۷)

[۱۵۷]. رسول خدا ﷺ فرمود:

امام ها بعد از من دوازده نفرند اول آنها توئی ای علی و آخرشان همان  
قائمی است که خدا به دستش مشرق و مغرب های زمین را فتح کند.  
(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱۱)

[۱۵۸]. امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم گفتار پیغمبر را ﷺ روز «مشربه ام ابراهیم» درباره علی علیه السلام از یاد  
بردند چنانچه گفتار او را در روز غدیر خم از یاد بردند. رسول خدا با اصحاب  
خود در غره «ام ابراهیم» بود که علی علیه السلام آمد و جا برای او باز نکردند.  
پیامبر ﷺ چون دید جا برای او (علی علیه السلام) باز نمی کنند فرمود؛ ای  
گروه مردم این خاندان منند که آنها را سبک می گیرید و هنوز من زنده  
ام و میان شما هستم. هلا به خدا اگر از شما پنهان شوم خدا از شما پنهان  
نیست به راستی روح و راحت و خوشی و بشارت از آن کسی است که به  
علی علیه السلام اقتدا کند و او را دوست دارد و تسلیم او و اوصیاء از فرزندان او



شود و بر من است که آنها را وارد شفاعت کنم، زیرا پیروان منند و هر که مرا پیروی کند از من است و این روشی است که از ابراهیم برای من مانده زیرا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است فضل من فضل او است و فضل او فضل من و من از او افضلم به تصدیق قول خدا که فرمود:

﴿ذَرِيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

«نژادی که برخی از برخی باشند و خدا شنوا و داناست»

(آل عمران / آیه ۳۴)

و پای رسول خدا ﷺ در مشربه ام ابراهیم چرکی برداشت که به استخوان نرسید و مردم به عیادت او رفتند و...

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱۱)

[۱۵۹]. ابن عباس گوید:

روزی رسول خدا ﷺ نشسته بود که حسن آمد و چون او را دید گریست و سپس فرمود نزد من آی پسر من و او را به خود نزدیک کرد تا بر زانوی راست نشانید سپس حسین آمد و چون او را دید گریست و گفت، بیا بیا پسر جانم و او را هم نزدیک کرد تا بر زانوی چپ خود نشانید و سپس امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد او را هم که دید گریست و نزدیک خود طلبید و در پهلوی راست خود نشانید، اصحابش گفتند یا رسول الله هر کدام را دیدی گریستی؟ توی اینها کسی نبود که از دیدنش شاد شوی؟

پیامبر ﷺ فرمود؛ بحق آنکه مرا به نبوت برانگیخته و بر همه مردم برگزیده، من و اینها گرامی ترین خلقیم نزد خدا و روی زمین کسی نیست که از اینها نزد من محبوبتر باشد.

اما علی بن ابی طالب که:

برادر من و همکار من است.





بعد از من صاحب امر من است.

صاحب لواء من است در دنیا و آخرت

صاحب حوض من و شفاعت من است.

سرور هر مسلمانی و امام هر مؤمنی است و پیشوای هر متقی

وصی و خلیفه من بر خاندانم و ائمتم در زندگی و پس از مرگم

دوست علی دوست من و دشمنش دشمن من است

به ولایتش ائمتم مرحومه اند و هر که مخالف او باشد ملعونست.

چون آمد گریستم برای آنکه یادم آمد که پس از من ائمتم با او دغلی

کنند و او را از مسندم بردارند و خدا آن را برای او مقرر کرده پس از من، و

سپس گرفتاری کشد تا ضربتی بسرش زند که ریشش از آن خضاب شود

در بهترین ماهی که ماه رمضان است و خدا در آن قرآن نازل کرده برای

هدایت مردم و گواهی بر راهنمایی و فرق حق و باطل.

**اما دخترم فاطمه که:**

بانوی زنان جهانیان است از اولین و آخرین

پاره تن من است و نور دیده من است و میوه دل من است و روح من

است که درون منست و حوراء انسیه است

هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش جل جلاله بایستد نورش به

فرشتگان آسمان بتابد چنانچه نور اختران بر زمین بتابد و خدای عزوجل

به فرشتگانش فرماید، فرشتگانم ببینید کنیزم فاطمه بانوی کنیزانم را

برابرم ایستاده و دلش از ترسم می لرزد و دل به عبادتم داده، گواه باشید که

شیعیانش را از آتش امان دادم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چون او را دیدم به یادم افتاد آنچه پس از من

با وی می شود، گویا می بینم خواری به خانه اش راه یافته و حرمتش زیر پا

رفته و حقش غصب شده و ارثش ممنوع شده و پهلویش شکسته و جنین او سقط شده و فریاد می زند یا محمدا! و جواب نشنود و استغاثه کند و کسی به دادش نرسد و همیشه پس از من غمگین و گرفتار و گریان است. یکبار یادآور شود که وحی از خانه اش بریده و بار دیگر یاد جدائی من کند و شب که آواز مرا نشنود به هراس افتد آن آوازی که من با تلاوت قرآن تهجد می کردم. وی خود را خوار بیند پس از آن که در دوران پدر عزیز بوده. در اینجا خدای تعالی او را با فرشتگان مأنوس سازد و او را به آنچه به مریم بنت عمران گفتند، ندا دهند و گویند ای فاطمه خدایت تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان جهانیان برتری داد. ای فاطمه قنوت کن بر پروردگارت و سجود و رکوع کن با راکعان سپس بیماری او آغاز شود و خدا بنت عمران را بفرستد او را پرستاری کند و در بیماری او انیس او باشد. اینجا است که گوید پروردگارا من از زندگی دلتنگ شدم و از اهل دنیا ملولم مرا به پدرم رسان. خدای عزوجل او را به من رساند و اول کس از خاندانم باشد که به من رسد، محزون و گرفتار و غمگین و شهید بر من وارد شود و من در اینجا بگویم خدایا لعنت کن هر که با او ظلم کرده و کیفرده هر که حقش را غصب کرده و خوار کن هر که خوارش کرده و در دوزخ مخلد کن هر که به پهلویش زده تا سقط جنین کرده و ملائکه آمین گویند.

اَما حسن که پسر من و فرزندم و پاره تنم و نور دیده ام و روشنی دلم و میوه قلبم هست و او سید جوانان اهل بهشت است و حجت خداست بر امت، امرش امر من است و قولش قول من، هر که پیرویش کند از من است و هر که نافرمانیش کند از من نیست و چون او را دیدم به یاد آمد آنچه از اهانت پس از من بیند و تا آنجا کشد که با زهرستم و عدوان او را بکشند در اینجا فرشتگان هفت آسمان به مرگش بگیرند و همه چیز تا پرنده هوا



و ماهیان دریا براو گریه کنند. چشم کسی که براو بگرید کور نباشد روزی که چشم ها کورند و هر که براو محزون شود روزی که دل ها همه محزونند دلش محزون نباشد و هر که در بقیع او را زیارت کند قدمش بر صراط بر جا بماند روزی که همه قدم ها بلغزند.

و اما حسین علیه السلام از من است و فرزند من است و بهترین خلق است، پس از برادرش امام مسلمانان و سرور مؤمنان و خلیفه خداوند عالمیان است و غیاث مستغیثین و پناه امان جویان و حجت خدا بر همه خلق و او سید جوانان اهل بهشت است و باب نجات (امت) است امرش امر من است و طاعتش طاعت من، هر که پیرویش کند از من است و هر که نافرمانیش کند از من نیست و چون او را دیدم به یادم آمد که بعد از من، با او چه می شود گویا می نگرم که به حرم من و قرب من پناهنده شده و او را پناه ندهند در خواب به آغوشش گیرم و او را بر سینه خود بچسبانم و به او دستور دهم از خانه هجرتم کوچ کند و او را به شهادت بشارت دهم از آنجا حرکت کند به سوی زمینی که قتلگاه او است زمین کرب و بلا و قتل، یک دسته مسلمان یاریش کنند که سروران شهدای امتند در روز قیامت گویا می بینم او را که تیری خورده و از اسبش به خاک افتاده و چون گوسفند سرش را مظلومانه می برند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست و کسانی که گردش بودند گریستند و صدای شیون آنها بلند شد و آن حضرت برخاست و می فرمود خدایا به تو شکایت کنم آنچه را خاندانم پس از من خواهند دید سپس وارد منزل شد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱۲)

[۱۴۰]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر گاه از خدای عزوجل خواهشی کنید از او وسیله بخواهید. از پیامبر



پرسیدند: وسیله چی است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آن درجه ای است که من در بهشت دارم هزار پله است و میان هر دو پله يك ماه دويدن اسب است و پله ها از گوهر است و زبرجد و یاقوت تا طلا و نقره. آن را در قیامت بیاورند در برابر درجه های پیغمبران نهند و چون ماه باشد میان اختران. در آن روز پیغمبر و صدیق و شهیدی نماند که گوید خوشا به حال کسی که این درجه را دارد. ندائی از طرف خدای عزوجل برسد که همه پیغمبران و خلائق بشنوند: این درجه محمد است، می آیم و قبائی از نور در بر و تاج ملك و اكيل كرامت بر سر. علی بن ابیطالب لواء حمد را جلوي من دارد و بر آن نوشته است لا اله الا الله رستگاران همانان هستند که به خدا رسیدند و چون به پیغمبران گذریم گویند این دو فرشته مقربند که شناسیم و ندیدیم و چون به فرشتگان گذریم گویند اینان دو پیغمبر مرسلند، تا بر آن درجه بالا روم و علی بن ابیطالب دنبال من آید تا به بالاترین پله برآیم و علی يك پله پائین تر از من باشد در این روز پیغمبر و صدیق و شهیدی نماند جز آنکه گوید خوشا بر این دو بنده که چه گرمی اند نزد خدا. از طرف خدا ندائی رسد که همه پیغمبران و صدّیقان و شهیدان و مؤمنان بشنوند، این است حبیبم محمد و این است ولیّ ام علی، خوشا به حال آنکه دوستش دارد و بدا به حال آنکه دشمنش دارد و دروغش شمارد. سپس رسول خدا ﷺ فرمود:

در این روز کسی نباشد که دوست دارد ای علی جز آنکه از این سخن خرم شود و رو سپید گردد و دلشاد و کسی نماند که دشمنت دارد و یا ستیزه کرده و منکر حَقّ شده جز آنکه رویش سیاه و قدمش لرزان است در این میانه دو فرشته پیش من آیند یکی رضوان کلید دار بهشت و یکی مالک کلید دارد دوزخ؛ رضوان نزدیک گردد و می گوید درود بر تو



ای احمد من گویم درود بر تو ای فرشته تو کیستی؟ چه خوش رو و خوش بوئی؟ می گوید: من کلید دار بهشت هستم و این ها کلیدهای بهشت است که رب العزت برایت فرستاده است، ای احمد آنها را بگیر گویم از پروردگارم قبول کردم حمد می کنم او را بر آنچه به من تفضل کرد آنها را تحویل برادرم علی بن ابیطالب بده. رضوان بر گردد مالک دوزخ پیش آید و گوید درود بر تو ای احمد، گویم درود بر تو ای فرشته کیستی که چه زشت رو و نامطلوبی؟ گوید من کلیددار دوزخم و اینها کلیدهای دوزخ است رب العزت برای شما فرستاده است ای احمد بگیر آنها را، گویم قبول کردم از پروردگارم حمد می کنم او را بر آنچه مرا بدان فضیلت داد آنها را تحویل برادرم علی بن ابیطالب بده مالک بر گردد و کلیدهای بهشت و دوزخ را در دست دارد تا بردهانه جهنم بایستد که شراره می پراند و سوت می کشد و حرارتش تند است و علی مهار آن را دارد. دوزخ به علی گوید ای علی مرا واگذار و بگذر نور تو شرار مرا خاموش کرد علی فرماید آرام باش ای دوزخ این شخص را بگیر و این را رها کن، این دشمن مرا بگیر و این دوست مرا واگذار، دوزخ در آن روز فرمانبر تراست برای علی از غلام شما برای آقای خود، اگر خواهد آن را به راست و چپ بکشاند و بهشت، آن روز برای علی مطیع تراست در آنچه دستور دهد از همه مردم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۱۶)

[۱۷۱]. جابر بن عبدالله انصاری گوید:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب برای ما خطبه خواند حمد خدا کرد و او را ستایش نمود و فرمود ای مردم در برابر این منبر شما چهار کس از بزرگان اصحاب رسول خداوند انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، اشعث بن قیس کنندی، خالد بن یزید بجلی، سپس روبه انس بن مالک کرد و فرمود:



ای انس اگر از رسول خدا ﷺ شنیدی که می فرمود هر که را من مولا و آقام علی مولا و آقای اوست و اگر امروز به ولایت من گواهی ندهی خدا تو را نمیراند تا گرفتار يك پیسی شوی که عمامه آن را نبوشاند. و اما تو ای اشعث اگر از رسول خدا ﷺ شنیدی که می گفت هر که را من مولایم علی مولا است خدایا دوستش را دوست دار و دشمنش را دشمن باش و امروز به ولایت من گواهی ندهی خدایت نمیراند تا دو دیده ات را ببرد. و اما تو ای خالد بن یزید اگر شنیده باشی از رسول خدا ﷺ که می فرمود هر که را من مولای اویم علی مولا است. خدایا دوستش را دوست دار و دشمنش را دشمن باش و اگر امروز به ولایت من گواهی ندهی خدا تو را نمیراند جز به شیوه مردن جاهلیت.

و اما تو ای براء بن عازب اگر شنیده باشی از رسول خدا ﷺ که می فرمود هر که را من مولایم علی مولا است. خدایا دوستش را دوست دار و دشمنش را دشمن باشد و امروز به ولایت من گواهی ندهی خدا نمی راندت جز در آنجا که از آن مهاجرت کردی.

**جابر بن عبدالله گوید:** به خدا دیدم انس دچار برص شده وزیر عمامه اش می نهفت و ناپدید نمی شد.

اشعث را دیدم که دو چشمش را از دست داده بود و می گفت حمد خدا را که دعای امیر المؤمنین علی بن ابیطالب را در کوری دنیای من قرار داد و بر عذاب آخرتم نفرین نکرد تا معذب گردم.

خالد بن یزید مُرد و خاندانش خواستند به خاکش سپارند و در منزلش گورش کردند و به خاک رفت. کنده خبر مرگش را شنیدند و اسب و شتر آوردند و در منزلش پی کردند و به رسم جاهلیت برگزار شد.

براء بن عازب را معاویه والی یمن کرد و در آنجا مرد و از آنجا مهاجرت



کرده بود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۲)

[۱۶۲]. ابی اسحاق گوید:

به علی بن الحسین علیه السلام گفتم معنی کلمه پیغمبر که فرمود: « من کنت مولاہ فعلی مولاہ » چیست؟ فرمود به آنها خبر داد که پس از وی او (علی علیه السلام) امام است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۳)

[۱۶۳]. از زید بن علی پرسیدند:

از معنی قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» فرمود او را نشانه هدایت مقرر داشت تا حزب خدا موقع اختلاف به وسیله او معین گردد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۲)

[۱۶۴]. امام پنجم حضرت باقر علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل می فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾  
«ولی شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز به پا داشته و به فقیران در حال رکوع زکوة می دهند.»

(مائده / ۵۵)

فرمود؛ جمعی از یهودیان مسلمان شدند مانند عبدالله بن سلام و اسد و ثعلبه و ابن یامین و ابن صوزیا و نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند یا نبی الله موسی یوشع بن نون را وصی خود کرد، وصی شما کیست؟ و چه کسی پس از تو سرپرست ما است؟ این آیه نازل شد که ولی شما خدا و رسول اوست و آن کسانی که ایمان آوردند و نماز برپا کردند و زکات پرداختند،



در حال رکوع.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود؛ برخیزید. برخاستند و به مسجد آمدند در این هنگام سائلی از مسجد بیرون شد

پیامبر ﷺ فرمود؛ ای سائل کسی چیزی به تو نداد؟ گفت چرا این خاتم را دادند فرمود کی به تو داد؟ گفت: این مردی که نماز می خواند فرمود در چه حالی به تو داد؟ گفت در حال رکوع پیغمبر تکبیر گفت و اهل مسجد هم تکبیر گفتند. سپس فرمود علی بن ابیطالب پس از من ولی شما است گفتند به پروردگاری خدا خوشنودیم و به دین اسلام و به پیغمبری محمد و به ولایت علی بن ابیطالب، خدا این آیه را فرستاد:

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾  
«هر کس که ولی و فرمانروای او خدا و رسول و اهل ایمانند فاتح و غالب خواهند بود.»

(مائده ۵۶)

از عمر بن خطاب روایت شده که من چهل خاتم تصدق دادم در حال رکوع تا درباره من هم نازل شود آنچه درباره علی نازل شد و چیزی نازل نشد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۴)

[۱۹۵]. جابر بن عبدالله انصاری گوید:

شنیدم رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب می فرمود؛ ای علی تو برادر من و وصی من و وارث من و خلیفه من بر امت منی در زندگی من و پس از فوت من دوست دوست من دشمنت دشمن من و بدخواهت بدخواه من و پیروت پیرو من است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۴)



[۱۶۶]. رسول خدا ﷺ فرمود:

به راستی خدای تبارک و تعالی میان من و علی بن ابیطالب برادری برقرار کرد، و دخترم را به همسری او در آورد و از بالای هفت آسمان، فرشتگان مقربش را گواه آن ساخت و او را وصی و خلیفه ام نمود، علی از من است و من از او دوستش دوست من و دشمنش دشمن من، فرشته ها به دوستی او خود را مقرب خدا سازند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۲۵)

[۱۶۷]. مردی خدمت علی ﷺ آمد و عرض کرد:

به شما امیرالمؤمنین گویند، چه کسی تورا بر آنها امیر کرده؟ فرمود خدای جل جلاله مرا امیر آنها کرده آن مرد نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت یا رسول الله علی راست می گوید که خدا او را امیر بر خلقش کرده؟ پیغمبر در خشم شده فرمود؛ به راستی علی به ولایت از خدای عزوجل امیر بر خلق است که از بالای عرش خود آن را منعقد نموده و ملائکه را گواه گرفته که علی علیه السلام خلیفه الله و حجت الله و امام مسلمانان است. طاعتش قرین طاعت خدا و نافرمانیش قرین نافرمانی خداست، هر که او را شناسد مرا شناخته و هر که او را بشناسد مرا شناخته، هر که منکر امامت او است منکر نبوت من است و هر که امیری او را انکار کند رسالت مرا انکار کرده، هر که فضل او را دفع کند مرا کاسته، هر که با او نبرد کند با من نبرد کرده و هر که او را دشنام دهد مرا دشنام داده زیرا او از من است از گل من خلق شده و او شوهر فاطمه دختر من است و پدر دو فرزندم حسن و حسین است. سپس فرمود من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه فرزند حسین حجت های خدائیم بر خلقش دشمنانمان دشمنان خدا و دوستانمان دوستان خدایند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳۱)



[۱۶۸]. اصیغ بن نباته گوید:

در حالی که امیرالمؤمنین خطبه می خواند برای مردم و می فرمود: «از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست بدهید، به خدا از چیزی نمی پرسید از آنچه گذشته و از آنچه بعد خواهد شد جز اینکه خبر دهم شما را بدان» سعد بن ابی وقاص بپا خواست و گفت ای امیرالمؤمنین به من بگو چند رشته مو در سر و ریش من است؟ فرمود: «به خدا سؤالی از من کردی که خلیلم رسول خدا ﷺ به من خبر داده که آن را از من خواهی پرسید، سپس فرمود در سر و ریش تو موئی نباشد جز آنکه در ریشه اش شیطانی نشسته و در خانه تو گوساله ای است که حسین فرزندم را می کشد، عمر بن سعد در آن روز برابرش بر سر دست راه می رفت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳۳)

[۱۶۹]. علی بن ابی طالب فرمود:

در حالی که من و فاطمه و حسن و حسین نزد رسول خدا ﷺ بودیم آن حضرت به ما رو کرد و گریست، من گفتم چرا گریه می کنید یا رسول الله؟

فرمود: «میگیرم برای آنچه با شما عمل می شود»؛

گفتم آن چه باشد یا رسول الله؟

فرمود گریه کنم از ضربتی که بر فرق تو زنند و از سیلی که بر گونه فاطمه زنند و از نیزه ای که بران حسن زنند و زهری که به او نوشاند و از قتل حسین علیه السلام،

علی فرمود همه اهل بیت گریستند،

گفتم یا رسول الله خدا ما را نیافریده جز برای بلا،

پیامبر ﷺ فرمود: مژده گیرای علی که خدای عزوجل با من عهد

کرده که دوست ندارد جز مؤمن و دشمن ندارد جز منافق.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳۴)

[۱۷۰]. جابر بن عبدالله گوید:

شنیدم رسول خدا ﷺ سه روز پیش از وفاتش به علی علیه السلام می فرمود: درود بر تو ای پدر دو گل من؛ تو را بدو ریحانه دنیای خود سفارش می کنم به همین زودی دو ستون تو ویران شوند و خدا خلیفه من است بر تو، چون رسول خدا ﷺ وفات کرد علی فرمود؛ این ستون من بود که رسول خدا به من فرمود و چون فاطمه وفات کرد علی فرمود؛ این ستون دوم است که رسول خدا فرمود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳۵)

[۱۷۱]. رسول خدا ﷺ فرمود:

خداوند برای برادرم علی بن ابی طالب فضائل بیشماری مقرر کرده است. هر که يك فضیلت او را ذکر کند با اعتراف بدان خدا گناهان گذشته و آینده اش را بیامزد گرچه با گناه جن و انس به محشر آید و هر که يك فضیلت از او بنویسد تا آن نوشته بماند فرشتگان برایش آمرزش جویند و هر که به فضیلتی از او گوش دهد خدا گناهانی که با گوش کرده بیامزد و هر که به يك فضیلتش نگاه کند خدا گناهانی که با چشم کرده بیامزد.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود نگاه بر علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت است و یادآوریش عبادت است و ایمان بنده پذیرفته نیست جز به ولایت او و برائت از دشمنان او.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳۸)

[۱۷۲]. پیغمبر هر سبیده دم بر در خانه علی و فاطمه می ایستاد و می فرمود:

حمد از آن خدای محسن و و مجمل و منعم و مفضل است که به نعمت



خود اعمال صالحه را تمام کرده، سمیع است و سامع حمد خدا و نعمت او و حسن آزمایش او بر ما، پناه می برم به خدا. از دوزخ پناه می برم به خدا از بامداد دوزخ پناه می برم به خدا و از شام دوزخ.

«رحمت بر شما اهل بیت، همانا خدا خواسته پلیدی را از شما ای اهل بیت ببرد و به خوبی شما را پاکیزه گرداند.»

(احزاب: ۳۳ - یس: ۲۲)

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۴۴)

[۱۷۳]. امام پنجم فرمود:

چون این آیه نازل شد «هر چیزی را در امام مبین برشمرده ایم»... دو مرد فی المجلس برخاستند و گفتند یا رسول الله آن تورات است؟ فرمود نه. گفتند آن انجیل است؟ فرمود نه گفتند آن قرآن است؟ فرمود نه (در این هنگام)، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب آمد.

رسول خدا ﷺ فرمود آن این است، براستی او است امامی که خدای تبارک و تعالی علم هر چیزی را براوشمرده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۷۰)

[۱۷۴]. امام پنجم فرمود:

رسول خدا ﷺ خالد بن ولید را به «تیره بنی المصطلق» فرستاد که از «جدیمه» بودند و میان آنها و بنی مخزوم در دوران جاهلیت کینه ای بود چون بر آنها وارد شد دید

پیرو رسول خدایند و از او عهد نامه ای دارند. خالد گفت اذان نماز گفتند و نماز صبح را با آنها خواند و دستور داد آنها را غارت کردند و جمعی از آنها را کشت. عهدنامه خود را برداشتند و خدمت پیغمبر ﷺ آمدند و از جنایات خالد بن ولید گزارش دادند.



حضرت پیامبر رو به قبله کرد و گفت خدایا از آنچه خالد بن ولید کرده من بیزارم. سپس جامه و کالائی از غارت خدمت رسول خدا ﷺ آوردند و آن حضرت به علی فرمود:

تو نزد بنی جذیمه تیره بنی مصطلق برو و از آنچه خالد عمل کرده رضایت آنها را به عمل آورد و دو گام خود برداشت و فرمود:  
ای علی قضاوت جاهلیت را زیر دو پای خود گذار. علی علیه السلام نزد آنها آمد درباره آنها به حکم خدا دستور داد و چون برگشت پیامبر فرمود ای علی علیه السلام گزارش بده که چه کردی؟

گفت: یا رسول الله هر خونی را دیه دادم هر جنین که سقط شده بود به عوض بنده یا کنیزی دادم و هر مالی تلف شده بود عوض دادم و مبلغی زیاد آمد که به حساب کاسه سگ ها و ریسمان گله بانان آنها دادم باز هم زیاد آمد. به جبران ترس زنان و هراس کودکان آنها دادم و باز هم چیزی مانده بود به احتیاط از دانسته و ندانسته به آنها دادم و قسمت باقیمانده آخری را هم به آنها دادم تا از شما راضی شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی به آنها عطا دادی که از من راضی شوند. خدا از تو راضی باشد ای علی همانا تو نسبت به من چون هارون باشی نسبت به موسی جز آنکه پس از من پیغمبری نباشد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۷۳)

[۱۷۵]. فاطمه بنت محمد علیها السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله شب عرفه نزد ما آمد و فرمود به راستی خدای تبارک و تعالی به شما مباحات دارد همه شما را عموماً و بخصوص علی را آمرزیده و من رسول خدایم بسوی شما و از راه دوستی و خویشاوندی نیست. این جبرئیل است که به من خبر می دهد؛

«سعادت مند کامل کسی است که علی علیه السلام را دوست دارد در زندگی

او و پس از مرگش و شقی تمام کسی است که علی را در زندگی و  
مردگش دشمن دارد.»

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۸۲)

[۱۷۶]. رسول خدا ﷺ فرمود:

شبی که مرا به معراج بردند جبرئیل دستم را گرفت و بهشتم برد و بر  
یکی از مسندهای بهشتم رسانید و يك دانه به من داد و چون او را دو نیم  
کردم يك حوریه از آن بیرون آمد که مژگان چشمش چون پره‌های جلو  
کرکس بود به من گفت درود بر تو ای احمد، ای رسول خدا، ای محمد  
گفتم خدایت مهربان باشد تو کیستی؟ گفت منم راضیه و مرضیه، جبار  
مرا از سه جنس آفریده پائین تنم از مشک است و بالای آن از کافور و میانه  
ام از عنبر و با آب زندگی خمیر شدم و حضرت جلیل فرمود باش و من بودم  
و آفریده شدم برای پسر عم و وصی و وزیر تو علی بن ابیطالب.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۸۳)

[۱۷۷]. امام صادق علیه السلام از قول پدرانش فرمود:

رسول خدا بیرون شد و عبائی سیاه با دو تیره در برداشت و فرمود این عبا  
را در بر من کرده است دوستم، صفیم، خاصه ام زبده ام آنکه از طرف من  
ادا می کند (دینم را) و وصی و وارث و برادر من است پیش از همه مؤمنان  
مسلمان شده و در ایمان از همه مخلص تراست و از همه با سخاوت تراست  
و پس از من سید بشر است و امام اهل زمین است که علی بن ابیطالب باشد  
و از شوق او پیایی گریست تا ريك از اشکش تر شد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۸۳)

[۱۷۸]. حذیفه بن اسید غفاری گفت که رسول خدا ﷺ فرمود:

ای حذیفه به راستی حجت خدا بعد از من بر شما علی بن ابی طالب



است کفر به او کفر به خداست. شرك به او شرك به خداست، شك در او شك در خداست و الحاد در او الحاد در خداست. انكار او انكار خداست. ايمان به او ايمان به خداست زیرا او برادر رسول خدا و وصی او و امام امت او و سرور آنهاست و او است حبل الله متين و عروة الوثقی که بریدن ندارد. دو کس درباره او هلاک شوند و او تقصیر ندارد، دوست غلو کننده و مقصّر. ای حذیفه از علی جدا مشو که از من جدا شوی و با او مخالفت مکن که مخالف من باشی علی از من است و من از علی هر که خشمش آرد مرا به خشم آرد و هر که خشمش کند مرا خشمش کرده. (امالی شیخ صدوق صفحه ۱۹۷)

[۱۷۹]. امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش نقل فرمود:

که یک عرب بیابانی خدمت رسول خدا آمد و آن حضرت با عباي گلی رنگش او را پذیرفت. عرض کرد یا محمد مثل یک جوان نزد من آمدی؟ فرمود: آری منم فتی (جوان) پسر فتی برادر فتی. عرض کرد یا محمد خود جوانی درست، چگونه پسر جوانی و برادر جوان؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نشنیدی قول خدای عزوجل را که می فرماید: ﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًی يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ﴾ گفتند که شنیده ایم جوانی که آنها (بت ها) را یاد می کند به بدی به نام ابراهیم

(انبیاء ۶۰)

و من پسر ابراهیم هستم و اما برادر من فتی (جوان) است زیرا روز احد منادی از آسمان ندا کرد «نیست شمشیری جز ذوالفقار، نیست جوان مردی جز علی، علی برادر من است و من برادر او.»

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۰۰)



[۱۸۰]. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی بن ابی طالب خلیفه خدا و خلیفه من و حجت خدا و حجت من و باب خدا و باب من و صفی خدا و صفی من و حبیب خدا و حبیب من و خلیل خدا و خلیل من و شمشیر خدا و شمشیر من است و رفیق و وزیر و وصی من است. دوستش دوست من و دشمنش دشمن من، جنگ با او جنگ با من و سازش با او، سازش با من و گفته او گفته من و فرمانش فرمان من و همسرش دختر من و فرزندش فرزند من است و او سید اوصیاء و بهترین امت من است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۰۳)

[۱۸۱]. ابی سخیله گوید:

نزد ابوذر رفتم و گفتم ای ابوذر اختلافی پیش آمده بینم مرا چه فرمائی؟ فرمود؛ ملازم این دو باش، کتاب خدا و حضرت استاد علی بن ابیطالب زیرا من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: علی ع اول کسی است که به من ایمان آورد و اول کسی است که روز قیامت با من دست دهد و اوست صدیق اکبر و فاروق که میان حق و باطل را جدا کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۰۵)

[۱۸۲]. ابن عباس گوید:

روزی رسول خدا ﷺ دست علی بن ابیطالب را گرفت و بیرون شد و می فرمود؛

ای معشر انصار ای معشر بنی هاشم ای معشر فرزندان عبدالمطلب منم محمد رسول خدا، هلا من از (گل رحمت شده) به همراه چهارکس از خاندانم آفریده شدم و علی و حمزه و جعفر، یکی گفت یا رسول الله اینها



روز قیامت با تو سوار باشند؟ فرمود مادرت به عزایت نشیند در آن روز کسی سوار نباشد جز چهارتن من و علی و فاطمه و صالح پیغمبر خدا، من بر براق سوام و فاطمه دخترم بر ناقه عضباء من و صالح بر آن اشتری که پی شد و علی بر یکی از ناقه های بهشت که مهارش یاقوت است و بر او دو حله سبز باشد و میان بهشت و دوزخ بایستد و در آن روز مردم از عرق تن مهار شده اند بادی از طرف عرش بوزد و عرق آنها را خشک کند فرشتگان مقرب و صدیقان گویند این ملکی است مقرب یا پیغمبری است مرسل منادی از طرف عرش ندا کند ولی او علی بن ابیطالب برادر رسول خداست در دنیا و آخرت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۰۶)

[۱۸۳]. انس بن مالك گفت از رسول خدا ﷺ شنیدم می فرمود:

از این در، خیر الاوصیاء و سید الشهداء بر شما درآید و کسی که مقامش نزدیکتر به انبیاء است و علی بن ابی طالب در آمد و رسول خدا ﷺ فرمود ای ابوالحسن چرا چنین نگویم با اینکه تو صاحب حوضی و وفا کننده پیمان منی و پرداخت کننده وام من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۱۰)

[۱۸۴]. رسول خدا ﷺ فرمود:

بر عرش نوشته منم خدائی که نیست معبود حقى جز من و شريك ندارم. محمد ﷺ بنده و رسول من است او را به علی كمك دادم. خداوند نازل کرد آیه (اَيُّدِكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ (انفال: ۶۵)) او است که تأیید کرد تو را به یاری خود و با مؤمنان و مقصود از نصر علی است و داخل مؤمنان هم هست و از هر دو وجه مورد این آیه است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۱۵)



۱۸۵]. رسول خدا ﷺ فرمود:

شب معراج دیدم بریکی از ستون های عرش نوشته منم خدا، معبود حقی که نیست جز من. بهشت عدن را بدست خود آفریدم، محمد برگزیده خلق من است او را با علی تأیید کردم و با او یاری نمودم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۱۶)

۱۸۶]. امام پنجم از قول پدرانش گفت که رسول خدا ﷺ فرمود:

دامن این «انزع» یعنی علی را بگیرید که او صدیق اکبر و فاروق میان حق و ناحق است هر که دوستش دارد خدا هدایتش کرده و هر که دشمنش دارد خدا او را دشمن دارد و هر که از او تخلف کند خدا نابودش کند و از او است دوسبط این امت حسن و حسین و آن دو، دو پسرمنند و از حسین است امامان رهبر که خدا به آنها علم و فهم مرا داده آنها را دوست دارید و پشتیبانی جز آنها نگیرید تا خشم خدا بر شما فرود آید و هر که مورد خشم پروردگارش شود مسلماً سقوط کرده و زندگی این دنیا نباشد جز کالای فریب.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۱۶)

۱۸۷]. خدای جل جلاله فرمود:

منم خدا معبود، حقی جز من نیست، بتوان خود خلق را آفریدم و هر که از پیغمبران را خواستم از آنها برگزیدم و از میان آنها محمد حبیب و خلیل وصفی خود را برگزیدم و او را به خلق خود مبعوث کردم و علی را برای او برگزیدم و برادر و وصی و وزیر و اداکننده امانت بعد از او به خلقم ساختم و خلیفه خود بر بندگانم نمودم تا قرآن مرا برای آنها بیان کند و در میان آنها به حکم من سیر کند، او را علم رهبری از گمراهی و باب خود قرار دادم که از او در آیند و خانه خود ساختم که هر کس وارد شود از جهنم من



در امان باشد. اوست دژ من که هر که بدان پناه ببرد دنیا و آخرت محفوظ است و وجه من است که هر که به او رو کند از او رونگردانم و حجت من است در آسمان ها و زمین بر هر که در آنها است از خلقم. نپذیرم کردار هیچ عاملی را جز با اقرار به ولایت او و نبوت احمد رسولم. اوست دودست گشاده من بر بندگانم. او نعمتی است که به هر که دوست داشتم دادم و او را ولی و شناسای خود نمودم. هر که از بندگانم را دشمن دارم از آن جهت است که از شناسائی و ولایتش روگردان است و به عزت خود سوگند خوردم و به جلالم قسم خوردم که هیچ کدام بندگانم علی را دوست ندارند جز آنکه آنها را از دوزخ برکنار دارم و به بهشت وارد کنم و دشمن ندارد او را کسی و از ولایتش رونگرداند جز آنکه او را دشمن دارم و در دوزخ درآرم که چه بدسرانجامی است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۲۲)

[۱۸۸]. علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

پیغمبر مرا خواست و به یمن فرستاد تا میان آنها اصلاح کنم. گفتم یا رسول الله آنها مردم بسیاری هستند و پیرمردانی دارند و من جوانی نورسم فرمود ای علی چون بر «گردنه افیق» برآمدی به آواز بلند فریاد کن ای شجر ای کلوخ، ای خاک، محمد رسول خدا شما را درود می دهد.

علی علیه السلام فرمود رفتم و چون به آن گردنه برآمدم و سرازیر یمن شدم دیدم همه رو آورده اند به سوی من با نیزه های افراشته و پیکان زده و کمان بر دوش و تیغ های برهنه به آواز بلند پیغام را به شجر و کلوخ و خاک رساندم، شجری و کلوخی و خاکی نبود مگر آنکه هم آواز فریاد کشیدند بر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر تو درود، همه آن مردم پریشان شدند و دل ها و زانوهایشان لرزید اسلحه از دستشان افتاد و شتابان نزد من آمدند و میان آنها



اصلاح کردم و برگشتم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۲۳)

پیغمبر از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم گفته است:  
خدای تبارک و تعالی می فرماید ولایت علی بن ابی طالب حصن من  
است هر که در حصن من در آید از دوزخ در امان است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۲۹)

[۱۸۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

من و علی از يك نور آفریده شده ایم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۳۶)

[۱۹۰]. پیغمبر ﷺ فرمود:

خدای عزوجل يك صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید و من گرامی  
ترین آنها هستم نزد خدا و فخر نکنم. و آفرید يك صد و بیست و چهار هزار  
وصی و علی گرامی تر و برتر آنها است نزد خدا.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۳۶)

[۱۹۱]. علی علیه السلام فرمود:

همیشه هر گاه از رسول خدا ﷺ پرسش می کردم جواب می داد و  
چون خاموش بودم آغاز سخن می کرد با من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۴۳)

[۱۹۲]. رسول خدا ﷺ فرمود:

براستی خدای تبارک و تعالی مردمی را مبعوث کند که چهره ای از نور  
دارند و بر کرسی نورند و جامه نور در بر دارند و در سایه عرشند چون انبیاء  
هستند و پیامبر نیستند، چون شهیدانند و از شهدا نیستند. مردی گفت یا  
رسول الله من از آنها هستم؟

فرمود نه، دیگری گفت یا رسول الله من از آنها هستم؟  
 فرمود: نه عرض شد آنها چه کسانی هستند یا رسول الله؟  
 آن حضرت دست بر سر علی علیه السلام نهاد و فرمود این است و شیعیان او.  
 (امالی شیخ صدوق صفحه ۲۴۴)

[۱۹۳]. مردی حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

یا رسول الله هر که بگوید لا اله الا الله مؤمن است؟  
 فرمود؛ دشمنی ما را به یهود و نصاری می رساند. شما به بهشت نروید  
 مگر مرا دوست دارید و دروغ گوید کسی که معتقد است مرا دوست  
 داشته و این را یعنی علی را دشمن دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶۹)

[۱۹۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی  
 من شهر دانش هستم و تو درآنی و به شهر نیابند جز از درش.  
 دروغ گوید کسی که معتقد است مرا دوست داشته و تو را دشمن دارد  
 زیرا تواز منی و من از تو.  
 گوشت تو گوشت من است و خونت خون من، روح تو روح من است  
 و درونت درون من و آشکارت آشکار من.  
 تو امام امت منی و خلیفه من پس از من.  
 خوشبخت است آنکه فرمانت برد و بدبخت آنکه نافرمانیت کند.  
 سودمند آنکه دوستت دارد و زیانمند آنکه دشمنت دارد.  
 کامیاب است آنکه ملازم تو است و هلاک است آنکه از تو جداست.  
 مثل تو و امامان پس از تو چون کشتی نوح است که هر که بر آن سوار  
 شد نجات یافت و هر که وا افتاد غرق شد.



مثل شما چون ستارگان است هر گاه ستاره ای نماند شود ستاره ای دیگر عیان گردد تا به روز قیامت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۶۹)

[۱۹۵]. رسول خدا ﷺ فرمود:

براستی خدای عزوجل مرا با علی ابن ابیطالب برادر ساخت و دختر مرا از بالای آسمان به او تزویج کرد و فرشتگان مقربش را بر آن گواه گرفت. او را برای من وصی و جانشین نمود علی از من است و من از او، دوستش دوست من و دشمن او دشمنم و فرشتگان به دوستی او به خدا تقرب جویند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۷۰)

[۱۹۶]. رسول خدا ﷺ فرمود:

براستی خدای جلّ جلاله به دنیا خطاب کرد که خادم خود را برنج افکن و تارک خود را خدمت کن و چون بنده در نیمه شب تار با خدای خود خلوت کند و راز گوید خدا نور را در دلش برجا دارد. چون گوید یا ربّ یاربّ، جلیل جلّ جلاله او را ندا کند لبیک عبد من، بخواه تا بتوبدهم بر من توکل کن تا تورا کفایت کنم. سپس خدای جلّ جلاله به ملائکه خود فرماید ای ملائکه ببینید بنده مرا که در دل شب تار با من خلوت کرده و بیهودگان در بازی و غفلتند و بخواب رفته اند و گواه باشید که من او را آمرزیدم.

پس از آن فرمود بر شما باد به ورع و کوشش و عبادت و بی رغبت باشید در این دنیا که به شما بی رغبت است زیرا که پرفریب دهنده است. خانه فنا و زوال است. بسیار کسی که فریب آن خورد و نابودش کرد و بدان تکیه زد خیانتش نمود و بسیار کسی که بدان اعتماد کرد و فریش داد و او را وانهاد. بدانید که در پیش شما راهی است هراسناک و سفری است



دراز و گذشت شما برصراط است و بناچار مسافر را توشه باید و هر که بی توشه سفر کند در رنج افتد و هلاک شود و بهترین توشه تقوی است سپس یاد کنید وقوف خود را در برابر خدای جلّ جلاله که او حاکم عادل است و آماده جوابش شوید در موقع بازپرسی او از شما که بناچار از شما بازپرسی کند نسبت به هر چه کردید از ثقلین پس از من که کتاب خدا و خاندان منند و ملاحظه کنید که نگوئید کتاب را تغییر دادیم و تحریف نمودیم و اما از خاندان جدا شدیم و آنها را گشتیم که در این موقع پاداش شما جز دوزخ نباشد هر کدام شما که خواهد از هراس این روز برکنار باشد باید پیرو ولی من و تابع وصی و خلیفه بعد از من علی بن ابیطالب (علیه السلام) باشد که او صاحب حوض من است و دشمنانش را از آن طرد نکند و دوستانش را از آن طرد کند و دوستانش را از آن طرد کند و دشمنانش را از آن سیراب نماید و هر که از آن ننوشد همیشه تشنه است و هرگز سیراب نشود و هر که از آن شربتی نوشد هرگز تشنه نشود و براستی علی بن ابی طالب صاحب پرچم من است در آخرت چنانچه صاحب پرچم من است در دنیا و اول کس باشد که در بهشت در آید زیرا جلو من لواء حمد را می کشد که زیر آن آدم و پیغمبران دیگرند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۷۹)

#### [۱۹۷]. يك روز رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود:

ای گروه اصحاب من براستی خدای جلّ جلاله دستور می دهد به شما به ولایت علی بن ابیطالب و پیروی از او بعد از من که ولی و امام شما است. مخالفت با علی نکنید تا کافر شوید و از او جدا نشوید تا گمراه گردید. به راستی خدای جلّ جلاله علی را نشانه میان نفاق و ایمان ساخته، هر که او را دوست دارد مؤمن است و هر که دشمنش دارد منافق است. براستی خدای جلّ جلاله، علی را وصی و نوربخش پس از من نموده. او سَرَنگهدار

و گنجینه علم و خلیفه بعد از من است در خاندانم، به خدا از ظالمان شکایت کنم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۸۴)

[۱۹۸]. از ام ایمن نقل است:

ام ایمن خدمت رسول خدا ﷺ رسید و چیزی در چادر داشت، رسول خدا فرمود چه داری؟ گفت فلان دختر را عروس کردند و بر او نثار ریختند و من از نثار او برگرفتم سپس ام ایمن گریست و گفت یا رسول الله فاطمه را تزویج کردی و چیزی بر او نثار نکردی؟ فرمود ام ایمن چرا خلاف می گوئی براستی خدای تبارک و تعالی چون فاطمه را به علی تزویج کرد دستور داد که درختان بهشت بر اهل آن از زیور و جامه و یاقوت و دُر و زمرد و استبرق نثار کردند و آنچه راندانند از او برگرفتند و خدا درخت طوبی را بخشش فاطمه نمود و آن را در منزل علی علیه السلام نهاد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۸۷)

[۱۹۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که را خوش آید که چون برق جهنده بر صراط گذرد و بی حساب به بهشت رود باید ولایت داشته باشد با ولی و وصی و رفیق و خلیفه من بر خاندان و ائمه علی بن ابیطالب علیه السلام و هر که را خوش آید به دوزخ رود ترك ولایتش کند به عزت و جلال پروردگارم که او است باب الله که جز از در او نیابند و او است صراط مستقیم و او است که روز قیامت از ولایتش پرسش شود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۸۸)

[۲۰۰]. رسول خدا ﷺ فرمود:

منم سید انبیاء و مرسلین و بهتراز ملائکه و اوصیایم سادات اوصیاء



پیغمبران و مرسلانند. و فرزندانم بهترین ذریه انبیاء و مرسلانند و دخترم فاطمه سیده زنان عالمیان است و طاهرات از زنانم مادران مؤمنانند و ائمتم بهترین امتی است که برای مردم قیام کردند و من روز قیامت بیشتر از همه انبیاء پیرو دارم و حوضی دارم که پهنایش به اندازه میانه بصری در دنیا تا صنعاء است و به عدد ستاره های آسمان ابریق در آن است و خلیفه من بر این حوض در آن روز خلیفه من است در دنیا. عرض شد آن کیست؟ فرمود امام مسلمانان و امیرمؤمنان و سرور آنها پس از من علی بن ابیطالب است که دوستانش را از آن سیراب کند و دشمنانش را براند چنانچه یکی از شماها شتران بیگانه را از سرآب خود می راند، سپس فرمود، هر که علی را دوست دارد و در دنیا او را اطاعت کند فردا بر حوض من وارد شود و در بهشت با من هم درجه باشد و هر که در دنیا علی را دشمن دارد و او را نافرمانی کند او را نبینم و مرا نبیند در روز قیامت و جدا از من به لرزه افتد و از سمت چپ به دوزخش برند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۹۸)

#### [۲۰۱]. رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی، تو امام مسلمانان و امیرمؤمنان و قائد الغرالمحبّجلین و پس از من حجت خدائی بر همه خلق، تو سید اوصیاء و وصی سید انبیائی. ای علی چون مرا به آسمان هفتم بالا بردند و از آنجا به سدره المنتهی رسیدم و از آنجا به حجب نور، پروردگارم جل جلاله مرا گرمی داشت به مناجات خود فرمود؛ ای محمد، گفتم لبیک ربی و سعیدیک و تعالیت گفت: به درستی که علی امام اولیاء من و نور است برای هر که مرا اطاعت کرده است و کلمه ای که شایسته متقیان است. هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که او را نافرمانی کند مرا نافرمانی

کرده، او را بدین امر مژده ده، علی علیه السلام عرض کرد یا رسول الله مقام من به آنجا رسیده که در آن مقام ذکر شوم؟

فرمود: آری علی جان پروردگارت را شکر کن.

علی رو بر خاک نهاد و سجده کرد به شکرانه این نعمتی که خدا به او داده.

رسول خدا فرمود؛ ای علی سر بردار که خدا به تو بر ملائکه خود

مباهات دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۰۰)

[۲۰۲]. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب (ع) فرمود:

ای علی تو صاحب حوض منی پرچمدار منی و برآورنده وعده های منی، دوست دل منی وارث علم منی و امانت دار موارث پیغمبرانی. توئی امین الله در زمینش و حجت بر خلقش، توئی رکن ایمان و چراغ هدایت و منار شب تار، توئی علّمی که برای اهل دنیا برافراشتند هر که تورا پیروی کند نجات یافته و هر که از تو تخلف کند هلاک است توئی راه روشن توئی راه راست، توئی قائد الغرالمحجلین، توئی سرور هر که منش سرورم و من سرور هر مؤمن و مؤمنه ام، دوستت ندارد جز پاکزاد و دشمنت ندارد جز بدزاد و پروردگارم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت، جز اینکه فرمود ای محمد سلام مرا به علی برسان و به او اعلام کن که امام اولیاء و نور اهل طاعت من است گوارا باد تورا ای علی این کرامت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۰۶)

[۲۰۳]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فقراء شیعه علی و عترتش را بعد از او سبک نگیرید که یکی از آنها دو

قبیله مانند ربیع و مضر را شفاعت کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۰۷)



[۲۰۴]. ابی مسلم گوید:

با حسن بصری و انس بن مالک آمدیم تا در خانه ام سلمه، انس بر در خانه نشست و ما وارد شدیم، شنیدیم حسن گفت درود بر توای مادرم و رحمت خدا و برکاتش، به او پاسخ داد بر تو درود، تو کیستی فرزند جانم؟ گفت حسن بصریم گفت برای چه آمدی؟ گفت آمدم حدیثی که از پیغمبر درباره علی شنیدی برایم بازگوئی. ام سلمه گفت به خدا برایت حدیثی گویم که با این دو گوشم از رسول خدا ﷺ شنیدم و گرنه هر دو کر شوند و به این چشمم دیدم و گرنه کور شوند و دلم آن را حفظ کرده و گرنه مهر بر آن نهاده شود و لال شوم اگر نشنیدم که رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب ع فرمود:

ای علی هر بنده ای که خدا را ملاقات کند و منکر ولایت تو باشد چون پرستنده بت و صنم خدا را ملاقات کرده. شنیدم حسن بصری می گفت الله اکبر گواهی می دهم که علی مولای من و مولای هر مؤمن است چون بیرون آمدیم انس گفت چرا تکبیر گفتی؟ گفت از مادر خود ام سلمه خواستم حدیثی بازگوید که خود درباره علی از رسول خدا ﷺ شنیده چنین و چنان برایم گفت و من تکبیر گفتم و گواهی می دهم که علی مولای من و مولای هر مؤمنی است. گوید شنیدم انس بن مالک هم گفت: من بر رسول خدا ﷺ گواه می دهم که این را درباره علی ع تا سه بار یا چهار بار فرمود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱۵)

[۲۰۵]. حبیب بن عمرو گوید:

من خدمت امیرالمؤمنین رسیدم در مرض موت او، زخمش را باز کردند گفتم یا امیرالمؤمنین این زخم شما چیزی نیست و باکی بر شما نیست



فرمود:

ای حبیب، من هم اکنون از شما مفارقت می کنم.  
من گریستم و ام کلثوم هم که نزد او نشسته بود گریست به او فرمود:  
دختر جانم چرا گریه می کنی؟  
گفت جدائی شما را در نظر آوردم و گریستم فرمود:  
دخترم گریه مکن، به خدا اگر تو هم می دیدی آنچه را پدرت می بیند  
نمی گریستی.

حبیب گوید:

به او عرض کردم چه می بینی یا امیرالمؤمنین؟ فرمود:  
ای حبیب می نگرم که همه فرشتگان آسمان و پیغمبران دنبال هم  
ایستاده اند برای ملاقاتم و این هم برادرم محمد رسول خدا ﷺ است که  
نزد من نشسته است و می فرماید:  
بیا که آنچه در پیش داری بهتر است برایت از آنچه در آن گرفتاری.  
گوید هنوز از نزد او بیرون نشده بودم که وفات کرد چون فردا شد، بامداد  
امام حسن بر منبر ایستاد و این خطبه را خواند:  
پس از حمد و ستایش خدا فرمود:  
ای مردم در این شب بود که قرآن نازل شد و در این شب عیسی بن مریم  
بالا رفت و در این شب یوشع بن نون کشته شد و در این شب امیرالمؤمنین  
از دنیا رفت.

به خدا هیچ کدام از اوصیاء پیغمبران گذشته پیش از پدرم به بهشت  
نروند و نه دیگران و چنان بود که رسول خدا که او را به جبهه جهادی  
می فرستاد جبرئیل از سمت راستش به همراه او نبرد می کرد و میکائیل از  
سمت چپش و پول زرد و سفیدی از او بجا نمانده جز هفتصد درهم که از



حقوق خود پس انداز کرده بود تا خادمی برای خانواده خود بخرد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۱۸)

[۲۰۶]. مخدوج بن زید ذهلی گوید:

چون رسول خدا ﷺ مسلمانان را با هم برادر ساخت، به علی فرمود ای علی تو برادر منی و تونسبت به من چون هارون باشی نسبت به موسی جز اینکه پس از من پیغمبری نباشد.

ای علی نمی دانی اول کسی که روز قیامت خوانده شود منم که در سمت راست عرش بایستم و حوله سبزی از حوله های بهشتی بپوشم و پس از آن پیغمبران را دنبال هم بخوانند و در دو صف سمت راست عرش در سایه آن بایستند و جامه های سبز بهشتی بپوشند.

آگاه باش ای علی به تو خبر دهم که امت من اول امت ها در قیامت محاسبه شوند و تورا بشارت دهم که تو اول کسی باشی که دعوت شوی برای خویشی و مقامی که نسبت به من داری و پرچم مرا که پرچم حمد است بتو دهند و میان دو صف آن را بکشی و آدم و همه خلق خدا روز قیامت در سایه پرچم من باشند که طول آن هزار سال راه است و نوکش از یاقوت سرخ و نیشش از سیم سپید و دسته اش دُر سبزا است و سه شعبه از نور دارد یکی در مشرق و دیگری در مغرب و سومی در وسط دنیا سه سطر نوشته:

اول؛ بسم الله الرحمن الرحيم

دوم؛ الحمد لله رب العالمين

سوم؛ لا اله الا الله محمد رسول الله

طول هر سطری هزار سال مسافت و پهنای آن هزار سال مسافت. تو پرچم را بکشی و حسن سمت راست تو و حسین سمت چپ تو است تا میان من



و ابراهیم در سایه عرش بایستی و جامه سبزی از جامه های بهشتی بپوشی و منادی از عرش صدا زند چه خوب پدری است پدرت ابراهیم و چه خوب برادری است برادرت علی هلا به تو مزده دهم ای علی که تو با من دعوت شوی و با من جامه در بر کنی و با من زنده شوی.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۲۴)

[۲۰۷]. رسول خدا ﷺ فرمود:

یا علی تو برادر منی و من برادر تو، من برای نبوت برگزیده ام و تو برای امامت،

من صاحب تنزیلیم و تو صاحب تاویل،

من و تو دو پدر این امت باشیم،

ای علی تو وصی و خلیفه و وزیر و وارث منی و پدر دو فرزندم،

شیعیانت شیعیان منند و یارانت یارانم، دوستانت دوستانم، و دشمنانت دشمنانم.

ای علی تو رفیق منی سر حوض در فردای قیامت،

تو همراه منی در مقام محمود،

تو پرچمدار منی در آخرت چنانچه پرچمدار منی در دنیا،

خوشبخت است هر که تو را دوست گیرد و بدبخت است هر که

دشمنت دارد،

فرشتگان در آسمان به دوستی تو تقرب جویند و به ولایت تو،

به خدا دوستانت در آسمان بیشترند از زمین،

ای علی تو امین امت منی و حجت خدا بر آنها بعد از من،

گفتار تو گفتار من است و امرت امر من و طاعتت طاعت من،

منع تو منع من و نهی تو نهی من و نافرمانیت نافرمانی من و حزبت حزب



من و حزب من حزب خدا  
 «هر که دوست گیرد خدا و رسولش و کسانی را که ایمان آوردند  
 برآستی حزب خدا همانا پیروزند.»

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳۱)

[۲۰۸]. زید بن ارقم گوید:

برای چند تن از اصحاب رسول خدا ﷺ درهائی بود که به مسجد  
 باز می شد. یک روز آن حضرت فرمود؛  
 درها را بجذر خانه علی بگیرید (ببندید).  
 دراین باره مردم سخن کردند. رسول خدا ﷺ برخاست و حمد خدا  
 نمود و ستایش او کرد و سپس فرمود؛  
 اما بعد من مأمور شدم به سدّ این درها جز در خانه علی و گفته هائی  
 گفتند و من بخدا دری را نبستم و نگشودم جز آنکه دستوری به من رسید  
 و پیروی کردم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳۳)

[۲۰۹]. علی بن ابیطالب علیه السلام گفت رسول خدا ﷺ فرمود:

برای احدی روا نیست در این مسجد (غسل براو واجب شود) شود جز من  
 و علی و فاطمه و حسن و حسین و هر که از خاندان من است که آنها از منند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳۴)

[۲۱۰]. رسول خدا ﷺ فرمود:

درهائی که به مسجد باز می شود همه را ببندید جز در خانه علی را.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳۴)

[۲۱۱]. ابن عباس گفت:

رسول خدا ﷺ دستور داد که درهای خانه ها را از مسجد بستند جز



در خانه علی را.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳۴)

[۲۱۲]. سلمان فارسی گوید:

روزی نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودم که علی بن ابیطالب آمد به او فرمود؛

بتومزده ندهم ای علی؟

گفت چرا یا رسول الله،

فرمود؛ حبیبم جبرئیل از طرف خداوند جل جلاله به من خبر می دهد که به دوستان و شیعیان تو هفت خصلت داده اند:

نرمش در هنگام مرگ

انس هنگام وحشت

روشنی در ظلمت

آسودگی نزد هراس

عدالت وقت میزان

گذشت از صراط

رفتن به بهشت پیش از مردم امم دیگر به هشتاد سال.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۳۶)

[۲۱۳]. عبدالله بن ابی اوفی گوید:

پیغمبر اصحابش را دو بدو برادر ساخت و علی آمد و عرض کرد؛ یا رسول الله اصحابت را با هم برادر ساختی و مرا وا گذاشتی؟

فرمود؛ قسم بدانکه جانم بدست او است تو را برای خود گذاشتم. تو

برادر و وصی و وارث منی،

گفت؛ یا رسول الله چه ارث برم از تو؟



فرمود: آنچه پیغمبران پیش از من ارث دادند، کتاب پروردگار خود، روش پیغمبر خود را تو و دو پسرت در بهشت در قصر خصوصی من با من خواهید بود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۴۶)

[۲۱۴]. سلمان فارسی از پیغمبر ﷺ شنید که می فرمود:

برادر و وزیر و بهتر خلق پس از من علی بن ابیطالب است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۴۷)

[۲۱۵]. امام باقر (ع) فرمود:

رسول خدا ﷺ علی را به یمن فرستاد و در آنجا اسب کسی از اهل یمن گریخت و با پای خود به مردی لگد زد و او را کشت. اولیاء مقتول آن مرد را گرفتند و خدمت امیرالمؤمنین آوردند و براو اقامه دعوی کردند. صاحب اسب گواه آورد که اسبش گریخته و آن مرد را زده و کشته. علی خون او را هدر ساخت. اولیاء مقتول از یمن نزد پیغمبر ﷺ آمدند و از حُکم علی شکایت کردند و گفتند علی به ما ستم کرده و خون صاحب ما را هدر کرده

پیغمبر فرمود؛ علی ستمکار نیست و برای ستم آفریده نشده. ولایت و سروری پس از من با علی است و حُکم حُکم او است و قول قول او، رد حکم و قول و ولایت او را نکند مگر کافرو حکم و قول و ولایتش را نپسندد مگر مؤمن،

چون اهل یمن درباره علی از پیغمبر چنین شنیدند گفتند یا رسول الله ما بقول و حکم علی راضی شدیم. فرمود همین توبه شما است از آنچه گفتید.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۴۸)



[۳۱۶]. از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل است:

يك روز رسول خدا در مسجد قبا كه انصار جمع بودند به علی بن ابیطالب (ع) فرمود؛ ای علی تو برادر منی و من برادر تو، ای علی تو وصی و خلیفه من و امام امت منی بعد از من، با خدا پیوسته است هر كه با تو پیوسته و با خدا دشمن است هر كه با تو دشمن است، با خدا بغض دارد هر كه با تو بغض دارد، خدا را یاری کرده هر كه تو را یاری کند و خدا را وا گذاشته هر كه تو را واگذارد،

ای علی تو همسر دختر منی و پدر دو فرزند منی، ای علی چون مرا به آسمان بالا بردند پروردگارم درباره تو سفارش کرد فرمود ای محمد گفتم؛ لبیک و سعدیک تبارکت و تعالیت، خداوند فرمود؛ علی امام متقیان و پیشوای رؤسایان و یوسفیان و یعسوب مؤمنان است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۵۲)

[۳۱۷]. از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل است:

رسول خدا روزی در منزل «ام ابراهیم» بود و جمعی از اصحابش حضور او بودند كه علی بن ابی طالب آمد و چون چشم پیغمبر به او افتاد فرمود؛ ای گروه مردم، نزد شما آمد بهترین مردم بعد از من، او سرور شما است و طاعت او فرض است چون طاعت من، و نافرمانی او حرام است چون نافرمانی من، گروه مردم من خانه حکمت و علی کلید آن است و به خانه نتوان رسید به جز به وسیله کلیدش، دروغ گوید کسی كه گمان دارد مرا دوست داشته و علی را دشمن دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۵۳)

[۳۱۸]. رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی تو برادر من و من برادر توام، ای علی تواز من و من از توام، ای



علی تو وصی و خلیفه من و حجت خدائی بر اتم بعد از من، خوشبخت است هر که دوست دارد و بدبخت است هر که دشمنت دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶۰)

[۲۱۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

شیعیان علی، همان کامجویانند در روز قیامت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶۱)

[۲۲۰]. رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

روز قیامت که شود تورا بر اسبی نجیب از نور بیاورند و بر سر تاجی باشد که نورش درخشان بتابد که نزدیک است دیده اهل محشر را خیره کند و ندا از طرف خدای جلّ جلاله رسد که کجاست خلیفه محمد رسول الله، تو عرض کنی من اکنون حاضرم، سپس جارچی جار کشد ای علی هر که دوست دارد به بهشت ببر و هر که دشمنت دارد بدوزخ بر، توئی قسیم بهشت، توئی قسیم دوزخ.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶۱)

[۲۲۱]. مامون عباسی نقل می‌کند:

از پدرانش تا ابن عباس که رسول خدا ﷺ به علی فرمود: تو وارث منی.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶۴)

[۲۲۲]. ابو هریره گوید:

پیغمبر به غزه رفت و به مدینه برگشت و علی را به جای خود بر خاندانش خلیفه کرده بود، غنیمت را که تقسیم کرد به علی دوبهره داد، مردم گفتند یا رسول الله به علی بن ابیطالب که در مدینه مانده بود دو سهم دادی؟ پیامبر فرمود؛ ای گروه مردم شما ندیدید که اسب سواری از سمت



راست بر مشرکان یورش برد و آنها را شکست داد، سپس برگشت نزد من و گفت ای محمد من سهمی از غنیمت دارم و آن را به علی بن ابیطالب بخشیدم او جبرئیل بود، ای گروه مردم شما را به خدا و رسولش ندیدید آن اسب سواری که بر مشرکان از سمت چپ یورش برد و به نزد من برگشت و گفت ای محمد با تو سهمی دارم و آن را بر علی بن ابیطالب علیه السلام نهادم، او میکائیل بود به خدا به علی ندادم جز سهم جبرئیل و میکائیل را، پس همه مردم تکبیر گفتند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶۵)

[۲۲۳]. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود:

ای علی توای خلیفه من برائتم در زندگی من، و پس از مرگم،  
تونسبت به من شیشی نسبت به آدم و چون سام به نوح و چون اسماعیل  
به ابراهیم و چون یوشع به موسی و چون شمعون به عیسی،  
ای علی تووصی و وارث و غسل دهنده منی توئی که مرا به خاک سپاری  
و دینم را ادا کنی و وعده ام را وفا کنی،  
ای علی توامیرمؤمنان و امام مسلمانان و پیشوای رؤسایان و یعسوب  
مقیانی،  
ای علی تو شوهر بانوی زنان، فاطمه دختر من و پدر دو سبطم حسن و  
حسین باشی،  
ای علی براستی خدای تبارک و تعالی ذریه هر پیغمبری را از نسل او مقرر  
کرد و ذریه مرا از پشت تو،  
ای علی هر که دوست دارد و خواهانت باشد دوستش دارم و خواهانش  
باشم و هر که با تو کینه و دشمنی دارد با او دشمنی و کینه دارم زیرا تو از  
منی و من از تو،

ای علی براستی خدا ما را پاك کرده و برگزیده و هیچ پدر و مادری در نژاد ما به زنا برخورد نکردند تا زمان آدم، دوست ندارد ما را مگر کسی که حلال زاده است، ای علی مژده گیر که شهید می شوی زیرا تو پس از من مظلومی و مقتول، حضرت علی علیه السلام فرمود یا رسول الله این با سلامتی دین من است؟ فرمود؛ در سلامت دین تو باشد ای علی تو هرگز گمراه نشوی و نلغزی و اگر تونبازی حزب خدا پس از من شناخته نشود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۶۸)

[۲۲۴]. ام سلمه زوجہ پیغمبر شنید کہ:

یکی از نزدیکانش به علی بد می گوید و او را گم می شمارد، او را خواست و به او گفت؛ فرزندم به من خبر رسیده که تو علی علیه السلام را کم می شماری و به او بد می گوئی؟ گفت مادر جان آری! فرمود مادرت به عزایت بگیرد بنشین تا حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم برایت بگویم تا در کار خود تجدید نظر کنی، ما نه زن بودیم در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک شب و روز نوبت من بود که پیغمبر پنجه در پنجه علی و دست بر شانه او داشت، وارد حجره من شد و فرمود؛ از اطاق بیرون شو و ما را تنها گذار، من بیرون رفتم و آنها مشغول رازگفتن شدند صدای آنها را می شنیدم ولی نمی فهمیدم چه می گویند تا به نظرم روز نیمه شد و آمدم پشت در و گفتم یا رسول الله اجازه ورود دارم؟ فرمود نه و من یکگه سختی خوردم از ترس اینکه از خشمش مرا رد کرده باشد یا آیه ای درباره من نازل شده باشد. درنگی کردم، بار دوم پشت در آمدم و اجازه ورود خواستم و فرمود نه یکگه سخت تری خوردم و درنگی کردم و برای بار سوم اجازه خواستم، رسول خدا فرمود ای ام سلمه وارد شو من وارد شدم. علی برابر او زانو زده بود و عرض می کرد



یا رسول الله پدر و مادرم قربانت چون چنین و چنان شود به من چه دستوری می‌دهی؟ فرمود؛ دستور صبر است دوباره پرسید فرمود صبر، در مرتبه سوم فرمود یا علی ای برادر، چون چنین کنند شمشیر خود بکش و برشانه گذار و بز و پیشرو تا مرا ملاقات کنی و شمشیرت از خونشان بچکد سپس روبه من کرد و فرمود ای ام سلمه چرا افسرده ای؟ عرض کردم برای اینکه مرا رد کردید، فرمود بخاطر دلتنگی از توردت نکردم تو در نظر خدا و رسولش نیکوئی ولی چون آمدی جبرئیل سمت راست من بود و علی سمت چپم و جبرئیل گزارش پیشامدهای پس از من را به من می‌داد و به من سفارش می‌کرد که آنها را به علی وصیت کنم. ای ام سلمه بشنو و گواه باش که؛ این علی بن ابیطالب (علیه السلام) وزیر من است در دنیا و وزیر من است در آخرت، ای ام سلمه بشنو و گواه باش این علی بن ابیطالب پرچمدار من است در دنیا و پرچمدار من است در قیامت، ای ام سلمه بشنو و گواه باش، این علی بن ابیطالب وصی و خلیفه من است پس از من و عمل کننده به وعده‌های من است و رد کننده ناهلان از حوض من است، ای ام سلمه بشنو و گواه باش این علی بن ابیطالب سید مسلمانان و امام متقیان و پیشوای دست و روسفیدان و کشنده ناکثان و قاسطان و مارقان است.

گفتم؛ یا رسول الله ناکثان کیانند؟

فرمود؛ آنها که در مدینه بیعت کنند و در بصره بشکنند.

گفتم؛ قاسطان کیانند؟

فرمود؛ معاویه و اصحاب شامی وی.

گفتم مارقان کیانند؟

فرمود اصحاب نهروان.

آنگاه آن وابسته ام سلمه گفت عقده دل مرا گشودی خدا به تو خیر



دهد به خدا هرگز به علی علیه السلام بد نگویم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۸۱)

[۲۳۵]. علی بن ابیطالب علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من شهر حکمتم که بهشت است و توای علی درآنی و چگونه کسی  
ره به بهشت برد جز از درش.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۸۸)

[۲۳۶]. از حضرت فاطمه سلام الله علیها نقل است:

فاطمه سلام اله علیها خدمت پیغمبر رسید و از ضعف حال خود نام  
برد، پیغمبر به او فرمود؛ تونمی دانی علی چه مقامی نزد من دارد؟  
دوازده سال داشت که کارهای مرا اداره می کرد،  
در شانزده سالگی برابرم شمشیرزد،  
نوزده سالگی پهلوان ها را کشت،  
در بیست سالگی هم و غم مرا برطرف کرد،  
بیست و دو ساله بود که در خیبر را از جا برداشت که پنجاه مرد نمی  
توانستند آن را بردارند؛

چهره فاطمه از شادی برافروخت و سرپای خود قرار نداشت تا نزد علی  
برگشت و به او گزارش داد،  
علی در جوابش فرمود؛ چه حالی داشتی اگر همه تفضلات خدا را بر من  
برایت باز می گفت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۹۹)

[۲۳۷]. رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین فرمود:

آنچه برایت گویم بنویس عرض کرد؛ یا رسول الله می ترسی فراموش  
کنم؟



فرمود؛ از فراموشی بر تو ترسی ندارم چون از خدا خواستم که تو را حافظه دهد و فراموشی نکند ولی برای همکاران خود بنویس؛

علی گوید عرض کردم همکارانم کیانند؟

فرمود امامان از فرزندانست که به واسطه آنها امت از باران بنوشند و دعایشان مستجاب شود و به واسطه آنها خدا بلا را از ایشان بگرداند و به وسیله آنها رحمت از آسمان نازل شود و این اول آنهاست (با دست خود به حسن اشاره کرد بعد به حسین) سپس فرمود امامان از فرزندان اویند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۰۱)

[۲۲۸]. امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عزوجل نامه ای پیش از مرگ پیغمبر بر او نازل کرد و فرمود ای محمد این نامه وصیت تو است به نجیب از خاندانت.

گفت ای جبرئیل نجیب خاندانم کیست؟

در جواب گفت علی بن ابیطالب و بر آن نامه مهرهائی طلائی بود.

پیغمبر آن را به علی علیه السلام داد و فرمود یکی از آن مهرها را بردارد و بهره در آن است عمل کند. يك مهر را برداشت و بدانچه در آن بود عمل کرد. سپس آن را به پسرش حسن علیه السلام داد او هم مهری برداشت و به آنچه در آن بود عمل کرد.

سپس آن را به حسین علیه السلام داد و مهری برداشت و در آن یافت که جمعی را بیرون بر برای شهادت که جز با تو شهادت بهره آنها نیست و خود را بخدا بفروش و همین کار را کرد.

سپس آن را به علی بن الحسین علیه السلام داد و مهری گشود و در آن یافت که خاموش باش و گوشه منزل بنشین و عبادت خدا کن تا مرگت در رسد همین کار را انجام داد.



و آن را به محمد بن علی علیه السلام داد و مهری برداشت و در آن یافت که برای مردم حدیث بگو و فتوی بده و جزاز خدا مترس که احدی را بر تو تسلط نیست

سپس آن را بمن داد و مهری گشودم و در آن یافتم که برای مردم حدیث بگو و فتوی بده و علوم اهل بیت را منتشر کن و گفتار پدران را تصدیق کن و از احدی جز خدا ترس تو در حرز و امانی من این کار کردم و آن را به موسی بن جعفر می دهم و او همچنان او را به امامی که پس از او است می دهد و همیشه چنین است تا قیام مهدی علیه السلام.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۰۲)

[۲۲۹]. امام صادق علیه السلام فرمود: که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من سید پیغمبرانم و وصی من سید اوصیاء و اوصیاءیم، سادات اوصیایند آدم از خدا خواست که وصی نیکی به او دهد خدا به او وحی کرد که من پیغمبرانی را به نبوت گرامی داشتم و خلق خود را برگزیدم و بهترین آنها را وصی نمودم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۰۲)

[۲۳۰]. ابن عباس گوید:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم بالای منبر می فرمود: (درباره اینکه به او خبر رسیده بود برخی از قریش انکار کردند که علی را امیرمؤمنان نامیده است) ای گروه مردم به راستی خدای عزوجل مرا بر شما رسول فرستاده و بمن دستور داده که؛ علی را بر شما امیر گذارم هلا هر که من پیغمبر اویم علی امیر او است. امارتی که خدا فرمان داده و به من امر کرده که به شما پیاموزم تا از او بشنوید و به دستور او عمل کنید و از آنچه او منع می کند به کنار روید. هان! احدی از شما بر علی امیر نباشد نه در زندگی من و نه پس از وفات



من زیرا خدا او را بر شما امیر کرده و او را امیرالمؤمنین نامیده و کسی پیش از او بدان نام نامیده نشده.

من آنچه دستور داشتم درباره علی به شما رسانیدم. هر که در آن مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که مرا نافرمانی کند خدای عزوجل را نافرمانی کرده و نزد خدا عذری ندارد و سرانجامش همان است که خدا در کتاب خود خبر داده:

﴿وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾

«و هر که نافرمانی خدا و رسول کند و تجاوز از حدود احکام الهی نماید او را به آتشی د رافکند که همیشه در آن معذب است و همواره در عذاب خواری و ذلت خواهد بود.»

(نساء / ۱۱۴)

[۲۳۱]. (امالی شیخ صدوق صفحه ۴۰۷)

زید بن ثابت گفت رسول خدا ﷺ فرمود؛ من بجا می گذارم در میان شما ثقلین را که کتاب خدای عزوجل و خاندانم باشند، هان آن هر دو خلیفه بعد از منند و از هم جدا نشوند تا در سر حوض بر من در آیند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۱۵)

[۲۳۲]. (پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

مژده باد ای علی! جبرئیل بر من وارد شد و گفت: ای محمد، خداوند به اصحاب نظر افکند و پسر عمویت را یافت و علی بهترین یارانت را برای همسری دخترت فاطمه برگزید و او را وصی و جانشینت قرار داد.

(بحار الانوار ج ۳۱ ص ۴۴۱)



[۲۳۳]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

هر کس که بخواهد به علم آدم و تقوای نوح و حلم ابراهیم و هیبت موسی و عبادت عیسی نظر کند پس باید به علی بن ابی طالب بنگرد.  
(بحارالانوار ج ۳۹ ص ۳۹)

[۲۳۴]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

اگر درختان قلم شوند و دریا مرگب شود و جن حسابگر گردد و همه انسان ها نویسنده شوند نمی توانند فضائل علی بن ابیطالب (علیه السلام) را احصاء نمایند.

(نهج الحق صفحه ۲۳۱)

[۲۳۵]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

ایمان عبد مقبول نیست مگر به ولایت علی و دوری جستن از دشمنان علی.  
(نهج الحق صفحه ۲۳۲)

[۲۳۶]. فاطمة زهرا (علیها السلام) فرمود:

سعادت مند کامل و حقیقی کسی است که علی را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.

(مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۲)

[۲۳۷]. پیامبر اکرم ﷺ به علی (علیه السلام) فرمود:

هر کس تو را دوست بدارد، روز قیامت هم درجه پیامبران خواهد بود و هر کس در حال دشمنی و بغض با تو بمیرد، گویی یهودی یا مسیحی از دنیا رفته است.

(بحارالانوار ج ۲۷ ص ۷۹)

[۲۳۸]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

دیدم بر در بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول خداست



و علی حبیب خدا.

(بحار ج ۲۷ ص ۴)

[۲۳۹]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

اگر آسمان ها و زمین در کفّه ای از ترازو و ایمان علی در کفّه دیگر آن قرار گیرد همانا ایمان علی سنگین تر خواهد بود.

(بحار الانوار ج ۳۱ ص ۱۳۳)

[۲۴۰]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

تو بعد از من امام و ولی هر مؤمن و مؤمنه ای هستی.

(بحار الانوار ج ۲ ص ۴۵)

[۲۴۱]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

من سرای بهشتم و علی در آن است؛ ای علی! دروغ می گوید کسی که فکر می کند می تواند از غیر در آن، وارد بهشت شود.

(بحار الانوار ج ۴ ص ۲۰۰)

[۲۴۲]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان، (علی) بهتر از آن دو است.

(بحار الانوار ج ۳۹ ص ۹۰)

[۲۴۳]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

نگاه کردن به علی عبادت است.

(بحار الانوار ج ۳۸ ص ۱۹۵)

[۲۴۴]. ابن عباس گفت پیغمبر ﷺ فرمود:

براستی علی وصی و خلیفه و همسرش فاطمه سیده زنان جهان دختر من است،



حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشتند و پسران منند؛  
هر که آنها را دوست دارد مرا دوست داشته و هر که آنها را دشمن دارد  
مرا دشمن داشته؛

هر که آنها را دور کند مرا دور کرده و هر که به آنها جفا کند به من  
جفا کرده؛

هر که به آنها نیکی کند به من نیکی کرده؛  
خدا پیوست کند با هر که به آنها بیبوند و ببرد از هر که از آنها بریده؛  
یاری کند هر که آنها را یاری کرده و کمک دهد به هر که آنها را  
کمک داده؛

واگذار دارد هر که آنها را واگذارده؛  
خدایا هر کدام از پیغمبران و رسولانث ثقلی داشتند و خاندانی و علی و  
فاطمه و حسن و حسین اهل بیت و ثقل منند،  
ببراز آنها پلیدی را و بخوبی پاکشان کن.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۳)

[۳۴۵]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که خرسند است که خدا همه خیر را برایش فراهم کند باید پس از  
من علی را دوست دارد و دوستانش را و با دشمنانش دشمن باشد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۳)

[۳۴۶]. رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی هر که مرا و تورا و امامان از اولاد تورا دوست دارد خدا را حمد  
کند بر حلال زادگی زیرا دوست ندارد ما را مگر حلال زاده و دشمن ندارد  
ما را مگر حرامزاده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۵)



[۲۴۷]. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود من سید اولاد آدمم و ای علی تو و امامان بعد از تو سادات امت من هستید.

هر که ما را دوست دارد خدا را دوست داشته و هر که ما را دشمن دارد خدا را دشمن داشته

و هر که به ولایت ما باشد به ولایت خداست و هر که دشمن ماست دشمن خدا است

و هر که فرمان ما برد خدا را فرمان برده و هر که نافرمانی ما کند خدا را نافرمانی کرده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۶)

[۲۴۸]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

چون مرا به آسمانی بردند پرورد گارم درباره علی (ع) به من سه کلمه سفارش کرد فرمود ای محمد گفتم لبیک ربی، فرمود علی امام متقیان و پیشوای دست و روسفیدان و سرور مؤمنان است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۶)

[۲۴۹]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

صدیقان سه دسته اند: حبیب نجار، مؤمن آل یاسین که می گوید پیروی کنید از رسولان و پیروی کنید از کسانی که مزدی از شما نمی خواهند و رهبرند و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابیطالب که بهتر همه است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۶)

[۲۵۰]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

محبوبترین خاندانم و برترین کسی که پس از خود گذارم علی بن

ابیطالب است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۷)

[۲۵۱]. سلمان فارسی رضی الله عنه گفت:

هنگام مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خدمتش رسیدم، فرمود؛ علی بن ابیطالب بهترین کسی است که پس از خود بجا گذاردم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۷)

[۲۵۲]. سلمان فارسی گفت شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:

ای گروه مهاجر و انصار شما را راهنمایی نکنم به چیزی که اگر بدان متمسک شدید هرگز پس از من گمراه نشوید؟  
گفتند: چرا یا رسول الله،

فرمود؛ این برادرم و وصیم و وزیرم و وارثم و خلیفه ام امام شما است او را بخاطر من دوست دارید و بخاطر من گرامی دارید که جبرئیل بمن دستور داده این را به شما بگویم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۷)

[۲۵۳]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شما را به چیزی ره ننمایم که تا آن را دلیل خود گیرید هلاک نشوید و گمراه نشوید؟  
گفتند چرا یا رسول الله،

فرمود امام شما و ولی شما علی بن ابیطالب است پشتیبان او باشد و خیرخواه او، او را تصدیق کنید که جبرئیل مرا بدان دستور داده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۷)

[۲۵۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خدای عزوجل درباره علی به من سفارش کرد و گفتم توضیح بده



فرمود گوش بده، عرض کردم گوش دارم فرمود؛ براستی علی علیه السلام پرچم هدایت است، پیشوای دوستانم و نور هر که مرا اطاعت کند و او است کلمه ای که متقیان بدان چسبند هر که دوستش دارد دوستم داشته و هر که فرمانش برد فرمانم برده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۸)

[۲۵۵]. امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چون خدای تبارک و تعالی پیغمبرش را به معراج برد فرمود ای محمد چون نوبت بسر رسید و عمرت تمام شد پس از خودت چه کسی را رهبر امت نمودی؟

گفتم؛ پروردگارا من آزمایش کردم و از علی بن ابیطالب مطیع تر نیافتم برای خودم، خدا فرمود برای من هم چنین است.

ای محمد پس کی است برای (رهبری) امت تو؟ گفتم پروردگارا من آزمایش کردم خلق تو را و کسی بیشتر از علی مرا دوست ندارد. خدای عزوجل فرمود نسبت به من هم چنین است.

ای محمد، به او اعلام کن که او پرچم هدایت و پیشوای دوستان من و نور کسانی است که مرا فرمان برند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۸)

[۲۵۶]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

شبی که مرا به معراج بردند پروردگارم به من فرمود ای محمد عرض کردم لبیک پروردگارا؛ فرمود علی پس از توحجت من است بر خلقم و امام هر که فرمانم برد، هر که فرمانش برد فرمانم برده و هر که نافرمانیش کند نافرمانیم کرده، او را امام امت خود کن، که پس از توبه او رهبری شوند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۹)



[۲۵۷]. جبرئیل بر پیغمبر ﷺ نازل شد و گفت:

ای محمد (ﷺ) خدایت سلام می رساند و می فرماید؛ من هفت آسمان و آنچه در آنهاست و هفت زمین و آنچه بر آنهاست آفریدم و جائی عظیم ترا از رکن و مقام نیافریدم. و اگر بنده ای در آنجا مرا بخواند از روزی که آسمان ها و زمین ها را آفریدم ولی منکرو لایت علی باشد و مرا ملاقات کند او را به رودر سقر اندازم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۸۴)

[۳۵۸]. ابن عباس گفت:

يك روز رسول خدا ﷺ نشسته بود و علی و فاطمه و حسنین نزد او بودند گفت خدایا تو می دانی اینان اهل بیت منند و گرامی ترین مردم نزد من، دوستشان را دوست دار، دشمنشان را دشمن دار. مهربانی کن با مهربانان به آنها و بد دار بدخواه آنها را. کمک کن کمک کار آنها را و آنها را از پلیدی پاك كن و معصوم دار از هر گناهی و به روح القدس مؤید دار.

ای علی تو امام امت منی و بر آنها پس از من خلیفه ای

تو پیشرو اهل بهشتی و گویا من می نگرم دخترم فاطمه را که روز قیامت براسبی از نور سوار است و از طرف راستش هفتاد هزار فرشته و از چپش هفتاد هزار و جلور و دنبالش هر کدام هفتاد هزار فرشته باشد و زنان امت را به بهشت رهبری کند هر زنی در شبانه روز پنج بار نماز بخواند و ماه رمضان را روزه دارد و حج خانه خدا کند و زکوة مالش را بپردازد و شوهرش را اطاعت کند و پس از من پیرو علی باشد به شفاعت دخترم فاطمه به بهشت رود و او سیده زنان عالمیان است.

عرض شد یا رسول الله او سیده زنان عالم خود است؟

فرمود او مریم دختر عمران بود. اما دخترم فاطمه بانوی زنان عالم است



از اولین و آخرین و او است که چون در محرابش بایستد هفتاد هزار فرشته مقرب براو سلام دهند و ندائی که به مریم کردند به او کنند و گویند ای فاطمه براستی خدا تورا برگزید و پاک کرد و برگزید بر زنان جهانیان، سپس روبه علی کرد و فرمود؛ ای علی فاطمه پاره تن من است و نور دیده من و میوه دلم. بد آیدم آنچه او را بد آید و شادم از شادیش و او اول کسی است از خاندانم که بمن رسد، پس از من با او خوبی کن حسن و حسین دو پسر من و دو گل ریحان منند و هر دو سید جوانان اهل بهشتند باید پیش تو چون گوش و چشمت عزیز باشند سپس دست به آسمان برداشت و گفت بار خدایا گواه باش که من دوستدار دوست آنها و دشمن دشمن آنها و سازش کار با سازش کننده آنها و نبرد کن با نبرد کننده با آنهایم و دشمنم با هر که بدخواه آنهاست و دوستم با هر که آنها را دوست دارد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۷۷)

[۲۵۹]. انس گوید که پیغمبر ﷺ فرمود:

علی است که هر چه ائمت در آن اختلاف کنند برای آنها بیان کند بعد از من.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۹۱)

[۲۶۰]. ابن عباس گفت:

ما در انجمنی از اصحاب خدمت رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که رسول خدا با گوشه چشم به آسمان اشاره کرد و ما نگاه کردیم ابری آمد و رسول خدا آن را دوبار بسوی خود خواند و آمد و رسول خدا بر دو پا ایستاد و دست میان آن کرد تا سفیدی هر دو زیر بغلش نمایان شد و از میان آن جام سپیدی پر از خرمای تازه در آورد، پیغمبر از آن خورد و آن جام در کف او تسبیح گفت آن را به علی بن ابیطالب داد و علی از او خورد و جام در کف

علی هم تسبیح گفت، مردی گفت یا رسول الله از جام تناول کردی و آن را به علی دادی! آن جام به اذن خدا به سخن آمد و گفت لا اله الا الله خالق الظلمات و النور ای مردم بدانید که من هدیه صادق هشتم بسوی پیغمبر ناطق و از من نخورد جز پیغمبر یا وصی پیغمبر.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۴۹۲)

[۲۶۱]. روزی رسول خدا ﷺ سواره بیرون شد و علی همراهش پیاده می‌رفت فرمود:

ای ابا الحسن یا سوار شویا برگرد، زیرا خدا به من دستور داده که تو سوار شوی چون سواره ام و پیاده باشی چون پیاده ام و بنشینی چون نشسته‌ام جز در اقامه حد الهی که باید در آن نشست و برخاست کنی.

خدا به من کرامتی نداده جز آنکه مانندش را بتوداده. مرا به نبوت و رسالت مخصوص کرده و تو را در آن ولی من ساخته که حدودش را بپاداری و در مشکلاتش قیام کنی.

قسم به آنکه مرا بر راستی مبعوث به نبوت کرده، به من ایمان ندارد کسی که منکر تو است و به خدا ایمان ندارد، کسی که کافر به تو است فضل تواز فضل من است و فضل من از خداست و آنست معنی قول خدای عزوجل.

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾

«ای رسول به خلق بگو شما باید منحصرأً به فضل و رحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که بر خود اندوخته می‌کنید.»

(یونس / ۵۸)

فضل خدا نبوت پیغمبر شماست و رحمتش ولایت علی بن ابیطالب است. فرمود به نبوت و ولایت باید شاد باشند یعنی شیعه، آن بهتر است از آنچه جمع کنند یعنی مخالفین جمع کنند از اهل و مال و فرزند در دار



دنیا یا علی به خدا تو آفریده نشدی مگر برای آنکه خدا پرستیده شود و به وسیله تو معالم دین شناخته شود و راه کهنه اصلاح گردد، هر که از تو گمراه است، گمراه است و راهی بخدا ندارد، کسی که راهی بتو ولایت تو ندارد و این است گفتار پروردگارم عزوجل:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾

«و حقیقتاً که من بسیار بخشنده هستم کسی را که توبه کند و ایمان و عمل صالح و طلب هدایت داشته باشد.»

(۸۲/۵۵)

یعنی به ولایت تو، پروردگارم تبارک و تعالی به من دستور داده که همان حقّی که برای من مقرر شده برای تو مقرر کنم، حق تو واجب است بر هر که بمن ایمان آورده.

یا علی اگر نبودی حزب خدا شناخته نمی شد، بوسیله تو دشمن خدا شناخته شود و هر که بدون ولایت تو خدا را ملاقات کند چیزی ندارد و

خدای عزوجل بمن نازل کرد

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾

«ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را به هیچ راه موفقیتی راهنمائی نخواهد کرد.»

(مائده/۶۷)

(مقصود ولایت تو است) ای علی، و اگر نرسانی تبلیغ رسالت نکردی

اگر نرسانده بودم آنچه دستور داشتم از ولایت تو عملم حبط می شد و هر که خدا را بی ولایت تو ملاقات کند عملش حبط است این وعده ای است که برای من منجز است، من نگویم جز آنچه پروردگارم گوید و آنچه گویم از طرف خدای عزوجل گویم که درباره تونازل کرده است. (امالی شیخ صدوق صفحه ۴۹۴)

[۴۶۲]. امام صادق (ع) فرمود:

اول نماز جماعتی که رسول خدا خواند تنها امیرالمؤمنین با او بود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۰۸)

امام رضا (ع) فرمود: آنجا که خدا خلقِ پاک خود را امتیاز داد و به پیغمبرش دستور مباحله داد. در آیه مباحله فرمود:

﴿قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

«بگوای محمد، بیایید دعوت کنیم پسران ما را و پسران شما را و زنان ما را و زنان شما را و خود ما را و خودتان را و مباحله کنیم و لعنت خداوند را بر دروغگویان سازیم.»

(مائده/۶۱)

پیغمبر علی و حسن و حسین و فاطمه را بیرون برد و خود را با آنها قرین نمود؛ می دانید معنی گفته خدا (انفسنا و انفسکم) چیست؟ علمای حاضر گفتند مقصود خود او است، ابوالحسن (ع) فرمود خطا رفتید مقصودش علی بن ابیطالب است و دلیلش آن است که پیغمبر فرمود «بنو ولیعه» دست بردارند وگرنه بر سر آنها فرستم شخصی را که چون خود من است، مقصودش علی بن ابیطالب (ع) بود این خصوصیتی است که احدی از آن پیش نیفتد و فضلی است که بشری بدان نرسد و شرافتی است که فوق آن



برای آفریده ای نباشد که علی را چون خود نموده.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۲۵)

[۲۶۳]. ابوذر غفاری گفت:

يك روز در مسجد قبا نزد رسول خدا ﷺ بودیم در جمعی از اصحابش که فرمود؛ ای گروه اصحابم از این در مردی بر شما در آید که امیرمؤمنان و امام مسلمانان است. همه به آن در نگاه کردند و من هم در ضمن نگاه کردم دیدیم علی بن ابیطالب (علیه السلام) نمودار شد و پیغمبر برخاست و از او استقبال کرد و او را در آغوش کشید و میان دو چشمش را بوسید و او را آورد و پهلوی خود نشانید و روی کریم خود را بما کرد و فرمود؛

این علی پس از من امام شما است طاعتش طاعت من است و نافرمانیش نافرمانی من و طاعت من طاعت خداست و نافرمانیم نافرمانی خدای عزوجل.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۱)

[۲۶۴]. رسول خدا ﷺ فرمود:

به راستی خدای تبارك و تعالی بمن وحی کرد که برایم از اتمم برادر و وارث و خلیفه و وصی مقرر سازد، عرض کردم پروردگارا او کیست؟ وحی کرد ای محمد او امام امت و حجتم بر آنها است پس از تو، عرض کردم کیست؟

وحی کرد ای محمد آنکه من او را دوست دارم و او مرا دوست دارد، آنکه مجاهد در راه من است و با ناکثان در عهدهم و قاسطان در حکم و مارقان از دینم نبرد کند او به درستی ولی من است و شوهر دخترت و پدر فرزندان علی بن ابیطالب است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۷)



[۲۶۵]. ابا امامه می گفت:

هرچه علی علیه السلام می فرمود در آن شك نداشتیم برای آنکه از پیغمبر شنیده بودیم که می گفت علی بعد از من خزینۀ اسرار من است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۸)

[۲۶۶]. زر بن حبیش گفت:

علی سوار بر شتر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عبور می کرد، سلمان با جمعی از رجال نشسته بود و به آنها گفت بپا نخیزید و از او پرسش کنید؟ قسم به آنکه دانه را شکافد و انسان را بر آفریند جز او کسی به اسرار پیغمبر شما خبر ندهد. او دانشمند روی زمین و ربّانی آن است و آرامش با او است و اگر او را از دست بدهید دانش را از دست داده اید و (احوال) مردم را نشناسید.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۸)

[۲۶۷]. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

بهترین قاضی و دانشمندترین فرد اُمّت پس از من علی است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۸)

[۲۶۸]. امام حسن از قول پیامبر فرمود:

چون در روز وحی به پیغمبر می رسید شب نشده بود که آن را به علی گزارش می داد و اگر شب وحی می رسید صبح نمی کرد تا آن را به علی علیه السلام خبر می داد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۸)

[۲۶۹]. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دوست ترین برادرانم نزد من علی بن ابیطالب علیه السلام است و دوست ترین عموهایم حمزه است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۵۳)



[۴۷۰]. پیغمبر ﷺ به علی فرمود:

ای علی هر که از تو جدا شود از من جداست و هر که از من جداست از خدای عزوجل جداست.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۴۸)

[۴۷۱]. عبدالله بن عباس گوید:

پیامبر ﷺ سخت گرسنه شد و آمد به پرده کعبه در آویخت و فرمود ای پروردگار محمد، محمد را بیش از این گرسنه مدار، جبرئیل فرود آمد و بادامی برایش آورد و گفت یا محمد خدای جلّ جلاله سلام می رساند و می فرماید این بادام را باز کن، آن را باز کرد، بناگاه در آن برگ سبز و خرمی دید، بر آن نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله. محمد را به علی کمک دادم و او را به وی یاری کردم به انصاف درباره خدا قضاوت نکرده کسی که خدا را در سرنوشت خود متهم دارد و در روزی دادن به وی کاهل شمرد.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۵۴)

[۴۷۲]. رسول خدا ﷺ فرمود:

من سید پیغمبرانم و علی بن ابیطالب سید اوصیاء است و حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت و امامان بعد از آنها سادات متقیان دوست ما دوست خدا است و دشمن ما دشمن خدا، طاعت ما طاعت خداست و نافرمانی ما نافرمانی خدای عزوجل و حسبنا الله و نعم الوکیل.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۵۸)

[۴۷۳]. ابی سعید خدری گوید:

از رسول خدا راجع به آیه:

﴿قَالَ نَكِرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ﴾

«آنگاه سلیمان گفت تخت بلقیس را بر او ناشناس گردانید تا بنگریم

که وی سریر خود را خواهد شناخت.»

(سوره نمل / ۴۱)

آنکه نزد او علم کتاب بود، پرسیدم فرمود او وصی برادرم سلیمان بن

داود بود گفتم یا رسول الله در گفتار دیگر خدای عزوجل

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ

بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾

«و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی بگو گواه بین من

و شما خدا و عالمان حقیقی به کتاب خدا کافی خواهد بود.»

(سوره رعد / ۴۴)

فرمود مقصود از آن برادرم علی بن ابیطالب است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۶۴)

[۲۷۴]. ابن عباس گفت:

يك شب نماز عشاء را با رسول خدا ﷺ خواندیم و چون سلام داد

بما رو کرده و فرمود امشب با سپیده دم اختری از آسمان در خانه یکی

از شماها سقوط کند و هر که باشد او وصی و خلیفه و امام بعد از من

است، نزدیک سپیده دم هر کدام در خانه خود نشستیم و انتظار سقوط

اختر را داشتیم و کسی که بیشتر در آن طمع داشت پدرم عباس بود و چون

سپیده دمید آن اختراز جا کنده شد و در خانه علی بن ابیطالب سقوط

کرد، رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود؛ ای علی قسم به کسی که مرا

به نبوت مبعوث کرده وصیت و خلافت و امامت پس از من برای تو لازم

شد ، منافقان که عبدالله بن ابی و یارانش بودند گفتند محمد در محبت

عموزاده اش گمراه شده و درباره او از روی وحی سخن نمی کند و لذا



خدای تبارک و تعالی نازل کرد:

﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ﴾

«قسم به ستاره چون فرود آید»

(نجم/۱)

خدای عزوجل می فرماید:

﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ \* مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾

«قسم به ستاره چون فرود آید \* که صاحب شما گمراه و فاسق نیست»

(نجم/۱)

یعنی در محبت علی بن ابیطالب و از راه بدر نرفته

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾

«و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید \* سخن او غیر وحی خدا نیست»

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۶۵)

[۲۷۵]. ابوسعید گفت:

روز غدیر رسول خدا ﷺ دستور داد منادی ندای نماز جماعت داد و پیغمبر دست علی را گرفت و فرمود هر که را من آقا و مولا هستم این علی آقا و مولای اوست، بار خدایا دوستش را دوست دار و دشمنش را دشمن دار؛ حسان بن ثابت گفت یا رسول الله درباره علی شعری بگویم؟ فرمود بگو، و حسان شعری به این مناسبت سرود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۷۵)

[۲۷۶]. رسول خدا می فرمود:

علی بن ابیطالب و امامان اولادش پس از من سادات اهل زمین و پیشوایان دست و روسفیدان باشند در قیامت.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۲)

[۲۷۷]. عایشه گفت:

از رسول خدا ﷺ شنیدم می فرمود من سید اولین و آخرینم و علی بن ابیطالب سید اوصیاء و او برادر من و وارث و خلیفه من است برائتم، ولایتش فریضه است و پیرویش فضیلت و محبتش وسیله (تقرّب) به خدا، حزب او حزب خدایند و شیعه او انصار خدا و اولیای او اولیاء خدا و دشمنان او دشمنان خدا و او امام مسلمانان و مولای مؤمنان و امیر آنان است بعد از من. (امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۳)

[۲۷۸]. پیغمبر ﷺ فرمود:

هر که دوست دارد به « قضیب احمر » بنگرد که خدا به دست خود نشانده و به او متمسک باشد باید علی و امامان از فرزندان او را دوست دارد که بهترین خلقتند و برگزیده او و آنان معصوم از هر گناه و خطا می باشد. (امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۳)

[۲۷۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که علی را در زندگی و پس از شهادت دوست داشته باشد خدای عزوجل برایش امن و ایمان نویسد تا آنجا که آفتاب بتابد و غروب کند و هر که او را در زندگی و پس از شهادت دشمن دارد به مرگ جاهلیت بمیرد و بدانچه کند محاسبه شود.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۳)

[۲۸۰]. رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی دوستی تو در دل مؤمنی پا برجا نشود که قدمش بر صراط بلغزد بلکه قدمش ثابت باشد تا خدای عزوجل او را به دوستی توبه بهشت برد. (امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۳)

[۲۸۱]. امام ششم از قول پدرانش فرمود:

چون پیغمبر به مرض موت گرفتار شد، خاندان و یارانش گردش را



گرفتند و عرض کردند یا رسول الله اگر حادثه ای برای شما رخ داد پس از تو سرپرست ما کیست و چه کسی در میان ما به امر شما قیام کند هیچ جوابی به آنها نداد و سکوت کرد، روز دوم همین را گفتند و جواب پرسش آنها را نداد باز روز سوم سؤال خود را تکرار کردند، فرمود فردا ستاره ای از آسمان در خانه یکی از اصحابم فرود آید بنگرید چه کسی است پس او خلیفه من است بر شما بعد از من و قائم به امر من است در میان شما، همه طمع داشتند که او را خلیفه کند و روز چهارم هر کدام در حجره خود نشستند و منتظر فرود آمدن ستاره بودند، بناگاه ستاره ای از آسمان کنده شد که نورش بر نور دنیا چیره بود و در حجره علی (علیه السلام) افتاد، قوم به هیجان آمدند و گفتند به خدا این مرد گمراه است و از راه بیرون است و درباره عمو زاده اش از روی هوای نفس سخن کند و خدای تبارک و تعالی در این باره نازل کرد که سوگند به ستاره وقتی فرود آید، گمراه نیست صاحب شما و از راه بدر نیست همانا آن وحی است که وحی شده تا آخر سوره.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۴)

[۲۸۲]. پیغمبر (علیه السلام) فرمود:

به راستی حلقه در بهشت از یاقوت سرخی است بر صفحه ای از طلا و چون حلقه را بر در کوبند بانکی برآورد و گوید یا علی.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۸۸)

[۲۸۳]. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

چون پیغمبر را به معراج بردند رسید بدانجا که خدای تبارک و تعالی خواست با او مناجات کند، وقتی به آسمان چهارم برگشت، او را ندا کرد ای محمد، عرض کرد لبیک ربی، فرمود؛ کدام از امت را برگزیدی که پس از تو خلیفه ات باشد؟ عرض کرد تو برایم انتخاب کن که اختیار از



تو باشد فرمود من برایت علی بن ابیطالب را برگزیدم که مختار تو است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۹۱)

[۲۸۴]. موسی بن جعفر علیه السلام می فرمود:

در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود فرشته ای بر او وارد شد که بیست و چهار هزار وجه داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود حبیبم جبرئیل تو را در این صورت ندیده ام، فرشته عرض کرد من جبرئیل نیستم من محمود، خدا مرا فرستاده که نور را به نور تزویج کنم فرمود؛ چه کسی را به چه کسی؟ عرض کرد فاطمه را به علی علیه السلام فرمود چون آن فرشته برگشت میان دو کتفش نوشته بود محمد رسول الله علی وصیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود از چه وقت این نوشته است میان دو شانه ات؟ گفت بیست و دو هزار سال پیش از آن که خدا آدم را خلق کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۵۹۲)

[۲۸۵]. امام باقر علیه السلام می فرمود:

خدای عزوجل به محمد وحی کرد ای محمد من تو را آفریدم و چیزی نبودی و از روح خود در تو دمیدم و تو را گرامی داشتم که طاعت تو را بر همه خلق لازم دانستم هر که تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که تو را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده آن را درباره علی و در نسل او که مخصوص بخود کردم واجب نمودم.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۰۴)

[۲۸۶]. ابوطالب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت:

ای برادرزاده آیا تو را خدا فرستاده؟ گفت آری گفت به من نشانه ای بده و این درخت را برایم دعوت کن آن را دعوت کرد و آمد در برابرش به خاک افتاد و برگشت، ابوطالب گفت من گواهی دهم که تو راست می



گوئی ای علی به عموزاده ات پیوند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۱۴)

[۲۸۷]. ابن عباس می گوید:

چون رسول خدا بیمار شد انجمنی از اصحابش نزد او بودند و عمار بن یاسر از میان آنها برخاست و به او گفت یا رسول الله پدر و مادرم قربانت کدام ما تو را غسل دهیم اگر این پیشامد بوجود آمد؟  
فرمود: آن وظیفه علی بن ابیطالب است زیرا قصد حرکت دادن هر عضوی از من کند فرشتگان به او کمک کنند، عرض کرد؛ پدر و مادرم قربانت کی بر شما نماز می خواند در این پیشامد؟  
فرمود؛ خاموش باش خدایت رحمت کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۳۳)

[۲۸۸]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که دیگری از اصحاب مرا بر علی علیه السلام برتری دهد کافراست.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۶)

[۲۸۹]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که امامت علی را پس از من منکر شود چون کسی باشد که در زندگیم پیغمبری مرا منکراست و هر که پیغمبری مرا منکر باشد چون منکر ربوبیت پروردگار عزوجل خویش است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۶)

[۲۹۰]. رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی در خاندانم و در ائمتم، در زندگیم و بعد از مرگم، دوستت دوست من و دشمنت دشمن من است.  
ای علی من و تو دو پدر این ائمتیم، ای علی من و تو و امامان از فرزندان



سادات دنیا و ملوک آخرتیم هر که ما را شناسد خدا را شناخته و هر که منکر ما شود منکر خداست .

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۷)

[۳۹۱]. رسول خدا ﷺ فرمود:

خدای جلّ جلاله فرماید اگر همه مردم بروایت علی علیه السلام متفق بودند من دوزخ را نمی آفریدم .

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۷)

[۳۹۲]. رسول خدا ﷺ فرمود:

جبرئیل شاد و خرم نزد من آمد، به او گفتم؛ در این شادی بگو بدانم مقام برادر من علی بن ابیطالب علیه السلام نزد پروردگارش چون است ؟  
گفت ای محمد قسم به آنکه تو را به پیغمبری انگيخته و به رسالت برگزیده در این وقت فرود نیامدم مگر برای همین موضوع، ای محمد، علی اعلی تو را سلام می رساند و می فرماید محمد پیغمبر رحمت من است و علی مقیم حجت من، دوستدارش را عذاب نکنم گرچه گناه من ورزد و به دشمنش رحم نکنم گرچه فرمانم برد، ابن عباس گوید پیغمبر دنبال آن فرمود:

روز قیامت جبرئیل نزد من آید و لواء حمد را بدست دارد که هفتاد شقه دارد و هر شقه اش از خورشید و ماه پهن تر است، آن را به من دهد و من بگیرم و به علی بن ابیطالب علیه السلام دهم، مردی گفت یا رسول الله چطور علی تاب حمل آن را دارد و گفتم هفتاد شقه دارد که هر کدام از خورشید و ماه وسیع ترند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خشم کرد و فرمود ای مرد روز قیامت خدا به علی نیروی جبرئیل دهد و زیبایی یوسف و حلم رضوان و نزدیک به آواز داود اگر نبود که داود خطیب بهشت است آواز او را به وی می داد



علی اول کسی است که از سلسبیل زنجبیل نوشد و علی و شیعیانش نزد خدا مقامی دارند که اولین و آخرین بدان رشک برند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۸)

[۲۹۳]. **یک روز رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام که نزد او می آمد نگریست و به جمعی که گردش بودند فرمود:**

هر که خواهد به جمال یوسف و سیمای ابراهیم و بهجت سلیمان و حکمت داود نگرد باید به این (علی) نگاه کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۹)

[۲۹۴]. **رسول خدا ﷺ فرمود:**

علی از من است و من از او، نبرد کند خدا با هر که با علی نبرد کند؟ لعنت خدا بر هر که با علی مخالفت کند، علی بعد از من امام خلق است هر که بر علی علیه السلام تقدم جوید بر من تقدم جسته، هر که از او جدا شود از من جدا شده، هر که بر او دریغ کند بر من دریغ کرده، من سازگارم با هر که با او سازگار است، در نبردم با هر که با او در نبرد است، دوستم با هر که با او دوست است، دشمنم با هر که او را دشمن است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۹)

[۲۹۵]. **رسول خدا ﷺ فرمود:**

ای علی در قیامت تورا سوار درشکه ای از نور آورند و بر سرت تاجی است که چهار رکن دارد و هر رکنی سه سطر است لاله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، کلیدهای بهشت را بتودهند و تورا بر تخت معروف به «تخت کرامت» نشانند و همه اولین و آخرین بر یک پهنای زمین گرد تو باشند و تو دستور دهی که شیعه هایت را به بهشت برند و دشمن هایت را به دوزخ، توئی قسیم جنت، توئی قسیم دوزخ، کامجواست هر که دوست



دارد و زیانمند است هر که دشمنت دارد تو در آن روز امین خدا و حجت آشکار خدائی.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۷۰)

[۳۹۶]. جابر بن عبدالله انصاری گفت رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس یکی از اصحاب مرا بر علی علیه السلام برتری دهد محققاً کافر است

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۷۳)

[۳۹۷]. رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که با علی علیه السلام دشمنی کند با خدا نبرد کرده و هر که به علی علیه السلام شك کند کافر است.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۷۳)

[۳۹۸]. رسول خدا ﷺ فرمود:

دامن این «انزع» را بگیرد مقصود علی بود که صدیق اکبر و هم فاروق است و حق و باطل را جدا کند هر که دوستش دارد خدایش راهنمائی کرده و هر که دشمنش دارد خدا دشمن او است و هر که از او تخلف کند خدا نابودش کند و از او است دوسبط ائمت، حسن و حسین که دو پسر منند و از حسین است امامان برحق و رهبر که خدا علم و فهم مرا به آنها داده آنها را دوست دارید و جز آنها پناهگاهی نگیرید که خشم من شما را فرا گیرد و هر که خشم من او را بگیرد سقوط کرده و زندگی دنیا جز کالای فریب نیست.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۷۳)

[۳۹۹]. امام خمینی می گویند:

به خودشان قسم است - وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ عَظِيمٌ که اگر بشر پشت به پشت یکدیگر دهند و بخواهند یک لاله الا الله امیرالمؤمنین را بگویند



نمی‌توانند!

(چهل حدیث صفحه ۷۶)

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

«امام صادق علیه السلام فرمود: علی امیرالمؤمنین علیه السلام صراط مستقیم است.»

(معنی الاخبار ج ۲ ص ۳۲)

[۳۰۰]. امام خمینی در چهل حدیث می‌گویند:

ولایت اهل بیت عصمت و طهارت و دوستی خاندان رسالت علیهم السلام و عرفان مقام مقدس آنها امانت حق است؛ چنانچه در احادیث شریفه کثیره «امانت» را در آیه تفسیر فرموده‌اند به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و چنانچه غصب ولایت و سلطنت آن حضرت خیانت به امانت است، ترك تبعیت آن بزرگوار از مراتب خیانت است و در احادیث شریفه وارد است که شیعه کسی است که تبعیت کند؛ والا مجرد دعوی تشیع بدون تبعیت، تشیع نخواهد بود.

(چهل حدیث صفحه ۴۸۰)

[۳۰۱]. امام خمینی در چهل حدیث می‌گویند:

بسیاری خیالات از قبیل اشتباهی کاذب است! به مجرد آنکه در قلب خود دوستی از حضرت امیر علیه السلام و اولاد طاهرینش دیدیم، مغرور به این دوستی می‌شویم و گمان می‌کنیم با ترك تبعیت این دوستی محفوظ می‌ماند. چه اطمینان است که اگر انسان مراقبت نکرد و آثار دوستی را ترك کرد، این دوستی باقی بماند؟ ممکن است در آن فشارهای سكرات که از برای غیر مؤمنین و مخلصین می‌باشد انسان از دهشت و وحشت، علی بن ابی طالب علیه السلام، را فراموش کند. در حدیث است که يك طایفه از اهل

معصیت در جهنم معذب اند، و اسم رسول اکرم ﷺ را فراموش کنند؛ تا بعد از آنکه مدت عذاب سرآید و از قذارات گناه تطهیر و تخلیص شوند، اسم مبارک آن حضرت به یادشان آید به آنها القا شود؛ پس فریاد آنها به وامحمد! ﷺ بلند شود و مورد رحمت قرار گیرند.

(چهل حدیث صفحه ۴۸۰)

### [۳۰۲]. امام خمینی در چهل حدیث می گویند:

و از جمله احادیث مشهوره که گویند بین فریقین مشهور است این است که:

«حُبُّ عَلِيٍّ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ، وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ.»  
 «دوستی علی علیه السلام حسنه ای است که با آن هیچ گناهی ضرر نمی رساند؛ و بغض آن سرور گناهی است که هیچ نیکویی با آن نفع نبخشد.»

(چهل حدیث صفحه ۵۷۳)

### [۳۰۳]. ابوهده به گوید:

دیدم انس بن مالک دستمالی بر سر بسته از سبیش پرسیدم گفت؛ بر اثر نفرین علی بن ابیطالب است گفتم؛ چطور؟ گفت؛ من خدمتکار رسول خدا ﷺ بودم مرغ بریانی به آن حضرت هدیه کردند، پیامبر ﷺ فرمود خدایا دوست ترین مردم را نزد خودت و خودم برسان تا با من از این پرنده بخورد. علی علیه السلام آمد و من گفتم رسول خدا ﷺ کاری دارد و او را راه ندادم به انتظار اینکه یکی از قوم خودم برسد. باز رسول خدا ﷺ همان دعا را تکرار کرد و دوباره علی علیه السلام آمد و من همان را گفتم به انتظار مردی از قوم خودم. رسول خدا ﷺ برای بار سوم همان دعا را کرد و باز هم علی علیه السلام آمد و من همان را گفتم و علی فریاد برداشت که رسول خدا چه کاری دارد که مرا نمی پذیرد؟ آوازش به گوش پیغمبر رسید و فرمود



ای انس این کیست؟ گفتم؛ علی بن ابیطالب است. گفت به او اجازه بده. چون وارد شد فرمود؛ ای علی من سه بار بدرگاه خدا دعا کردم که محبوب ترین خلقت نزد او و خودم بیاید و با من از این پرده بخورد و اگر در این بار سوم نیامده بودی تو را به نام دعوت می کردم. عرض کرد: یا رسول الله من بار سوم است که آمدم و انس مرا برگردانده و می گفت؛ رسول خدا از پذیرش توبه کاری مشغول است. رسول خدا فرمود؛ ای انس چه تو را برای این کار داشت؟ عرض کرد؛ من دعوت تو را شنیدم و خواستم شامل یکی از قوم خودم شود. چون روز احتجاج برای خلافت شد علی مرا گواه خواست و کتمان کردم و گفتم: فراموش کردم علی دست به آسمان برداشت و گفت؛ خدایا انس را به يك پیزی بینداز که نتواند آن را از مردم نهان دارد.

سپس دستمال از سر برداشت و گفت؛ این است نفرین علی علیه السلام.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۶۵۵)

[۳۰۴]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

بشارت باد بر تو ای علی! زندگانی و مرگ تو همراه با من است.

(کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۱۴)

[۳۰۵]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

چون روز قیامت فراسد و پل صراط را بر کناره جهنم به پا دارند، هیچ کس اجازه گذر ندارد، مگر آن کسی که نامه علی علیه السلام را به همراه داشته باشد.

(فوائد المسمطین ج ۱ ص ۲۲۸ و ۲۲۹)

[۳۰۶]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

علی ابن ابی طالب پس از من داناترین امت من می باشد.

(کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۴)



[۳۰۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی زیرک ترین مردم در امر قضاوت است.

(ریاض السفره ج ۳ ص ۱۶۷)

[۳۰۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

اما تو علی! تو برگزیده و امانتدار منی.

(خصائص نسائی ج ۹ ص ۱۵۶)

[۳۰۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

خداوند! هر که علی را یاری کرد یاری اش کن، هر که او را گرامی داشت گرامی اش بدار، و هر کس او را وا گذاشت رهایش کن.

(کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۲۳)

[۳۱۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

خدایا! من نیز چون برادرم موسی (علیه السلام) می گویم: « خداوند! برای من از خانواده ام وزیری قرار ده؛ برادرم علی را که نیرویم با او مستحکم شود و مرا یاری نماید تا تو را تسبیح فراوان گویم و بسیار به یادت باشیم، البته تو بر ما بینایی. »

(ریاض النفره ج ۳ ص ۱۱۸)

[۳۱۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

راستی که سعادتمند تراز هر سعادتمندی و سعادتمند حقیقی، کسی است که علی را در دوران زندگانی و پس از شهادتش دوست بدارد.

(الریاض النفره ج ۳ ص ۴۱۵)

[۳۱۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

پروردگار جهانیان در مورد علی بن ابی طالب پیمانی بس استوار با من بست. پس به من فرمود: « به راستی که علی پرچم هدایت، بلندای نور



ایمان، پیشوای دوستان من و روشنایی بندگان و فرمانبرداران من است. »  
(حلیۃ الاولیاء ج ۱ ص ۶۹)

**[۳۱۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:**

« خداوند مرا به محبت چهار کس فرمان داد. چهار کس که محبوب خود او هستند. » عرض کردند: « ای پیامبر خدا ﷺ! نام آن ها را برایمان باز گو! ». سه بار فرمودند: « علی از آن هاست. »

(سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۳۹)

**[۳۱۴]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:**

همانا علی از من و من از اویم، و او پس از من سرور همه مؤمنان است.  
(خصائص نسائی ج ۶ ص ۲۹۶)

**[۳۱۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:**

بی تردید علی پس از من، سرور و صاحب اختیار شماست.  
(کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۲)

**[۳۱۶]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:**

هفت سال پیش از آنکه بشری مسلمان شود، فرشتگان بر من و علی درود می فرستادند.

(منزل العمال ج ۱۱ ص ۶۱۶)

پیامبر خدا ﷺ به حضرت علی ع اشاره کردند، فرمودند:  
بدانید که او برادر، وصی و جانشین من در میان شماست، پس سخنانش را گوش فرا دارید و از او پیروی کنید.

(تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۱۷)

**[۳۱۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:**

من خانه حکتم و علی در این خانه.

(سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۳۷)



[۳۱۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من سرور فرزندان آدم ﷺ هستم و علی سرور عرب.

(المعجم الاوسط طبرانی ج ۲ ص ۲۷۹)

[۳۱۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من شهر علمم و علی دروازهٔ این شهر، هر که بخواهد وارد این شهر شود باید که از دروازه بگذرد.

(المستدرک الحاکم ج ۳ ص ۱۲۶)

[۳۲۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من آگاه کننده و بیم دهنده هستم و علی هدایتگر؛ ای علی! رهروان از تو راهنمایی می جویند.

(تفسیر طبری ج ۱۳ ص ۷۲)

[۳۲۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

روز قیامت، من و علی حجت و راهنمای پیروانم هستیم.

(تاریخ بغداد ج ۲ ص ۸۸)

[۳۲۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

من و علی از یک درختیم و مردم از درخت هایی پراکنده.

(المناقب ج ۴۰۰ ص ۵۳)

[۳۲۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

تو در دنیا و آخرت برادر من هستی!

(سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۶)

[۳۲۴]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

تو همانند کعبه ای؛ همه به سوی تومی آیند و توبه سوی کسی نمی روی.

(اسد الغایة ص ۳۱۴۶)



[۳۲۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

توپس از من، امت مرا در هر چه اختلاف پیدا کنند، راهنمایی و روشنگری می کنی.

(المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۲)

[۳۲۶]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

تواز من هستی و من از تو.

(صحيح بخارى ج ۴ ص ۲۲)

[۳۲۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

توبه روش من زندگانی می کنی و بر آئین من به شهادت می رسی.

(کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۷)

[۳۲۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

تو برای من، مانند هارون برای موسی هستی؛ با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد بود.

(سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۴۱)

[۳۲۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

توپس از من، ولی و صاحب اختیار مردان و زنان مؤمنی.

(المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۴)

[۳۳۰]. پیامبر خدا ﷺ به امام علی علیه السلام فرمودند:

به توه نعمت دادند که به هیچ کس حتی من عطا نکردند: دامادی شخصی چون من که تنها به تودادند و به من نه؛ همسری درست کردار چون دخترم که مرا همسری چون او نیست؛ و فرزندانی چون حسن و حسین علیهما السلام کسی مرا چون آنان فرزندی عنایت نکردند؛ اما همه شما از من هستید و من از شما میم.

(الرياض النقره ج ۳ ص ۱۷۲)



[۳۳۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

نخستین کسی که با من نماز گذارد، علی بود.

(کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۶)

[۳۳۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

به هرکس که به من ایمان آورده، مرا تصدیق نموده سفارش می کنم که سرپرستی علی بن ابی طالب بر خودش را بپذیرد، چرا که هرکس خود را تحت ولایت او قرار دهد، من سرپرست او هستم و هرکس من ولی او باشم، خداوند او را تحت ولایت خویش قرار می دهد؛ و هرآنکه علی را دوست بدارد، دوستدار من است و هر که دوستدار من باشد، خداوند او را دوست می دارد؛ و هرآنکه علی را دشمن بدارد با من دشمنی ورزیده است، و هر که با من دشمنی کند، خداوند - عزوجل - او را دشمن می دارد.

(المناقب ج ۲۳۰ ص ۲۷۷)

[۳۳۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

نخستین کسی که بر حوض (کوثر) وارد می شود و نخستین کسی که اسلام آورد، علی بن ابی طالب است.

(المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۶)

[۳۳۴]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

ای مردم، از علی گله مکنید! او به خاطر خدا یا در راه رضای او سخت گیری می کند.

(سند أحمد ج ۳ ص ۸۶)

[۳۳۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

دوستداری علی، نجات از آتش است.

(الفردوس ج ۲ ص ۱۴۲)



[۳۳۶]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

دوستداری علی، نیکی بزرگی است که از زیان هر بدی جلوگیری می کند و دشمنی با او، زشتی بزرگی است که با آن هیچ کار نیکی، سودمند نخواهد بود.

(الفردوس ج ۲ ص ۱۴۲)

[۳۳۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

یاد علی عبادت است.

(کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۱)

[۳۳۸]. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هیچ عملی بعد از معرفت همپایه نماز نیست، و بعد از معرفت و نماز هیچ عملی به پایه زکات نمی رسد، و بعد از اینها هیچ کاری مانده روزه گرفتن نیست، و بعد از اینها ارزش حجّ بیش از سایر اعمال است.  
«وفاتحة ذلك كله معرفتنا، وخاتمة معرفتنا»  
«و ابتدای همه این اعمال معرفت ما و انتهای آن معرفت ما می باشد».

(بشارة المصطفى ص ۱۷۶ / ترجمه کتاب القطره: ص ۱۰)

[۳۳۹]. پیامبر (ﷺ) فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام فضائلی قرار داده که غیر از خودش کسی نمی تواند عدد آن را بشمارد، هرکس فضیلتی از آن فضائل را در حالی که به آن اقرار دارد یادآوری کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامزد گرچه با گناه جنّ و انس وارد قیامت شود.  
و هرکس فضیلتی از آن فضائل را بنویسد، تا خطّی از آن نوشته باقی باشد، فرشتگان برای او استغفار کنند.

و هرکس به فضیلتی از آن فضائل گوش فرا دهد خداوند گناهانی را



که با گوش مرتکب شده بیخشد، و هرکس به نوشته ای از آن فضائل نگاه کند خداوند گناهی را که با چشم انجام داده بیامزد.

سپس فرمود:

«النظر الى علي بن ابي طالب عليه السلام عبادة، وذكره عبادة، ولا يقبل ايمان عبد الا بولايته والبراءة من اعدائه»

«نگاه کردن به علی بن ابی طالب عليه السلام عبادت و یاد او عبادت است، و ایمان کسی جز با ولایت آن حضرت و بیزارى از دشمنان او پذیرفته نمی شود.»

(امالی صدوق ص ۲۰۱ / القطره ص ۲۸)

[۳۴۰]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای علی؛ خداوند تبارک و تعالی پیامبران مرسل را بر فرشتگان مقرب خود برتری داده است و مرا بر تمام پیغمبران و رسولان برتری داده است و بعد از من فضل و برتری برای تو و امامان بعد از تو است و همانا فرشتگان خدمتگزار ما و دوستان ما هستند.

(بحارالانوار ج ۲۶ ح ۱ / القطره ص ۸۱)

[۳۴۱]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای علی؛ فرشتگانی که عرش با عظمت الهی را بردوش گرفته اند و آنها که اطراف عرشند به حمد و ستایش پروردگار او را تسبیح می کنند و برای آنها که ایمان به ولایت ما اهل بیت آورده اند از خدا آمرزش می طلبند.

(ارشاد القلوب ص ۴۰۳ / القطره ص ۸۱)

[۳۴۲]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای علی؛ اگر ما نبودیم خدا آدم و حوّا، بهشت و دوزخ، آسمان و زمین را نمی آفرید.

(ارشاد القلوب ص ۴۰۳ / القطره ص ۸۱)



[۳۴۳]. پیامبر ﷺ فرمودند:

یا علی؛ چگونه ما برتر از فرشتگان نباشیم، در حالی که نسبت به معرفت پروردگار و تسبیح و تهلیل و تقدیس او از آنها پیشی گرفتیم، زیرا اوّل چیزی که خداوند آفرید ارواح ما بود، ما را به توحید و ستایش خود گویا نمود، سپس فرشتگان را آفرید، آنها وقتی ارواح ما را نوریگانه ای مشاهده کردند امر ما را بزرگ شمردند، ما تسبیح حق تعالی کردیم تا بدانند که ما خلقی هستیم که آفریده شده ایم و او منزّه از صفات ما است، به تسبیح ما فرشتگان تسبیح گفتند و او را از صفات ما پاک و منزّه دانستند.

(ارشاد القلوب ص ۴۰۳ / القطره ص ۸۱)

[۳۴۴]. پیامبر ﷺ فرمودند:

یا علی، فرشتگان وقتی عظمت شأن ما را مشاهده کردند، حق تعالی را تهلیل کردیم تا فرشتگان بدانند خدائی جز خدای بی همتا نیست و ما بندگان او هستیم و خدائی نیستیم که همراه با او یا بعد از او عبادت ما واجب باشد، پس فرشتگان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتند، و وقتی بزرگی محل و موقعیت ما را مشاهده کردند، تکبیر گفتیم تا فرشتگان بدانند خداوند بزرگتر از آن است که کسی جز به سبب او به شأن و مقام بزرگی برسد.

(ارشاد القلوب ص ۴۰۳ / القطره ص ۸۱)

[۳۴۵]. پیامبر ﷺ فرمودند:

یا علی، وقتی فرشتگان عزّت و قوّت ما را مشاهده کردند گفتیم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تا اینکه فرشتگان بدانند هیچ نیرو و قدرتی جز به سبب خداوند نیست و وقتی نعمتی را که خدا بما داده و وجوب اطاعت ما را مشاهده کردند، گفتیم: الحمد لله، تا فرشتگان بدانند حمد و ستایش



به خاطر نعمت ها سزاوار پروردگار متعال است. آنها هم گفتند: الحمد لله. پس فرشتگان به سبب ما به شناخت توحید، تسبیح، تهلیل، تحمید و تمجید خداوند هدایت شدند.

(ارشاد القلوب ص ۴۰۳ / القطره ص ۸۱)

[۳۴۶]. پیامبر ﷺ فرمودند:

یا علی؛ خداوند تبارک و تعالی آدم را آفرید و ما را در صلب او به ودیعه نهاد و آنگاه فرشتگان خود را دستور داد تا او را به خاطر تعظیم و بزرگداشت ما که در صلب او بودیم سجده کنند. پس سجود آنها برای خداوند بخاطر عبادت و پرستش و برای آدم بخاطر اطاعت پروردگار و احترام او بود، زیرا ما در صلب او بودیم، پس چگونه ما برتر از فرشتگان نباشیم در حالی که همه آنها به آدم سجده کردند.

(عیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۲۲ / القطره ص ۸۲)

[۳۴۷]. پیامبر ﷺ فرمودند:

من تربیت شده پروردگار و علی علیه السلام تربیت شده من است.

(بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۳۱ / القطره ص ۱۳۳)

رسول خدا ﷺ فرستاده خود را به طرف گروهی فرستاد، آنها بر او دشمنی کردند و او را کشتند.

این خبر به آن حضرت رسید، این بار علی علیه السلام را به سوی آنها فرستاد، آن حضرت جنگجویان آنها را کشت و باقی مانده آنها را اسیر کرد و وقتی که در برگشتن به نزدیک مدینه رسید پیغمبر اکرم ﷺ او را ملاقات کرد و در برگرفت و صورتش را بوسید و فرمود:

بأبی أنت وأُمی من شدَّ الله به عضدی كما شدَّ عضد موسی بهارون.

پدر و مادرم فدای کسی که خدا بازوی مرا به سبب او قوی کرد، همان



طور که بازوی موسی را به سبب هارون تقویت نمود.

(تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۲۶ ح ۱ / القطره ص ۱۷۹)

[۳۴۸]. پیامبر ﷺ به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

«یا علی ان الله تعالى قال لی: یا محمد، بَعَثْتُ عَلِیًّا مَعَ الْاَنْبِیَا بِاطْنًا وَ مَعَكَ ظَاهِرًا»؛

«علی جان؛ خداوند تبارک و تعالی به من فرمود: ای محمد؛ علی را باهمه انبیاء به طور پنهانی و با توبه طور علنی و آشکار همراه نمودم.»

(القطره ص ۱۸۰)

[۳۴۹]. ابن عباس می گوید:

امیر المؤمنین علیه السلام آبی آشامید، پس از آن پیغمبر اکرم ﷺ سجده کرد، عرض کردند: ای رسول خدا؛ چرا در این موقع سجده کردی؟ فرمود: همین که علی علیه السلام آب را آشامید خدای تبارک و تعالی ندا کرد: «هَنِيئًا يَا وَلِيَّيَّ وَحَقَّتْ عَلَيَّ خَلْقِي، وَامِينِي عَلَيَّ عِبَادِي» «گوارایت باد ای ولی من؛ و ای کسی که حجت من بر مخلوقاتم هستی و امین من بر بندگانم می باشی.»

(جواهر السنیه شیخ حر عاملی ص ۲۱۰ / القطره ص ۱۸۲)

[۳۵۰]. ابن عباس می گوید:

شخصی خدمت رسول خدا ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد: آیا دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام مرا سود می بخشد؟ حضرت فرمود:

از جبرئیل سؤال می کنم و جوابت می دهم. وقتی به جبرئیل فرمود، او عرض کرد:

از اسرافیل سؤال می کنم. اسرافیل به جبرئیل گفت:

با پروردگارم مناجات می کنم.  
از پیشگاه ربوبی به اسرافیل خطاب شد که به جبرئیل بگو: به حبیب  
ما محمد ﷺ سلام برساند و بگوید:  
«انت متی حیث شئت انا، وعلی منک حیث انت متی، و محبوا علی  
منه حیث علی منک»

«تونسبت به من آن طوری هستی که می خواهم، و علی نسبت به تو به  
گونه ای است که تونسبت به من هستی و دوستان علی نسبت به او آن  
طوری هستند که علی نسبت به تومی باشد.»

(جواهر السنیة شیخ حر عاملی / القطره ص ۱۸۳)

[۳۵۱]. پیامبر ﷺ فرمودند:

یا علی کسی که تو را دوست داشته باشد روز قیامت با پیامبران محشور  
می شود و در درجات آنها قرار می گیرد، و کسی که با دشمنی تواز دنیا  
رود، باکی نیست یهودی بمیرد و یا نصرانی از دنیا برود.

(عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۶۶ ح ۹۱ / القطره ص ۱۸۴)

[۳۵۲]. علی علیه السلام فرمود:

از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم و او از خدای تبارک و تعالی شنید که فرمود:  
علی بن ابی طالب حجت من بر مخلوقات، نور من در میان سرزمین ها،  
و امین من بر علم و دانش من است، هر کس علی علیه السلام را انکار کند گرچه  
مرا اطلاعات کند او را به بهشت راه نمی دهم.

(بحار الانوار ج ۲۷ ص ۱۶۶ ح ۹۱ / القطره ص ۱۸۴)

[۳۵۳]. پیامبر ﷺ فرمود:

چرا بعضی درباره کسی شک دارند که درجه و مرتبه اش نزد خدا مثل  
درجه و مرتبه من است، و از همه مقامات من جز نبوت برخوردار است.

بعد فرمود:



«ألا ومن أحب علياً عليه السلام فقد أحببني، ومن أحببني رضي الله عنه، و  
من رضي الله عنه كافاه بالجنة.»

«بدانید: هرکس علی عليه السلام را دوست داشته باشد مرا دوست داشته است، و  
هرکه مرا دوست داشته باشد خدا از او راضی و خشنود است، و کسی که  
خدا از او خشنود باشد یاداش او را بهشت قرار میدهد.»

(القطره ص ۱۸۶)

[۳۵۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی عليه السلام را دوست داشته باشد فرشتگان برای او  
استغفار می کنند و درهای بهشت به روی او باز است تا از هر دری که  
بخواهد بدون حساب وارد شود.

(القطره ص ۱۸۶)

[۳۵۵]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی عليه السلام را دوست داشته باشد خداوند پرونده  
عملش را به دست راست او دهد و همانند پیامبران به حساب او رسیدگی  
کند.

(القطره ص ۱۸۶)

[۳۵۶]. زمخشری بعد از ذکر این حدیث می گوید:

و این رمز علامت خوبی است، زیرا دوستی علی عليه السلام ایمان کامل است  
و با ایمان کامل گناهان ضرری نمی زنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بدانید هرکس علی عليه السلام را دوست بدارد خداوند نماز، روزه و سایر  
اعمالش را قبول می کند و دعای او را به اجابت می رساند.

(القطره ص ۱۸۶)



[۳۵۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد از دنیا خارج نمی شود تا از آب کوثر بیاشامد و از درخت طوبی تناول نماید و جای خود را در بهشت ببیند.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۵۸]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا جان کندن را بر او در هنگام مرگ آسان می گرداند ، قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار می دهد.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۵۹]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا به تعداد رگهای موجود در بدنش به او حوریّه عطا کند و شفاعت او را درباره هشتاد نفر از اهل بیتش بپذیرد، و به تعداد موهای بدنش در بهشت به او منزل عنایت کند.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۶۰]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را بشناسد و او را دوست داشته باشد خداوند ملک الموت را به سوی او بفرستد همان طور که نزد پیامبران می فرستد؛ و از او ترس و وحشت دیدن نکیر و منکر را برطرف کند، و قبرش را روشن و به اندازه مسیر هفتاد سال وسعت دهد، و با روی سفید وارد قیامت شود.

(القطره ص ۱۸۷)



[۳۶۱]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند او را در سایه عرش خود با صدیقین و شهداء و صالحین ساکن گرداند، و او را از وحشت بزرگ و ترس های قیامت ایمن گرداند.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۶۲]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا خوبی های او را قبول کند و از بدی هایش درگذرد، و در بهشت رفیق حمزه سید الشهداء علیه السلام عموی پیامبر باشد.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۶۳]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد حکمت را در قلب او، و راستی و درستی را بر زبان او جاری سازد و درهای رحمت خود را برای او باز کند.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۶۴]. پیامبر ﷺ فرمود:

هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد اسیر خدا در زمین نامیده می شود، و خداوند به وجود او بر فرشتگان و حاملان عرش خود مباحثات می کند.

(القطره ص ۱۸۷)

[۳۶۵]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش پروردگار ندا کند؛ ای بنده خدا؛ عمل را دوباره آغاز کن، خداوند



بسم الله الرحمن الرحيم

گذشته های تو را بخشید و گناهانت را آمرزید.

(القطره ص ۱۸۸)

[۳۶۶]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، روز قیامت در حالی که چهره اش همانند ماه شب چهاردهم می درخشد در آن صحنه وارد می شود.

(القطره ص ۱۸۸)

[۳۶۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند تاج کرامت را بر سر او و لباس عزت را بر تن او بپوشاند.

(القطره ص ۱۸۸)

[۳۶۸]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید: هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد مانند برق زودگذر از صراط عبور کند و هیچ گونه سختی هنگام گذشتن از آن نبیند.

القطره ص ۱۸۸

[۳۶۹]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند دوری از آتش و رهائی از نفاق و اجازه عبور از صراط و ایمن بودن از عذاب را برای او بنویسد.

القطره ص ۱۸۸

[۳۷۰]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند برای او پرونده ای باز نمی کند و میزانی نصب نمی کند و به او گفته می شود:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدون هرگونه حسابی به بهشت وارد شو.

القطره ص ۱۸۸

[۳۷۱]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد از حساب و میزان و صراط در امان خواهد بود.

القطره ص ۱۸۸

[۳۷۲]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رود فرشتگان با او مصافحه کنند و ارواح پیامبران به زیارت او آیند و خداوند تمام خواهشهای او را برآورده فرماید.

القطره ص ۱۸۸

[۳۷۳]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس با دشمنی آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد کافرا از دنیا رفته است.

القطره ص ۱۸۹

[۳۷۴]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید هرکس با دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد، با ایمان از دنیا رفته است و من بهشت را برای او ضمانت می کنم.

القطره ص ۱۸۹

[۳۷۵]. پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

شیعیان و دوستان خود را ده خوی و خصلت بشارت بده: اول پاکی ولادت، دوم: نیکوئی و خوبی ایمان، سوم: خدا آنها را دوست دارد، چهارم: قبرهای آنها وسیع است، پنجم: نور آنها پیشاپیش ایشان در حرکت است،

ششم: فقر را از میان چشم های آنها بیرون کند و دل هایشان را بی نیازی مرحمت فرماید، هفتم: خدا از دشمنان آنها کینه و نفرت دارد، هشتم: از بیماری پیسی و خوره در امانند، نهم: گناهان و بدی ها از ایشان فرو می ریزد و از بین می رود، آنها در بهشت با من هستند.  
پس خوشا به حال آنها و بازگشت خوبی که دارند.

بحارالانوار ج ۲۷ / القطره ص ۱۸۹

[۳۷۶]. **عمر بن خطاب نقل کرده است که گفت:**

در حضور رسول خدا ﷺ در مسجد آن حضرت بودیم، نماز ظهر را به جماعت برپا داشت، سپس به محراب تکیه کرد، همانند ماه در نهایت درخشندگی و کمال بود و اصحاب در اطرافش جمع شده بودند، ناگهان نگاهی به آسمان نمود، و پس از مدتی نگاهی به زمین کرد و سپس به کوه و دشت نظری کرد و فرمود:

ای گروه مسلمین؛ ساکت باشید خداوند شما را رحمت کند، بدانید در دوزخ درّه ای است که درّه ضیاع نامیده می شود، در آن چاهی است و در آن چاه ماری است، جهنم از آن درّه و درّه از آن چاه، و چاه از آن مار هر روز هفتاد مرتبه به خدا شکایت می کند.

عرض کردند: ای رسول خدا؛ این عذاب دو چندانی که قسمتی از آن از قسمت دیگرش گله می کند برای چه کسی است؟ فرمود:

«هولمن یأتی یوم القيامة وهو غیر ملتزم بولاية علی بن ابی طالب علیه السلام»

برای آنهایی که به صحنه قیامت در حالی که به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام پایبند نبوده اند وارد شوند.

بحارالانوار ج ۳۹ ص ۲۵۰ / القطره ص ۱۹۰



[۳۷۷]. ابوذری می‌گوید:

روزی در منزل امّ سلمه در خدمت پیغمبر اکرم ﷺ نشسته بودم و به فرمایشات او گوش می‌دادم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، چهره پیغمبر ﷺ از خوشحالی شکفته و درخشان گردید، علی علیه السلام را در بر گرفت و پیشانی او را بوسید سپس روبه من کرد و فرمود:  
ای ابوذری! این شخص را که بر ما وارد شد به حقیقت می‌شناسی؟ ابوذری گفت:

عرض کردم: ای رسول خدا! او برادر و پسر عمّ شما و همسر فاطمه علیها السلام و پدر حسن و حسین دو سرور جوانان بهشت است.  
رسول خدا ﷺ فرمود:

ای ابوذری! این امامی است فروزنده و درخشان، نیزه بلند بالای پروردگار و در بزرگ رحمت او است که هر کس خدا را ازاده کند باید از آن در وارد شود.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۱

[۳۷۸]. پیامبر ﷺ فرمود:

ای ابوذری علی برپا دارنده عدالت، و مدافع حریم الهی و یاری کننده دین خدا و حجت پروردگار بر آفریدگان است، خداوند همواره در میان امتها به سبب او با خلق خود احتجاج می‌کند با آنکه در میان هرامتی پیامبری را برانگیخته است.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۱

[۳۷۹]. پیامبر ﷺ فرمود:

ای ابوذری! خداوند بر هر پایه ای از پایه های عرش خود هفتاد هزار فرشته قرار داده، تسبیح و عبادت آنها دعا کردن برای علی علیه السلام و شیعیان، و نفرین



کردن بر دشمنان آن حضرت است.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۱

[۳۸۰]. پیامبر ﷺ فرمود:

ای ابوذر؛ اگر علی علیه السلام نبود حق از باطل، و مؤمن از کافر تشخیص داده نمی شد، و خدا عبادت نمی گردید، زیرا او بر سر مشرکین زد تا اسلام آورند و خدا را عبادت کنند، و اگر او نبود پاداش و کیفری نبود، میان او و خدا پرده و حجابی نیست و او خود حجاب و پرده است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا... مَنْ يُنِيبْ﴾

سوره شوری / آیه ۱۳

خدا شرع و احکامی که برای شما مسلمین قرارداد همان است که نوح را به آن سفارش کرد... و هر کس با دعا و تضرع به درگاه الهی روی آورد هدایت می شود.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۲

[۳۸۱]. پیامبر ﷺ فرمود:

ای ابوذر؛ خدای تبارک و تعالی در سلطنت و یکتائی خود یگانه بود، به بندگان با اخلاص خود معرفتش را مرحم کرد و بهشت را مباح گردانید. هر کس را بخواهد هدایت کند او را با ولایت علی علیه السلام آشنا می کند، و هر کس را بخواهد بر قلبش پرده افکند معرفت آن حضرت را از او باز میدارد.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۲

[۳۸۲]. پیامبر ﷺ فرمود:

ای ابوذر؛ علی علیه السلام پرچم هدایت و دلیل تقوا و ریسمان محکم الهی و پیشوای اولیاء من، و نور کسانی است که مرا اطاعت کنند و او کلمه ای



است که خدا تقوا پیشه گان را به آن ملزم ساخته است.

بحارالانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۲

[۳۸۳]. پیامبر ﷺ فرمود:

دوستان علی مؤمن و دشمنان او کافرنده، هرکس ارتباطش را با او قطع کرد گمراه و باعث گمراهی دیگران است، و هرکس ولایت او را انکار کرد مشرک است.

بحارالانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۲

[۳۸۴]. پیامبر ﷺ فرمود:

ای ابوذر؛ منکر ولایت علی (ع) را روز قیامت می آورند در حالی که کر و کور و لال است، و در تاریکی های قیامت وارونه و نگونسار فریاد بر می آورد:

«يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّقْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»

«واحسرتا، ای وای بر من بر آنچه کوتاهی کردم در جنب پروردگار یعنی

امیرالمؤمنین (ع)»

(زمزمله ۵۶)

در گردنش حلقه ای از آتش است که ۳۰۰ زبانه دارد و بر هر یک از آنها شیطانی به صورت او آب دهان می افکند، و در داخل قبر او را با خصومت و شدت به طرف آتش رها می کنند.

بحارالانوار ج ۴۰ ص ۵۵ / القطره ص ۱۹۲

[۳۸۵]. پیامبر ﷺ به ابوذر فرمود:

وقتی مرا به آسمانها بالا بردند، به آسمان اول که رسیدم فرشته ای اذان گفت و نماز برپا گردید، جبرئیل دستم را گرفته و مرا مقدم داشت و عرض کرد:



نماز را با فرشتگان بخوانید، اینها مدّتی طولانی است که مشتاق دیدار شما هستند، آنگاه نماز را با هفتاد صف از فرشتگان که طول هر صف به اندازه فاصله مشرق و مغرب بود و عدد فرشتگان را جز خالق آنها نمی دانست خواندم، و چون نماز به پایان رسید بعضی از فرشتگان به من روی آوردند و سلام کردند و گفتند:

ما حاجتی و تقاضائی از شما داریم. گمان کردم آنها درخواست شفاعت دارند، زیرا خدا اختیار حوض کوثر و شفاعت را به من داده است و به این وسیله بر پیامبران برتری بخشیده است.

به آنها گفتم: ای ملائکه پروردگار من؛ حاجت شما چیست؟ گفتند: تقاضای ما این است که وقتی به زمین برگشتی سلام ما را به علی علیه السلام برسانی و به او بگوئی که اشتیاق ما به او خیلی طول کشید.

گفتم: آیا شما ما را به حقیقت معرف می شناسید؟

عرض کردند: ای رسول خدا؛ چگونه شما را نشناسیم در حالی که اول مخلوقی هستید که خداوند شما را آفریده است، او شما را اشباح نور در میان نوری از نور خودش آفرید و برای شما در ملکوت جایگاهی قرار داد که تسبیح و تقدیس و تکبیر او کنید، سپس فرشتگان را از نورهای مختلف و پراکنده آن طور که اراده فرمود، ما به شما عبور می کردیم در حالی که شما تسبیح، تقدیس، تکبیر، تحمید و تهلیل پروردگار می نمودید و ما آنها را از شما آموختیم و به تسبیح، تقدیس، تکبیر، تحمید و تهلیل پرداختیم.

آنچه از خیر و خوبی که بخواهد از طرف خداوند نازل شود به سوی ما فرود می آید، و آنچه از اعمال بندگان که بخواهد به درگاه ربوبی بالا رود از ناحیه شما بالا می رود، پس چگونه شما را نشناسیم؟



[۳۸۶]. پیامبر ﷺ فرمود:

چون مرا به آسمان دوم بالا بردند، فرشتگانی که آنجا بودند همان درخواست را از من نمودند (وقتی به زمین برگشتی سلام ما را به علی علیه السلام برسان و به علی بگو که اشتیاق ما به او خیلی طول کشید). به آنها گفتم: آیا شما به حقیقت معرفت ما را می شناسید؟ عرض کردند: چگونه شما را نشناسیم در حالی که شما برگزیدگان خدا از میان مخلوقات او و خزانه دار علم او و ریسمان محکم او و حجت بزرگ او هستید، شما پایگاه و جایگاه و اساس علم و دانشید، پس علی علیه السلام را از طرف ما سلام برسانید.

القطره ص ۱۹۴

[۳۸۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

آنگاه که مرا به آسمان سوم بالا بردند، فرشتگان آنجا نیز همان درخواست را نمودند « سلام ما را به علی علیه السلام برسان »، به آنها گفتم: آیا ما را به حقیقت معرفت می شناسید؟

عرض کردند: چگونه شما را نشناسیم درحالی که شما دری هستید برای رسیدن به همه مرتبه ها و منزلت ها ، و شما دلیل و برهان هستید برای رفع خصومت ها ، و علی علیه السلام دابة الارض است ، و کسی است که در مقام قضاوت حکم قاطع دهد و بین حق و باطل جدا کند، و او صاحب عصا و قسمت کننده دوزخ در میان دشمنان می باشد ، و کشتی نجات است که هر که به آن وارد شود نجات می یابد و کسی که از آن تخلف کند و سربیزی نماید روز قیامت در آتش سقوط کند، شما ارکان قوم و ستارگان سرزمین ها هستید، پس چگونه شما را نشناسیم؟

سپس عرض کردند: علی علیه السلام را از طرف ما سلام برسانید.

القطره ص ۱۹۴



[۳۸۸]. پیامبر ﷺ فرمود:

وقتی مرا به آسمان چهارم بالا بردند، فرشتگان آنجا هم همان تقاضا را نمودند «سلام ما را به علی ؑ برسان»، به آنها نیز گفتم: ای ملائکه پروردگار من؛ آیا شما به حقیقت معرفت ما را می شناسد؟ عرض کردند: چگونه نشناسیم در حالی که شما درخت نبوت، و محل رحمت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان هستید، جبرئیل بر شما فرود آید و وحی الهی را رساند، به علی ؑ از طرف ما سلام برسانید.

القطره ص ۱۹۴

[۳۸۹]. پیامبر ﷺ فرمود:

سپس مرا به آسمان پنجم بالا بردند، فرشتگان آنجا همان تقاضا را از من نمودند «سلام ما را به علی ؑ برسان»، به آنها گفتم: ای فرشتگان؛ شما به حقیقت معرفت ما را می شناسید؟ گفتند: چگونه شما را نشناسیم در حالی که صبح و شام بر عرش عبور می کنیم و بر آن نوشته است:

«لا اله الا الله، محمد رسول الله، وایده بعلی بن ابی طالب علیه السلام»

«خدائی جز خداوند یکتا نیست، محمد فرستاده خداست، او را به علی بن ابی طالب یاری نمودم.»

از آنجا دانستیم که علی ؑ یکی از اولیاء الهی است که از طرف او ولایت و سرپرستی دارد، پس او را از طرف ما سلام برسان.

القطره ص ۱۹۵

[۳۹۰]. پیامبر ﷺ فرمود:

پس از آن مرا به آسمان ششم بالا بردند، فرشتگان آنجا هم خواسته و



تقاضای فرشتگان پیشین را نمودند، «سلام ما را به علی علیه السلام برسان» به آنها گفتم: آیا شما ما را به حقیقت معرفت می شناسید؟

گفتند: چگونه شما را نمی شناسیم در حالی که خداوند بهشت فردوس را که آفرید کنار در آن درختی نشانیده است، بر روی هر برگ آن درخت با نور نوشته شده است:

خدائی جز خداوند یگانه نیست، محمد فرستاده خداست، و علی بن ابی طالب دست آویز مورد اطمینان خداوند و ریسمان محکم الهی و چشم بینای حق تعالی بر همه مخلوقات است.

القطره ص ۱۹۵

[۳۹۱]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

سپس مرا به آسمان هفتم بالا بردند، از فرشتگان آنجا شنیدم که می گفتند:

سیاس و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده اش درباره ما عمل کرد.

القطره ص ۱۹۵

[۳۹۲]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آن شب که به آسمان ها سیر داده شدم و به بالاترین مرتبه قرب پروردگار نائل آمدم از ناحیه ربوبی به من خطاب شد:

ای محمد؛ محبوب ترین آفریده من نزد تو کیست؟

عرض کردم: خداوند؛ تو داناتر هستی.

فرمود: من داناتر می خواهم از زبان خودت بشنوم.

عرض کردم: پسر عمویم علی بن ابی طالب علیه السلام.

فرمود: نگاه کن.



همین که نگاه کردم دیدم علی علیه السلام با من ایستاده و همه پرده های آسمانی را دریده و موانع را کنار زده و سرخود را بلند کرده گفتگوی ما را گوش می کند، پس بر خاک افتاده و برای خدا سجده کردم.

القطره ص ۱۹۴

[۳۹۳]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که دوست دارد خدا تمام خیر و خوبی را برای او جمع کند باید ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را بعد از من بپذیرد و اولیاء آن حضرت را دوست داشته باشد و با دشمنان او دشمنی کند.

القطره ص ۲۱۶

[۳۹۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی؛ محبت و دوستی تو اگر در قلب مؤمنی قرار گرفت، هنگام گذشتن از صراط اگر یک پای او بلغزد پای دیگرش ثابت می ماند تا اینکه خداوند او را به خاطر محبت تو وارد بهشت می کند.

القطره ص ۱۹۴

[۳۹۵]. جابر بن عبدالله انصاری گفت:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در مسجد نشسته بودند که ناگهان علی علیه السلام در حالی که امام حسن علیه السلام در طرف راست، و امام حسین علیه السلام در طرف چپ ایشان بودند وارد شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جای برخاست و علی علیه السلام را بوسید و او را در برگرفت، امام حسن علیه السلام را بوسید و برزانوی راست خود نشانید و امام حسین علیه السلام را بوسید و لب های آنها را می مکید و می فرمود:

پدرم فدای پدر شما، و پدرم فدای مادر شما.

سپس فرمود: ای مردم خداوند تبارک و تعالی به وجود این دو بزرگوار و



پدرشان و فرزندان پاک ایشان بر تمامی فرشتگان مباحات می کند.  
سپس عرض کرد:

خداوندا؛ من اینها را دوست دارم و دوستان ایشان را نیز دوست دارم، هر که گفتار مرا درباره آنها اطاعت کند و سفارش مرا رعایت نماید او را مورد رحمت خود قرار بده، و تواز هرکس رحم کننده تر و مهربانتر هستی، همانا آنها اهل من و برپادارندگان دین من و زنده کنندگان سنت من و تلاوت کنندگان کتاب پروردگار من هستند، پس فرمانبرداری از آنها فرمانبرداری از من و سرپیچی نمودن از ایشان سرپیچی کردن از من است.  
القطره ص ۲۱۸

[۳۹۶]. شیخ مفید در کتاب «امالی» از حارث همدانی نقل می کند که گفت:

خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم، حضرت فرمود:

ای حارث؛ چه باعث شده اینجا آمدی؟ عرض کرد:

محبت و دوستی شما مرا به اینجا کشانیده است.

فرمود: ای حارث؛ مرا دوست داری؟

عرض کرد: بلی بخدا قسم ای امیرالمؤمنین

امام علی علیه السلام فرمود:

بدان! وقت جان کندن و لحظه احتضار مرا می بینی به گونه ای که دوست داری، و اگر مرا ببینی آن وقتی که از ورود بعضی از اشخاص به کنار حوض ممانعت می کنم مانند ممانعت کردن شتران از یک بیگانه به گونه ای می بینی که دوست داری، و نیز اگر مرا ببینی در حالی که بر صراط عبور می کنم و در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله لواء حمد در دست دارم به گونه ای می بینی که دوست داری.

القطره ص ۲۲۰



[۳۹۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

هنگامی که قیامت فرا رسد جبرئیل نزد من می آید در حالی که لواء حمد به همراه دارد، و آن هفتاد طبقه است که هر طبقه آن وسیعتر از خورشید و ماه است، و من بر تختی از تخت های رضوان، بالای منبری از منبرهای قدس نشسته ام، آن را از جبرئیل گرفته و به دست علی بن ابی طالب علیه السلام می دهم.

عمر بن خطاب از جا برخاست و گفت: ای رسول خدا، چگونه علی علیه السلام می تواند آن پرچم را بردارد در حالی که شما فرمودی هفتاد طبقه دارد که هر طبقه آن از خورشید و ماه وسیع تر است؟  
پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

قیامت که برپا شود خداوند تبارک و تعالی به علی علیه السلام قوت و نیروئی همانند قوت جبرئیل، نوری مانند نور آدم، بردباری و حلمی مثل حلم رضوان، جمالی چون جمال یوسف، و صدائی نزدیک به صدای داود مرحمت کند، و اگر این نبود که داود خطیب بهشت است صدائی مانند صدای او به علی علیه السلام عطا می کرد.

وهمانا علی علیه السلام اول کسی است که از آب گوارای سلسبیل و زنجبیل که دو نهر در بهشت اند می آشامد، و او قدمی بر صراط بر نمی دارد مگر اینکه جای آن، قدم دیگرش استوار است.

القطره ص ۲۲۲

[۳۹۸]. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

چرا رسول خدا ﷺ علی علیه السلام را بردوش خود بالا برد؟  
فرمود:

تا اینکه مردم مقام رفیع و مرتبه والای او را بشناسند.



عرض کرد: زیادتر برایم توضیح دهید.  
فرمود: تا مردم بدانند او به مقام رسول خدا ﷺ از هرکس سزاوارتر است.

عرض کرد: بیشتر توضیح دهید.  
فرمود:

تا مردم بدانند علی علیه السلام بعد از او پیشوای مردم و پرچم برافراشته هدایت است.

عرض کرد: زیادتر بفرمائید.  
حضرت فرمود:

هیئات؛ اگر از حقیقت و باطن آن به تو خبر دهم از من کناره می گیری و می گوئی: جعفر بن محمد دروغگو یا دیوانه است و چگونه بر اسرار کسی جز ابرار و نیکوکاران آگاهی پیدا می کند.

القطره ص ۲۲۲

[۳۹۹]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

روز قیامت روزی است که هراس و وحشت آن زیاد است، هرکس می خواهد از وحشت ها و سختی های آن رهائی یابد، ولایت ولی مرا باید بپذیرد، و از وصی و جانشین و صاحب حوض من علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کند.

و همانا او در کنار حوض دشمنانش را از آن دور می کند و دوستانش را آب می دهد، و کسی که از آن آب بیاشامد هیچگاه تشنه نمی شود.

القطره ص ۲۲۳

[۴۰۰]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بدانید علامت و نشانه بین ایمان و نفاق دوستی علی علیه السلام است. هرکس





او را دوست بدارد مؤمن و کسی که با او دشمنی کند منافق است.

کسی که دوست دارد بر صراط مثل برق زودگذر عبور کند و بدون حساب داخل بهشت گردد باید علی علیه السلام را که از طرف من بر شما ولایت و سرپرستی دارد و جانشین من بر اهل من و امتّم می باشد دوست داشته باشد، همانا او در رحمت پروردگار و صراط مستقیم الهی است.

القطره ص ۲۲۴

[۴۰۱]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

علی علیه السلام امیر دینداران و پیشوای روسفیدان و مولای هر کسی است که من مولای او هستم، او را دوست ندارد مگر کسی که حلال زاده و پاک طینت باشد، و با او دشمنی نمی کند مگر آنکه بد طینت و حرام زاده است.

القطره ص ۲۲۴

[۴۰۲]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند در شب معراج به من فرمود؛ ای محمد؛ از طرف من به علی علیه السلام سلام برسان و بگو که او امام دوستان من و چراغ هدایت برای پیروان من است، و به او این کرامت را از طرف من تبریک بگو. بعد فرمود: کسی را که از شیعیان علی علیه السلام فقیر و تنگدست است کوچک نشمارید، همانا یکی از آنها فردای قیامت درباره جمعیتی به اندازه دو قبیله ربیع و مضر شفاعت می کند.

القطره ص ۲۲۴

[۴۰۳]. ابن عباس گفت:

چون آیه شریفه:

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾

«هرچیزی را در امام مبین جمع کرده و شمارش نمودیم»

سوره یس / آیه ۱۲

نازل شد، آن دو نفر برخاستند و عرض کردند: ای رسول خدا؛ مقصود از امام مبین چیست؟

آیا تورات است؟ حضرت فرمود: نه،

عرض کردند: آیا انجیل است؟ فرمود: نه،

عرض کردند: پس حتماً قرآن است. فرمود: نه، در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره به آن حضرت کرد و فرمود:

او امام مبین است که خدا علم هر چیز را در او فراهم آورده است، و همانا خوشبخت و سعادتمند به تمام معنی کسی است که علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگ دوست داشته باشد، و گمراه و بدبخت به تمام معنی کسی است که با علی علیه السلام در دوران زندگی و پس از مرگ خود دشمنی کند.

القطره ص ۲۲۴

[۴۰۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

جبرئیل از طرف خدا بشارت داده و فرمود؛ ای محمد؛ به برادرت علی علیه السلام مژده بده که من اهل ولایت و محبت او را عذاب نمی کنم و به دشمنان او رحم نخواهم کرد.

القطره ص ۲۲۶

[۴۰۵]. سعید بن جبیر نقل کرده است که گفت:

نزد ابن عباس آمدم و به او گفتم: ای پسر عموی رسول خدا؛ آمده ام تا از تو درباره علی بن ابی طالب علیه السلام و اختلاف مردم نسبت به او سؤال کنم.

فرمود: ای پسر جبیر؛ آمدی تا از بهترین شخص این امت بعد از پیغمبر اکرم ﷺ سؤال کنی؟ آمدی تا از کسی که در یک شب سه هزار منقبت برای او حاصل شده سؤال کنی؟ آمدی تا از وصی رسول خدا ﷺ و جانشین او و صاحب حوض و پرچم و شفاعت سؤال کنی؟

سپس فرمود: به حق کسی که محمد ﷺ را ختم رسولان و آخرین پیامبر اختیار کرد، اگر تمام گیاهان دنیا و درختانش قلم و اهل آن نویسند و همگی مناقب و فضائل علی علیه السلام را از آغاز خلقت تا انتهای آن بنویسند نمی توانند یک دهم از فضائلی را که خدا به او مرحمت کرده بنویسند.

القطره ص ۲۲۶

[۴۰۶]. پیامبر ﷺ فرمود:

علی علیه السلام نسبت به من به منزله روح نسبت به بدن است، علی نسبت به من به منزله جان نسبت به جان و به منزله نور نسبت به نور است (یعنی هر دو یک جان و هر دو یک نوریم)، علی نسبت به من به منزله سر نسبت به پیکر و به منزله دکه نسبت به جامه است.

القطره ص ۲۲۸

[۴۰۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است، و هر کس با علی دشمنی کند با من دشمنی کرده، و کسی که با من دشمنی کند خدا بر او خشمناک است و او را مورد لعن خود قرار داده است.

القطره ص ۲۲۹

[۴۰۸]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد خدا پرونده اش را به



دست راست او می دهد، و حساب او را آسان می گیرد و نسبت به او سخت گیری نمی کند.

القطره ص ۲۲۹

[۴۰۹]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد از دنیا خارج نمی شود تا از آب کوثر بیاشامد، و از میوه درخت طوبی بخورد، و جایگاه خود را در بهشت مشاهده کند.

القطره ص ۲۲۹

[۴۱۰]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد جان کندن او به راحتی صورت می گیرد، و قبر او باغی از باغ های بهشت می گردد.

القطره ص ۲۲۹

[۴۱۱]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد خداوند به عدد هر عضوی از اعضاء او بر او نعمت عطاء کند، و شفاعت او را درباره هشتاد نفر از بستگانش بپذیرد.

القطره ص ۲۲۹

[۴۱۲]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را بشناسد و او را دوست داشته باشد خداوند عزرائیل را برای قبض روح او می فرستد همان گونه که برای پیامبرانش می فرستد، و ترس و وحشت دو فرشته ای را که برای بازجویی و پرسش در قبر می آیند از او دور می کند، و قبرش را به اندازه مسیر یک سال راه توسعه می دهد، و در صحنه قیامت با روی سفید وارد می شود و به



طرف بهشت شتابان می رود همان طور که عروس خود را به خانه شوهرش می افکند.

آگاه باشید، کسی که علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا او را در سایه عرش خود پناه می دهد، و از وحشت بزرگ قیامت در امان است.

القطره ص ۲۲۹

[۴۱۳]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید کسی که علی را دوست داشته باشد خدا خوبی های او را قبول می کند و او را در حالی که ایمن است به بهشت وارد می کند.

القطره ص ۲۲۹

[۴۱۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید کسی که علی را دوست داشته باشد، امین خدا در روی زمین نامیده می شود.

القطره ص ۲۳۰

[۴۱۵]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید کسی که علی را دوست داشته باشد تاج کرامت و بزرگواری را بر سر او می نهند که بر آن نوشته شده است: « اهل بهشت به مقصد رسیده و پیروز شده اند و شیعیان علی علیه السلام همان رستگاران هستند. »

القطره ص ۲۳۰

[۴۱۶]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد پرونده اش را باز نمی کنند، و میزان که وسیله سنجش اعمال است برای او نصب نمی کنند، و درهای هشتگانه بهشت را برای او باز می کنند.

القطره ص ۲۳۰



[۴۱۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد و با محبت او از دنیا رود فرشتگان با او مصافحه می کنند، و پیامبران به زیارت او می آیند.

القطره ص ۲۳۰

[۴۱۸]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که با دوستی علی از دنیا رود من بهشت را برای او ضمانت می کنم.

القطره ص ۲۳۰

[۴۱۹]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، خداوند را دری است که هرکس به آن وارد شود از آتش نجات یافته است و آن دوستی علی علیه السلام است.

القطره ص ۲۳۰

[۴۲۰]. پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید، کسی که علی را دوست داشته باشد خداوند به عدد هر رگی وهر موئی که در بدن او است شهری در بهشت به او عطا کند.

القطره ص ۲۳۰

[۴۲۱]. پیامبر ﷺ فرمود:

علی سرور اوصیاء و پیشوای پرهیزکاران و جانشین من بر تمام مردمان است و او پدرامامانی است که نیکو چهره و پربرکت اند، پیروی کردن از او پیروی کردن از من و شناختن او شناختن من است.

القطره ص ۲۳۰

[۴۲۲]. پیامبر ﷺ فرمود:

به حق آنکه مرا به پیامبری برانگیخت اگر کسی بین رکن و مقام



بایستد و خدا را هزار سال عبادت کند در حالی که روزها را روزه و شبها را بیدار بماند و به اندازه ای که زمین را پرکرده باشد طلا انفاق کند و بنده آزاد نماید، و بعد از همه اینها بین صفا و مروه به شهادت رسد سپس در قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که با علی دشمن است هیچ یک از این اعمال او را خدا نمی پذیرد، و با همه اعمالش در آتش افکنده می شود و با زینکاران محشور خواهد شد.

القطره ص ۲۳۱

[۴۲۳]. انس بن مالک گوید:

فرمای قیامت علی علیه السلام را اینگونه خطاب کنند: ای علی، ای ولی، ای سید، ای راستگو، ای حاکم، ای رهبر، ای هدایت کننده، ای زاهد پیشه، ای جوانمرد، ای پاک، ای پاکیزه، تو و شیعیان بدون حساب وارد بهشت شوید.

القطره ص ۲۳۱

[۴۲۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند پایه و ستونی در بهشت قرار داده که برای اهل آن نور می دهد همان طور که خورشید برای اهل زمین نورافشانی می کند و به آن پایه جز علی علیه السلام و شیعیان او دسترسی ندارند.

القطره ص ۲۳۱

[۴۲۵]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

و همانا حلقه در بهشت از یاقوت سراسر است (طول آن مسافت پنجاه سال راه است) که بر روی پهنه ای از طلاست، و وقتی بر آن کوبیده می شود آوازی دارد و می گوید: یا علی

القطره ص ۲۳۱



[۴۲۶]. پیامبر ﷺ فرمود:

هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کعبه تولد یافت سجده کنان بر زمین فرود آمد، سپس سر شریف خود را بلند کرد اذان و اقامه گفت، سپس شهادت به یکتائی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه وآله و ولایت و جانشینی خود داد. آنگاه به رسول خدا ﷺ اشاره کرد و گفت:

ای رسول خدا! اجازه می دهی بخوانم؟ فرمود: بخوان.

شروع کرد به خواندن صحیفه هائی که برآدم نازل شده و آنها را به گونه ای قرائت کرد که اگر شیت حضور می داشت اقرار می کرد که علی (علیه السلام) به آنها داناتر است، سپس کتاب های آسمانی حضرت نوح و ابراهیم، و تورات موسی و انجیل عیسی را خواند، سپس این آیه شریفه را تلاوت نمود:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾

«به راستی اهل ایمان رستگارند.»

سوره مومنون / آیه ۱

پیغمبر اکرم ﷺ به او فرمود:

بلی، رستگارند، زیرا تو امام و پیشوای آنها هستی.

سپس او را خطاب کرد به آنچه انبیاء و اوصیاء رابه آن خطاب کنند،

سپس ساکت شد. آنگاه رسول خدا ﷺ به او فرمود:

به طفولیت خود برگرد، پس او از اظهار عجائب خودداری کرد.

القطره ص ۲۳۲

[۴۲۷]. امیرالمؤمنین فرمود:

منم حجّت الله، خلیفه الله، باب الله، منم خزانه دار علم خدا و امین سر

خدا منم امام خلق پس از بهترین مردم محمد نبی رحمت ﷺ

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۵)

[۴۲۸]. اصبع بن نباته گفت امیرالمؤمنین فرمود:

منم خلیفه رسول خدا ﷺ و وزیرش و وارثش منم برادر رسول خدا و وصیش و حبیبش منم برگزیده رسول خدا ﷺ و مُصاحب او منم عمو زاده رسول خدا ﷺ و شوهر دخترش و پدر فرزندان منم سید اوصیاء و وصی سید انبیا منم حجت عظمی و آیت کبری و مثل اعلی و باب پیغمبر مصطفی ﷺ منم عروة وثقی و کلمة تقوی و امین خدای تعالی و ذکر او بر اهل دنیا.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۳۸ و ۳۹)

[۴۲۹]. یزید بن قعنّب گوید:

من با عباس بن عبدالمطلب و جمعی از عبدالعزی برابر خانه کعبه نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام که نه ماه به او آبستن بود آمد و درد زائیدن داشت گفت خدایا من به توایمان دارم و بدآنچه از نزد تو آمده است از رسولان و کتاب ها مؤمنم و به سخن جدم ابراهیم خلیل تصدیق دارم و او است که این بیت عتیق را ساخته به حق آنکه این خانه را ساخته و به حق مولودی که در شکم من است ولادت (فرزندم) را بر من آسان کن، یزید بن قعنّب گوید ما به چشم خود دیدیم که خانه از پشت شکافت و فاطمه به درون آن رفت و از دیده ما نماند و دیوار به هم آمد و خواستیم قفل در خانه را بگشائیم گشوده نشد و دانستیم که این امر از طرف خدای عزوجل است و پس از چهار روز بیرون آمد و امیرالمؤمنین را در دست داشت و سپس گفت من بر همه زنان گذشته فضیلت دارم زیرا؛ آسیه بنت مزاحم خدا را به نهانی پرستید در آنجا که خوب نبود پرستش خدا جز از روی ناچاری و مریم دختر عمران نخل خشک را بدست خود جنباند تا از آن خرماي تازه چید و خورد و من در خانه محترم خدا وارد شدم



و از میوه بهشت و بار و برگش خوردم و چون خواستم بیرون آیم يك هاتفی آواز داد ای فاطمه نامش را علی بگذار که او علی است و خدای اعلی می فرماید؛ من نام او را از نام خود گرفتم و به ادب خود تأدیش نمودم و غامض علم خود را به او آموختم و اوست که بت ها را در خانه من می شکند و او است که در بام خانه ام اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند خوشا بر کسی که او را دوست دارد و فرمان او ببرد، بدا بر کسی که او را دشمن دارد و نافرمانی کند.

(امالی شیخ صدوق صفحه ۱۳۲)

[۴۳۰]. علی علیه السلام فرمود:

آیه ای از قرآن نازل نشده مگر آنکه می دانم کجا نازل شده درباره کی نازل شده و در چه موضوعی نازل شده، در دشت است یا کوه گفتند درباره خودت چه نازل شده؟ فرمود اگر از من نمی پرسیدید به شما نمی گفتم درباره من این آیه نازل شده:

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾

«و باز به طعنه می گویند که چرا خدا بر او آیت و معجزه ای نفرستاد تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن است و هر قومی را از طرف خدا رهنمائیست.»

(رعد / ۷)

(امالی شیخ صدوق صفحه ۲۷۶)

[۴۳۱]. عمر رضی الله عنه می گوید:

من با ابوعبیده و ابوبکر و گروهی دیگر بودم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) بشانه علی بن ابیطالب زد و فرمود یا علی تواز مؤمنین، اولین کسی هستی که ایمان آوردی و تواز مسلمین اولین کسی هستی که



اسلام اختیار کردی و مقام و نسبت تو بمن مانند مقام و منزلت هارون است به موسی .

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۱۷ / ذخائر العقبی ص ۵۸

[۴۳۲]. پیامبر ﷺ فرمود:

هفت سال فرشتگان بر من و علی درود فرستادند زیرا که در این مدت کلمه طیبه شهادت بر یگانگی خدا بر آسمان برنخاست مگر از من و علی .

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۱۸ / ذخائر العقبی ص ۵۹

[۴۳۳]. چون علی علیه السلام شبانه در بستر پیغمبر ﷺ قرار گرفت خداوند عزوجل به جبرئیل و

میکائیل فرمود:

من شما را برادر یکدیگر گردانیدم و عمر یکی از شما را طولانی تر از دیگری قرار دادم. کدامیک از شما حاضر است که زیادی عمر را به دیگری بخشد؟

عرض کردند پروردگارا در این امر مختاریم یا مجبور؟

خداوند فرمود: بلکه مختارید.

هیچیک از آن دو حاضر نشد که عمر زیادی را بدیگری بخشد،

خداوند تعالی فرمود:

من میان علی ولی خود، و محمد پیغمبر خود، اخوت و برادری برقرار کردم، و او در فراش پیغمبر خوابیده است (و بنگرید که او چگونه) جان خود را فدای برادر کرده و زندگی وی را بر حیات خویش ترجیح داده است به زمین نازل شوید و او را از شر دشمنانش محفوظ دارید.

پس آن دو فرشته نزد علی علیه السلام آمدند و جبرئیل در بالای سرش ایستاد و میکائیل در پائین پای او و جبرئیل می گفت:

«يَا بَنِيَّ أَبِيطَالِبٍ مَنْ مِثْلُكَ وَقَدْ بَاهَى اللَّهُ بِكَ الْمَلَائِكَةَ»



«به به ای پسر ابوطالب کیست مانند تو که خداوند تعالی بوجود تو به فرشتگان مباهات می نماید.»

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۲۹ فصول المہمہ ابن مبالغ ص ۳۳

[۴۳۴]. پیامبر ﷺ فرمود:

یا علی خداوند تبارک و تعالی بمن دستور داده است که فاطمه را به تو تزویج کنم و من او را بر چهارصد مثقال نقره به تو تزویج کردم.  
علی عرض کرد؛ پسندیدم او را ای رسول خدا و بدان سبب از (لطف) خداوند عظیم و رسول گرامیش خرسند شدم سپس علی برای سپاسگزاری (از این موهبت) به درگاه خدا به سجده افتاد.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲

[۴۳۵]. پس از جنگ احد و مراجعت به مدینه رسول اکرم ﷺ نیز به فاطمه ﷺ فرمود:

«خُذِيهِ يَا فَاطِمَةُ فَقَدْ آدَى بَعْلُكَ مَا عَلَيْهِ وَقَدْ قَتَلَ اللَّهُ بِسَيْفِهِ صَنَادِيدَ قُرَيْشٍ»

«ای فاطمه بگیر شمشیر را که شوهرت امروز دین خود را اداء نمود و خداوند بوسیله شمشیر او بزرگان قریش را نابود ساخت.»

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۹ ارشاد مفید ج ۱ باب ۲ فصل ۲۲

[۴۳۶]. در جنگ احزاب در مقابله علی با عمرو بن عبدود پیغمبر اکرم ﷺ فرمود:

«بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ»

«تمامی ایمان با تمامی کفر به مبارزه برخاسته است»

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۴۴

[۴۳۷]. پیامبر ﷺ فرمود:

ارزش و پاداش شمشیری که علی ؑ در روز خندق بر «عمرو» زد از پاداش عبادت جنس و انس برتر است و یا از پاداش عمل امت من تا روز



قیامت بهتر است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۴۴ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه

[۴۳۸]. پیامبر ﷺ در جنگ خیبر فرمود:

فردا پرچم را به مردی خواهم داد که خدا و پیغمبرش او را دوست دارند و او نیز خدا و پیغمبر خدا را دوست دارد او کسی است که همیشه حمله کننده است و هرگز فرار نکند از جبهه جنگ برنگردد تا خداوند به دست او (قلعه های خیبر را) بگشاید.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۴۷ ارشاد مفید - ذخائر العقبی ص ۷۲

[۴۳۹]. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

علی جان پای بر دوش من بگذار و بت های موجود در کعبه را سرنگون کن و کعبه را از لوث بت پرستی پاک کن.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۵۵

[۴۴۰]. پیغمبر ﷺ فرمود:

اگر شمشیر علی نبود اسلام قائم نمی گشت.

همان منبع ص ۵۸

[۴۴۱]. پیامبر ﷺ فرمود:

اگر آسمان ها و زمین در یک کفه ترازو و ایمان علی در کفه دیگر گذاشته شوند بطور حتم ایمان علی بر آنها فزونی می کند.

همان منبع ص ۲۳۳

[۴۴۲]. پیغمبر اکرم ﷺ در پاسخ کسانی که از تندوی علی علیه السلام در نزد وی گله می کردند

فرمود:

علی را ملامت نکنید زیرا او شیفته خدا است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۲۳۳ شیعه در اسلام نقل از مناقب خوارزمی ص ۹۲



[۴۴۳]. علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا مرا هزار باب از علم یاد داد که هربابی هزار باب دیگر باب می کند.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۲۴۰

[۴۴۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

علم و حکمت به ده جزء تقسیم شده نه جزء آن به علی اعطاء گردیده و یک جزء به بقیه مردم و علی در آن یک جزء هم اعلم مردم است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۲۴۱ کشف الغمّه ص ۳۲

[۴۴۵]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

علی ابن ابیطالب دانشمندترین ائمت من است و در مورد آنچه پس از من اختلاف کنند داناترین آنها در داوری کردن است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۲۴۱

[۴۴۶]. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیک انجام دهند آنها بهترین

مردمند.»

(سوره بینه آیه ۷)

آنها تو و شیعیان تو هستند.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۱۲ شواهد التنزیل جلد ۲ ص ۳۶۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

علی علیه السلام و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۱۲ کنوز الحقایق ص ۹۲

[۴۴۷]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من و علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین سلام الله علیهم



پاک و معصوم هستیم.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۱۸

آیه مودّت -

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

«ای پیغمبر در برابر زحمات تبلیغ رسالت مردم (بگو من از شما اجر و مزدی نمی خواهم مگر دوستی نزدیکانم را)

(سوره شوری آیه ۲۳)

زمخشری در تفسیر کشاف و گنجی شافعی در کفایه الطالب و دیگران نوشته اند که چون آیه مزبور نازل شد به پیغمبر ﷺ گفتند یا رسول الله: «وَمَنْ قَرَّبْتُكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟»  
«قالَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَأَبْنَاهُمَا»

«یعنی نزدیکان شما که دوستی آنها بر ما واجب است چه کسانی اند؟  
فرمود علی و فاطمه و دو پسرشان.»

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۲ غایه المرام باب ۱۲۶

[۴۴۸]. آیه:

﴿قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾

(سوره رعد آیه ۴۳)

وقتی نازل شد که کافران رسالت پیغمبر اکرم را انکار کرده و گفتند تو پیغمبر نیستی.

آیه در پاسخ آنان بحضرتش نازل شد که بگو

(من برای رسالت خود دو شاهد دارم یکی ) خدا است که برای شهادت میان من و شما کافی است و دیگری کسی است که علم کتاب در نزد اوست.



ثعلبی در تفسیر آیه مزبور می نویسد آنکه علم کتاب در نزد اوست علی ابن ابیطالب است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۲ غایة المرام باب ۱۲۶

[۱۴۴۹]. ابوسعید خدری گوید:

از رسول خدا ﷺ پرسیدم آنکس که علم کتاب در نزد اوست کیست؟ فرمود:

آنکس برادر من علی بن ابیطالب است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۲ شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۰۷

[۱۴۵۰]. شیخ سلمان بلخی از ابن عباس نقل می کند که گفت:

آنکه علم کتاب در نزد اوست علی علیه السلام است زیرا او بتفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخ آن عالم بود.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۲

[۱۴۵۱]. آیه:

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ...﴾

«آیا کسی که رسول خدا ﷺ برای صحت گفتار خود حجتی (قرآن) از طرف پروردگار خود داشته و پشت سر او شاهد و گواهی از خود او باشد...»

(سوره هود آیه ۱۷)

در این آیه نیز مفسرین و مورّخین عامّه و خاصّه نوشته اند که منظور از شاهد و گواهی از خود پیغمبر علی علیه السلام است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۳ ینابیع الموده ص ۹۹

[۱۴۵۲]. از ابن عباس نقل شده:

که این آیه:

﴿أَفَمَنْ كَانَتْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ﴾

در شأن علی علیه السلام است و احدى با او در آن شریک نیست و خوارزمی هم در مناقب خود می نویسد که عمروعاص در نامه ای که به معاویه نوشته بود اشاره به آیاتی در شأن علی علیه السلام کرده بود که از جمله آنها آیه مزبور بوده است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۳ غایة المرام باب ۱۲۸

[۴۵۳]. آیه:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

«کسانی که اموالشان را در شب و روز و نهانی و آشکارا انفاق می کنند برای آنان در نزد پروردگارشان پاداشی است و آنان خوف و اندوهی ندارند.»

(سوره بقره آیه ۲۷۴)

خوارزمی و ثعلبی و مالکی و ابونعیم و دیگران از ابن عباس نقل کرده اند که علی علیه السلام چهار درهم داشت یکی را شب (در راه خدا) صدقه داد و یکی را روز و یکی را پنهانی و یکی را آشکارا آنگاه این آیه درباره او نازل گردید. علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۳ ذخائر العقبی ص ۸۸

[۴۵۴]. آیه:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾

(سوره بقره آیه ۲۰۷)

و از مردم کسی هست که جان خود را می فروشد (بذل می کند) در راه به دست آوردن رضای خدا.

ثعلبی در تفسیر خود از ابن عباس روایت می کند که در شب هجرت



پیغمبر ﷺ علی علیه السلام در فراش وی خوابید و این آیه در شأن آن حضرت نازل گردید.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۳ کفایة الطالب ص ۲۳۹

[۴۵۵]. آیه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾

«کسانی که ایمان آورده و اعمال نیکوانجام دادند آنان بهترین مردمند.»

(سوره بینه آیه ۸)

از ابن عباس نقل کرده است که این آیه در شأن علی علیه السلام و اهل بیت اوناازل شده است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۴ غایة المرام باب ۹۴ حدیث ۹

﴿وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾

«آنها را نگهدارید که مورد سؤال خواهند بود.»

(سوره والصفات آیه ۲۴)

پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود؛ که آنچه مورد سؤال خواهد بود ولایت علی بن ابیطالب است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۴ شواهد التنزیل جلد ۱ ص ۱۰۷

[۴۵۶]. آیه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾

«کسانی که ایمان آورده و عمل های نیک انجام دادند به زودی خداوند

دوستی آنها را در دل های مردم قرار می دهد.»

(سوره مریم آیه ۹۶)

علی علیه السلام فرمود؛

مردی مرا ملاقات کرد و گفت یا ابا الحسن بدان که به خدا قسم من

تورا در راه خدا دوست دارم.

علی علیه السلام فرمود؛ من به رسول خدا صلی الله علیه وآله مراجعه کرده و سخن آن مرد را به او خبر دادم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود؛ شاید درباره او احسان و نیکی نموده ای، گفتم بخدا من درباره او احسانی نکرده ام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود؛

خدا را سپاس که دلهای مؤمنین را به دوستی تو واداشته است آنگاه آیه بالا نازل شد.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۴ مناقب خوارزمی ص ۱۸۸

[۴۵۷]. آیه:

﴿واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً﴾

«وهمگی به ریسمان خدا چنگ زنید.»

(سوره آل عمران آیه ۱۰۳)

از عبدالله بن عباس روایت کرده است که ما در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم عربی آمد و عرض کرد یا رسول الله شنیدم که می فرمودی؛ «﴿اعتصموا بحبلِ الله﴾ حبل خدا کدام است که به او تمسک جوئیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر دست علی علیه السلام زد و فرمود به این شخص تمسک جوئید که این حبل المتین است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۵ کفایة الخصام ص ۳۴۳

[۴۵۸]. آیه:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾

«هرآینه تو بیم دهنده ای و برای هر قومی هدایت کننده ای است.»

(سوره رعد آیه ۷)



از طریق اهل سنت حدیث نقل شده است که مقصود از منذر پیغمبر ﷺ و از هادی علی (علیه السلام) می باشد از جمله مالکی در فصول المهمه می نویسد که چون آیه مزبور نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنَا الْمُنْذِرُ وَعَلَى الْهَادِي وَبِكَ يَا عَلِي يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ»

«من انداز کننده ام و علی هدایت کننده و بوسیله تو یا علی هدایت یافتگان هدایت می یابند.»

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۵ فصول المهد ص ۱۲۲

[۴۵۹]. آیه:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾

«زمانی که ابراهیم (بدرگاه خدای تعالی دعا کرد). گفت پروردگارا این شهر را (مکه) محل امن قرار بده و من و فرزندانم را از بت پرستی دور گردان.»

(سوره ابراهیم آیه ۳۵)

رسول خدا ﷺ فرمود: دعای ابراهیم که عرض کرد پروردگارا من و فرزندانم را از بت پرستی دور گردان به من و علی منتهی شد که هیچ یک از ما هرگز به بت سجده نکردیم در نتیجه خداوند مرا نبی و علی را وصی قرار داد.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۶ مناقب ابن مغازی ص ۲۷۶

[۴۶۰]. آیه:

﴿فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾

«البتّه خدا و جبرئیل و صالح مؤمنین یاری کننده او پیغمبر ﷺ هستند و

فرشتگان پس از نصرت خدا پشتیبان اویند.»

(سوره تحریم آیه ۴)

مفسرین بزرگ اهل سنت نوشته اند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود در آیه مزبور منظور از صالح المؤمنین علی بن ابیطالب است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۶ شواهد التنزیل جلد ۲ ص ۲۵۵

[۴۶۱]. آیه:

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾

«دوزخیان با بهشتیان برابر نیستند اصحاب بهشت آنانند که رستگار هستند.»

(سوره حشر آیه ۲۰)

از جابر روایت شده است که گفت ما در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که علی علیه السلام داخل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود؛  
قسم به آنکه جان من در دست اوست که این مرد و شیعه اش در روز قیامت رستگاراند.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۶ کفایة الخصام ص ۴۲۲

[۴۶۲]. آیه:

﴿وَتَعِيَهَا أَذُنٌ وَّاعِيَةٌ﴾

«و نگهدارد، آن پند را گوش نگاهدارنده.»

(سوره الحاقه آیه ۱۲)

وقتی آیه مزبور نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد؛  
خدایا آن گوش را گوش علی قرار بده و علی علیه السلام فرمود؛  
از آنگاه چیزی نشنیدم که فراموش کرده باشم.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۷ مناقب ابن مغازی ص ۲۶۵



[۴۶۳]. آیه:

﴿أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا سَوَاءٌ﴾

«آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است (این دو) در نزد خدا یکسان نیستند.»

(سوره سجدہ آیہ ۱۸)

ابن ابی الحدید در شرح نہج البلاغہ و دیگران نوشتہ اند کہ ولید بن عقبہ در مقام مفاخرہ بہ علی علیہ السلام گفت من از تو زبانم گویاتر و نیزہ ام تیزتر و در جنگ شجاع تر! علی علیہ السلام فرمود: ساکت شوای فاسق. آنگاہ خدا بتصدیق کلام آن حضرت آیہ مزبور را نازل فرمود.

علی کیست فضل اللہ کمپانی ص ۳۲۷ غایۃ المرام باب ۱۵۲

﴿لَقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾

«بیفکنید در دوزخ ہر ناسپاس ستیزہ جورا.»

(سورہ ق آیہ ۲۴)

رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود چون روز قیامت شود خدای تعالی بمن و علی می فرماید؛

ہر کس دشمن شما است او را در آتش بیفکنید و ہر کہ دوست شما

است او را داخل بہشت گردانید و اینست فرمودہ خدای تعالی

﴿لَقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾

علی کیست فضل اللہ کمپانی ص ۳۲۷ شواہد التذیل جلد ۲ ص ۱۹۰

[۴۶۴]. آیه:

﴿وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾

«و رکوع کنید با رکوع کنندگان»

(سورہ بقرہ آیہ ۴۳)



از ابن عباس نقل شده است که این آیه در خصوص پیغمبر ﷺ و علی علیه السلام نازل شده و آنها اول کسی بودند که نماز گزارند و رکوع کردند.

**آیہ [۴۶]**

«آنگاه در آن روز از نعمت‌ها ی‌رسیده شوند.»

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود؛ مقصود از نعيم در اين آيه ولايت امير المؤمنين و ما است که از آن برسيده خواهد شد.

**[۴۶۶]. آیه:**

«خواست سؤال کننده ای عذابی را که واقع شد.»

مورخین نوشته اند که چون در روز ۱۸ ذیحجه رسول خدا ﷺ علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب نموده و فرمود مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. حارث بن نعمان پس از شنیدن این خبر خدمت آن حضرت آمد و گفت ما را به شهادت یگانگی خدا و نبوت خود از جانب خدا امر کردی قبول نمودیم و سپس به نماز و زکوة و حج و جهاد و روزه دستور دادی پذیرفتیم به این ها قناعت نکردی در آخر کار این جوان را که پسر عموی تست به ولایت نصب کردی آیا این کار از جانب تو است یا به دستور خدا است؟ رسول اکرم فرمود؛ قسم به خدائی که جز او خدائی نیست که این امر به

دستور خدا است. حارث بن نعمان در حالی که بسوی ناقه خود می رفت گفت خدایا اگر این مطلب صحیح است بر ما از آسمان سنگ بفرست یا به عذابی دردناک معذب گردان هنوز ناقه اش نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش افتاد و فوراً هلاکش نمود آنگاه این آیه نازل شد که:

﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۸ فصول المهمد ص ۲۶

[۴۶۷]. آیه شریفه:

﴿الْم أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟﴾

(سوره عنکبوت آیه ۱۱)

«آیا مردم چنین پندارند که با گفتن اینکه ایمان آوردیم رها کرده شوند و

آنان آزمایش نخواهند شد؟»

که بنا به نقل علماء و مفسرین عامّه و خاصّه ولایت علی علیه السلام است که

مورد آزمایش مسلمین قرار گرفته است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۹ شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۳۸

[۴۶۸]. آیه تطهیر

در تفسیر طبری و فخر رازی و همچنین در کتب دیگر اهل سنت نقل

شده است که آیه تطهیر:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

(سوره احزاب آیه ۳۳)

[۴۶۹]. در خانه ام سلمه بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و آن حضرت فاطمه و حسن و علی

علیهم السلام را جمع کرد سپس گفت:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»

«خدایا این ها اهل بیت من هستند پلیدی را از این ها دور گردان و به

تطهیر خاصی پاکشان فرما»

اُم سلمه گفت یا رسول الله من هم جزو آنها هستم؟ حضرت فرمود؛ تو جای خود داری و زن خوبی هستی (اما مقام اهل بیت مرا نداری)

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۱۹ تفسیر فخر رازی ج ۶ ص ۷۸۳

[۴۷۰]. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ»

«خداوند نسل و اولاد هر پیغمبری را در صلب او قرار داد و ذریه مرا در

صلب علی ابن ابیطالب گذاشت.»

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۳۵ فیض القدیر ج ۲ ص ۲۲۳

[۴۷۱]. قیس بن حازم گوید ابوبکر و علی بن ابیطالب (علیه السلام) بهم برخورد کردند

ابوبکر تبسم نمود علی علیه السلام فرمود چه شده که تبسم کردی؟ ابوبکر گفت از رسول خدا صلی الله علیه و آله

شنیدم که می فرمود:

احدی از صراط نمی گذرد مگر کسی که علی برای او جواز نوشته باشد.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۳۸ ریاض النفره ج ۲ ص ۱۷۷

[۴۷۲]. پیامبر صلی الله و علیه و آله فرمود:

خداوند بهشت را بر کسی که به خاندان من ستم کند یا با آنها مقاتله نماید یا به آنها هجوم بیاورد و یا دشنامشان دهد حرام کرده است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۳۹ ذخائر العقبی ص ۲۰

[۴۷۳]. عمار و معاذ و عایشه از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمود:

نگاه کردن به صورت علی عبادت است و ذکر او عبادت است و ایمان



کسی پذیرفته نمی شود مگر به ولایت او و تبری جستن از دشمنانش.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۳۹ مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۵۰

[۴۷۴]. پیامبر صلی الله و آله فرمود:

حق علی علیه السلام بر مسلمین مانده حق پدر بر فرزندش است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۴۱

[۴۷۵]. ابویوب انصاری گوید که:

رسول خدا ﷺ به فاطمه علیها السلام فرمود:

آیا نمی دانی که خداوند به مردم روی زمین نگرست و از میان همه آنها پدرت را انتخاب کرده و به پیغمبری مبعوث فرمود، آنگاه بار دوم نگرست شوهرت را اختیار کرد و به من وحی فرستاد که ترا به او تزویج نموده و او را جانشین (خود) قرار دهم.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۴۱ کفایه الطالب ص ۲۹۶

یک نفر یهودی خدمت رسول اکرم ﷺ شرفیاب شد و ضمن سؤالاتی

از اوصیای آن حضرت پرسید؟

[۴۷۶]. پیغمبر ﷺ فرمود:

وصی من علی بن ابیطالب است و پس از او دو نواده من حسن و حسین

و دنبال آن نه امام از صلب حسین هستند.

یهودی عرض کرد یا محمد (ﷺ) برای من آنها را نام ببر، فرمود؛

چون حسین بگذرد پسرش علی و چون علی بگذرد پسرش محمد

و چون محمد بگذرد پسرش جعفر و چون جعفر بگذرد پسرش موسی و

چون موسی بگذرد پسرش علی و چون علی بگذرد پسرش حسن و چون

حسن بگذرد پسرش حجت مهدی (علیهم السلامند) پس از اوصیای من

این دوازده نفرند. در این حدیث علاوه بر تعداد ائمه اطهار علیهم السلام



صریحاً نام آنان نیز ذکر شده است.

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۴۲ ینابیع الموده ص ۴۴۱

[۴۷۷]. جار الله زمخشری که از فحول علماء و مفتترین اهل سنت بوده و به تعصب موصوف

است می گوید:

در حدیث قدسی وارد است که خدای تعالی فرماید:  
«لَا دُخْلُ الْجَنَّةِ مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا وَإِنْ عَصَانِي، وَأَدْخِلُ التَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَ  
إِنْ أَطَاعَنِي»

«داخل بهشت می کنم آنکس را که اطاعت علی را نماید اگرچه مرا  
نافرمانی کند، و داخل دوزخ می کنم کسی را که علی را نافرمانی کند  
اگرچه مرا اطاعت کرده باشد»<sup>۱</sup>

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۵۵ زمخشری در کشاف

آیاتی که درباره ولایت و فضائل علی علیه السلام نازل شده خیلی زیاد است  
و ما برای نمونه فقط به ۲۵ آیه از آنها اشاره نمودیم و بطوریکه مفسرین و  
محدثین متجاوز از سیصد آیه درباره امامت و مناقب آن حضرت در قرآن  
وجود دارد.

[۴۷۸]. چنانکه گنجی شافعی و ثعلبی بسند خود از ابن عباس نقل کرده اند که:

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَكْثَرُ مِنْ ثَلَاثِ مِائَةِ آيَةٍ

علی کیست فضل الله کمپانی ص ۳۲۹

[۴۷۹]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

علی بن ابی طالب، بهترین مردان شماست.

(تاریخ بغداد ج ۴ ص ۳۹۲)

۱. در مورد این حدیث قدسی شرح های مختلفی بیان شده که علاقه مندان می توانند به  
آن ها مراجعه کنند. از جمله بیان زمخشری که در تاریخ التواریخ از قول آن نقل شده است.  
ج ۷ ص ۱۲۷.



[۴۸۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

دوستداری علی بن ابی طالب، گناهان را نابود می کند؛ مانند آتش که هیزم را خاکستری نماید.

(الریاض النفره ج ۳ ص ۱۹۰)

[۴۸۱]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

حق علی بر مسلمانان، چون حق پدر بر فرزند است.

(الریاض النفره ج ۳ ص ۱۳۰)

[۴۸۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

خداوند علی را رحمت کند! خدایا! هر جا علی است، حق را با او بگردان.

(المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۴)

[۴۸۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

تورا به همسری بهترین فرد خانواده ام برگزیدم، او که در علم و دانش و در بردباری و دوراندیشی و در پذیرش اسلام از همه پیشی گرفته است.

(المناقب خوارزمی ص ۶۳)

[۴۸۴]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

مجالس و محافل خود را به یاد علی بیارایید.

(المناقب ج ۲۱ ص ۲۵۵)

[۴۸۵]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

طلایه داران حقیقت سه نفرند: یوشع بن نون در پذیرفتن موسی علیه السلام، صاحب یاسین در گرویدن به عیسی علیه السلام و علی بن ابی طالب علیه السلام در پیوستن به محمد (ﷺ).

(الصواعق المحرقة ص ۱۲۵)



[۴۸۶]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی تنها رازدار من است.

(الفردوس ج ۲ ص ۴۰۳)

[۴۸۷]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

پس از من فتنه ها روی می آورند. در آن هنگام، همراه علی بن ابی طالب باشید. چرا که در روز قیامت، او نخستین کسی است که مرا می بیند و به من می پیوندد. او استوارترین مؤمنان و راهنمای این امت است که میان حق و باطل جدایی می اندازد و اوست بزرگ و رئیس دین.

(اسد الغابة ج ۵ ص ۲۸۷)

[۴۸۸]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

علی، امیر نیکوکاران و قاتل بدکاران است. هرکس او را یاری کرده یاری شد و هرکس او را رها کرد، درماند.

(المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۹)

[۴۸۹]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

همه درها را جز در خانه علی (به مسجد) ببندید. مردم زبان به اعتراض گشودند. پیامبر خدا ﷺ برخاست پس از حمد و ستایش خداوند فرمود: « به من فرمان دادند که همه درها را جز در خانه علی ببندم و این موجب حرف و سخن در میان شما شد. به خدا سوگند من نه دری را باز و نه بسته کردم بلکه به من فرمان دادند پس پذیرفتم. »

(سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۳۱)

[۴۹۰]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

شبی که مرا به آسمان ها بالا بردند، دری و پرده ای و درختی و برگی و میوه ای را ندیدم مگر اینکه بر روی آن نوشته شده بود: علی علی، و همانا



نام علی بر هر چیزی نوشته شده است.

(القطره ص ۲۴۴)

[۴۹۱]. ابن عباس نقل می کند:

رسول خدا ﷺ را دیدم پنج مرتبه سجده کرد بدون آنکه رکوع کند. عرض کردم: این چه عملی بود که انجام دادید؟ فرمود:

جبرئیل نزد من آمد و عرض کرد:

«یا محمد، ان الله يحبّ علیاً»

«ای محمد؛ خدا علی را دوست دارد.»

و من با شنیدن آن سجده کردم، سپس سراز سجده برداشتم، او گفت: خداوند فاطمه علیها السلام را که پارسا و پاک است دوست دارد، و من سجده کردم و سپس سراز سجده برداشتم، بار دیگر گفت: خداوند حسن را دوست دارد، و مرتبه دیگر گفت: خداوند حسین را دوست دارد، و من برای هر کدام سجده کردم و برای آخرین مرتبه گفت: خدا کسانی که ایشان را دوست داشته باشند دوست دارد، و من سجده پنجم را بجا آوردم.

(القطره ص ۲۴۹)

[۴۹۲]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

ای علی؛ وقتی قیامت فرا رسد تو را بر شتری از نور وارد کنند در حالی که بر سرت تاجی است که چشم ها را خیره می کند و نزدیک است که روشنائی را از چشم ها ببرد، در این هنگام دستوری صادر شود که دوستان را به بهشت و دشمنان را به دوزخ وارد کن.

(القطره ص ۲۵۴)

[۴۹۳]. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

همانا شجاعت ده جزء است؛ نه جزء آن در وجود مقدّس علی علیه السلام قرار

داده شده و یک جزء آن بین سائر مردم تقسیم گردیده است، و فضیلت و شرافت نیزده جزء است، نه جزء آن در ذات پاک علی علیه السلام نهفته گردیده و یک جزء آن بین سائر مردم تقسیم شده است.

(القطره ص ۲۵۹)

[۴۹۴]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

یا علی علیه السلام شیعیان تو همانند چراغی در تاریکی ها هستند.

(القطره ص ۲۵۹)



ما را در روایت این حدیث از امام علی علیه السلام در کتاب «القطره» آمده است.